



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



کانادا

بررسی وضعیت معلولیت‌ها و معلولان

علی نوری



انجمن ملی حقوق بشر
National Society for Human Rights

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کانادا: بررسی وضعیت معلولیت ها و معلولان

نویسنده:

علی نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	کانادا: بررسی وضعیت معلولیت ها و معلولان
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۷	فهرست
۲۴	مقدمه
۲۶	معرفی کانادا
۲۶	اشاره
۲۶	وضعیت طبیعی
۲۸	اقتصاد
۲۹	حکومت و سیاست
۳۱	نقشه
۳۲	فصل اول: وضعیت اجتماعی - حقوقی
۳۲	اشاره
۳۴	اقدامات حمایتی
۳۴	اشاره
۳۴	فرزند معلول
۳۵	تداوم مسئولیت
۳۵	آگاهی دادن به خانواده ها
۳۷	برنامه ریزی برای آینده کودک
۳۸	تصویب حقوق بنیادین
۳۹	قانون عدالت استخدامی
۴۰	تجربه ربکا بلوت
۴۲	برنامه های کمک به معلولین

۴۳	دستاوردهای معلولان ورزشکار
۴۳	زهرآ نعمتی
۴۴	باتانی همیلتون
۴۶	قرارداد هنسون تراست
۴۷	برنامه های حمایتی کودکان
۴۸	دیگر حمایت ها
۴۹	مهاجرین دارای عضو معلول
۴۹	معلولان جنگی
۵۱	کمک درمانی
۵۱	اشاره
۵۱	انواع کمک های مالی
۵۲	پشتیبانی افراد فاقد شغل
۵۲	پشتیبانی از افراد بیمار
۵۳	پشتیبانی از افراد باردار
۵۳	مراقبت های درمانی غم خوارانه
۵۴	کمک مالی به علت از کارافتادگی
۵۴	پشتیبانی معلولین
۵۴	کمک های اجتماعی
۵۵	درمان معلولان دارای ضایعه نخاعی
۵۷	مناسب سازی و مهندسی شهری
۵۷	اشاره
۵۷	امکانات شهری
۵۸	حضور اجتماعی
۵۹	حمل و نقل
۶۰	شغل و درآمد
۶۰	اشاره

۶۰	اشتغال
۶۱	کارگاه بررسی مشکلات شغلی
۶۲	مساعدت دولتی
۶۳	مهاجرت و اقامت
۶۳	اشاره
۶۳	پذیرش مهاجران دارای معلولیت
۶۴	قانون مهاجرت برای معلولین
۶۵	قانون اقامت
۶۹	معلولان در استان کبک
۶۹	اشاره
۶۹	حمایت از افراد کم توان
۷۲	کمک به کودکان معلول
۷۴	نظام قضایی و حمایت از معلولان
۷۴	اشاره
۷۴	دادگاه عدالت اجتماعی
۷۶	زندان برای معلولین
۷۸	آسیب شناسی و مشکلات
۷۸	اشاره
۷۸	اصول و تعهدات بنیادین
۷۸	برابری و عدم تبعیض
۷۹	کودکان معلول
۷۹	حق زندگی، آزادی و امنیت افراد
۸۰	آزادی از بهره کشی، خشونت و سوء استفاده
۸۰	آزادی بیان، عقیده و دسترسی به اطلاعات
۸۰	احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی
۸۱	آموزش و اشتغال

۸۲	ورزش
۸۲	اشاره
۸۲	تاریخ ورزش معلولین
۸۳	توانبخشی و ورزش
۸۴	رقابت
۸۵	مشاهدات عینی
۸۵	اشاره
۸۵	نگرش مسئولان، کارمندان و مردم عادی
۸۷	تسهیلات بیمه
۸۷	کیفیت توانبخشی
۸۹	معماری شهری و امکانات عمومی
۹۱	ویژگی های توانبخشی در ایران
۹۳	نتیجه گیری
۹۴	فصل دوم: وضعیت فرهنگی - آموزشی
۹۴	اشاره
۹۶	تاریخ تحولات
۹۶	اشاره
۹۶	آغاز آموزش و پرورش معلولان
۹۷	یکپارچه سازی و ادغام
۹۹	جایگزینی
۱۰۰	حقوق دانش آموزان استثنایی
۱۰۱	حمایت آموزشی
۱۰۱	اشاره
۱۰۱	وضعیت دانش آموزان دارای معلولیت
۱۰۳	دستورالعمل های اجرایی
۱۰۵	دانشجویان دارای معلولیت

- ۱۰۸ بورسیه تحصیلی
- ۱۱۲ پژوهش درباره
- ۱۱۴ فصل سوم: مراکز و تشکل ها
- ۱۱۴ اشاره
- ۱۱۶ کمک دولت به تشکل های مرتبط با معلولان
- ۱۱۸ تشکل های عمومی
- ۱۱۸ اشاره
- ۱۱۸ شورای کانادایی افراد معلول
- ۱۱۹ اتحادیه آموزش های استثنایی استان های آتلانتیک
- ۱۲۰ تشکل های نابینایی
- ۱۲۰ اشاره
- ۱۲۰ سازمان ملی نابینایان کانادا
- ۱۲۴ شورای نابینایان کانادا
- ۱۲۶ اتحادیه جهانی نابینایان: زنان نابینا
- ۱۲۷ اتحادیه جهانی نابینایان: سالمندان نابینا
- ۱۲۸ انجمن ملی کانادایی نابینایان و ناشنوایان
- ۱۲۹ اتحادیه کانادایی بریل
- ۱۳۰ دیگر تشکل ها
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۰ خدمات حمل و نقل برای معلولان
- ۱۳۱ ریج کانادا
- ۱۳۲ مرکز جامعه جعفری در کانادا یاور معلولان ذهنی
- ۱۳۳ بنیاد خیریه کهریزک کانادا
- ۱۳۶ منابع
- ۱۳۸ درباره مرکز

کانادا: بررسی وضعیت معلولیت ها و معلولان

مشخصات کتاب

سرشناسه : نوری، علی، ۱۳۶۳ -

عنوان و نام پدیدآور : کانادا: بررسی وضعیت معلولیت ها و معلولان/ علی نوری.

مشخصات نشر : قم: توانمندان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۱۲۱ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۳۷-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : معلولان -- کانادا

موضوع : People with disabilities -- Canada

موضوع : معلولان -- کانادا -- توانبخشی

موضوع : People with disabilities -- Rehabilitation -- Canada

موضوع : معلولان -- کانادا -- سیاست دولت

موضوع : People with disabilities -- Government policy -- Canada

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : HV ۱۵۵۹

رده بندی دیویی : ۴۰۴۸۰۹۷۱/۳۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۱۸۹۲۵

ص: ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کانادا

بررسی وضعیت معلولیت ها و معلولان

علی نوری



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

ص: ۳



دفتر فرهنگ معلولين
دارالثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

کانادا: بررسی وضعیت معلولیت ها و معلولان

پدیدآورنده: علی نوری

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۳۷-۱ ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۳۷-۱

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰

نسخه قیمت: ۰۰۰/۲۰۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com

info@handicapcenter.com

www.DataDisability.com

www.Tavanmandan.com

ص: ۴

کمک درمانی.. ۳۶

انواع کمک های مالی.. ۳۶

پشتیبانی افراد فاقد شغل.. ۳۷

پشتیبانی از افراد بیمار ۳۷

پشتیبانی از افراد باردار. ۳۸

مراقبت های درمانی غم خوارانه. ۳۸

ص: ۵

کمک مالی به علت از کارافتادگی .. ۳۹

پشتیبانی معلولین .. ۳۹

کمک هزینه دارو. ۴۰

درمان معلولان دارای ضایعه نخاعی .. ۴۰

مناسب سازی و مهندسی شهری .. ۴۲

امکانات شهری .. ۴۲

حضور اجتماعی .. ۴۳

حمل و نقل .. ۴۴

شغل و درآمد. ۴۵

اشتغال. ۴۵

کارگاه بررسی مشکلات شغلی .. ۴۶

مساعادت دولتی .. ۴۷

مهاجرت و اقامت .. ۴۸

پذیرش مهاجران دارای معلولیت .. ۴۸

قانون مهاجرت برای معلولین .. ۴۹

قانون اقامت .. ۵۰

معلولان در استان کبک ... ۵۴

حمایت از افراد کم توان. ۵۴

کمک به کودکان معلول. ۵۷

نظام قضایی و حمایت از معلولان .. ۵۹

دادگاه عدالت اجتماعی.. ۵۹

زندان برای معلولین.. ۶۱

آسیب شناسی و مشکلات.. ۶۳

اصول و تعهدات بنیادین.. ۶۳

برابری و عدم تبعیض... ۶۳

کودکان معلول. ۶۴

حق زندگی، آزادی و امنیت افراد. ۶۴

آزادی از بهره کشی، خشونت و سوء استفاده. ۶۵

آزادی بیان، عقیده و دسترسی به اطلاعات.. ۶۵

احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی.. ۶۵

آموزش و اشتغال. ۶۶

ص: ۶

ورزش ... ۶۷

تاریخ ورزش معلولین .. ۶۷

توانبخشی و ورزش ... ۶۸

رقابت .. ۶۹

مشاهدات عینی .. ۷۰

نگرش مسئولان، کارمندان و مردم عادی .. ۷۰

تسهیلات بیمه. ۷۲

کیفیت توانبخشی .. ۷۲

معماری شهری و امکانات عمومی .. ۷۴

ویژگی های توانبخشی در ایران. ۷۶

نتیجه گیری .. ۷۸

فصل دوم: وضعیت فرهنگی - آموزشی

تاریخ تحولات .. ۸۱

آغاز آموزش و پرورش معلولان. ۸۱

یکپارچه سازی و ادغام. ۸۲

جایگزینی .. ۸۴

حقوق دانش آموزان استثنایی .. ۸۵

حمایت آموزشی .. ۸۶

وضعیت دانش آموزان دارای معلولیت .. ۸۶

دستورالعمل های اجرایی .. ۸۸

دانشجویان دارای معلولیت.. ۹۰

بورسیه تحصیلی.. ۹۳

پژوهش درباره. ۹۷

فصل سوم: مراکز و تشکل ها

کمک دولت به تشکل های مرتبط با معلولان.. ۱۰۱

تشکل های عمومی.. ۱۰۳

شورای کانادایی افراد معلول. ۱۰۳

اتحادیه آموزش های استثنایی استان های آتلانتیک... ۱۰۴

تشکل های نابینایی.. ۱۰۵

سازمان ملی نابینایان کانادا ۱۰۵

شورای نابینایان کانادا ۱۰۹

ص: ۷

اتحادیه جهانی نابینایان: زنان نابینا ۱۱۱

اتحادیه جهانی نابینایان: سالمندان نابینا ۱۱۲

انجمن ملی کانادایی نابینایان و ناشنوایان. ۱۱۳

اتحادیه کانادایی بریل.. ۱۱۴

دیگر تشکل ها ۱۱۵

خدمات حمل و نقل برای معلولان. ۱۱۵

ریچ کانادا ۱۱۶

مرکز جامعه جعفری در کانادا یاور معلولان ذهنی.. ۱۱۷

بنیاد خیریه کهریزک کانادا ۱۱۸

منابع ۱۲۱

ص: ۸

کانادا به دلیل ساختار مدیریتی آن که به شیوه علمی است، از کشورهای خوش نام و فعال در عرصه خدمات اجتماعی به ویژه خدمات دهی به معلولان و اهتمام به پیشرفت آنها است.

معلولان در کانادا به عنوان یک سرمایه ملی شناخته می شوند که دولت وظیفه دارد از این سرمایه به خوبی حفاظت نماید و نگذارد از این سرمایه غفلت شود. از این رو به شیوه های مختلف در پروژه های گوناگون از معلولان استفاده شده و آنان با حداکثر بازدهی اجتماعی و فرهنگی بیشترین تأثیر را در کانادا دارند.

دستاوردها و یافته های دولت و مردم کانادا در زمینه پیشرفت معلولین، الگوهایی است که می تواند به عنوان راه کار در ایران مورد بهره برداری قرار گیرد. اما شناخت معلولین و تشکل های معلولیتی و نیز نهادهای دولتی متصدی امور معلولین در ایران درباره وضع معلولان کانادا بسیار اندک است. جهت انتقال تجارب و دستاوردهای آن کشور به ایران و افزایش آگاهی، کتاب حاضر آماده و عرضه شد.

این کتاب در سه فصل به معرفی نهادها، راه کارها، ایده ها و نظریه ها و بالاخره شخصیت های نخبه و صاحب اندیشه می پردازد، به امید اینکه در آینده ای نه چند دور، پل های ارتباطی بین معلولین نخبه ایران و کانادا و نهادهای مردمی کوشا در این زمینه برقرار گردد و بتوان با تبادل نیروی انسانی و دانش، مسیر توسعه در جامعه معلولین ایران را گشود.

کانادا نه تنها قابل مطالعه و تجربه آموزی است و راه کارهای تجربه شده می تواند از این کشور دریافت کرد، محل مناسبی برای اقامت معلولین حداقل در یک دوره زمانی است. این کشور از نظر وسعت و کمی جمعیت و داشتن مواهب و ذخایر و امکانات فراوان، برای معلولانی که ظرفیت و توانایی پیشرفت دارند، بهترین محیط

را دارد. معلولان با اندک سرمایه یا با داشتن پشتیبان، می توانند از امکانات کانادا استفاده کنند.

یکی از شرایط خوب این کشور، داشتن قوانین کارآمد و انسانی برای معلولین است؛ قوانینی که رشد و تعالی آنان را تضمین می کند. البته فقط قانون نیست، اجرای قانون و ضمانت اجرای آن و فرهنگ سازی در زمینه قانون مهم تر است. کشورهای زیادی هستند که قانون خوب نوشته اند ولی در عمل مشکل دارند.

«دفتر فرهنگ معلولین» در راستای اطلاع رسانی به معلولین و معرفی امکانات مطلوب در سراسر جهان به آنها، مطالعات مفصل روی همه کشورها داشته و درصدد است به تدریج یافته های به دست آمده را منتشر کند.

این کتاب درصدد است پیشرفت معلولان کانادا را رصد کند، علل و عوامل این پیشرفت را ریشه یابی نماید و دستاوردهایی که می توان با انتقال و بومی سازی در داخل استفاده کرد، معرفی نماید.

در پایان بر خود فرض می دانیم از جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سید علی سیستانی تشکر کنیم؛ ایشان همواره با توصیه و راهنمایی ها راه اینگونه طرح ها و پروژه ها را گشوده اند.

علی نوری

مرداد ماه ۱۳۹۸

ص: ۱۰

کانادا (Canada) شمالی ترین کشور قاره آمریکا، از شمال به اقیانوس شمالگان، از شمال شرقی به تنگه اسمیت، خلیج بافین، تنگه دیویس و دریای لابرادور، از شرق به اقیانوس اطلس شمالی، از جنوب به کشور آمریکا، از غرب به اقیانوس آرام و از شمال غربی به ایالت آلاسکا (کشور آمریکا) محدود است. مساحت کشور پهناور کانادا ۹۹۷۰۶۱۰ کیلومتر مربع است و شهر اوتاوا پایتخت آن است. یعنی مساحت آن حدود شش برابر ایران است.

وضعیت طبیعی

کانادا یا دومین کشور وسیع جهان (بعد از روسیه) از منابع سرشار و مهمی چون جنگل، آب، کانی و ماهی فراوان بهره مند است و در قبال نیروی کار و اندیشه، اقتصاد توانمندی دارد. کشور کانادا عمدتاً از آب و پوسته سنگی و کوه و مرداب تشکیل شده و خاک مرغوب و قابل کشت آن از ارزش فراوانی برخوردار است. سرمای سخت و خشونت طبیعت، اکثر نزدیک به اتفاق جمعیت کشور را در مرزهای جنوبی و در نواری به طول ۳۲۰ کیلومتر متمرکز ساخته است. کشور کانادا به نواحی جغرافیایی زیر تقسیم می شود:

۱- سپر کانادا که وسیع ترین ناحیه جغرافیایی این کشور است و تقریباً نیمی از وسعت آن را شامل می شود. این ناحیه که شبیه یک کاسه بزرگ است، خلیج هودسن (هاسدن) را در میان خود جای داده، دنباله آن در شرق به رشته کوه های آپالاش منتهی می شود و از غرب تا فروبومان پیرامون دریاچه های گریت بر و گریت اسلیو و دهانه رود مکنزی گسترش می یابد. فروبومان گریت لیکس (دریاچه های بزرگ) و نیز رودخانه سنت لارنس (سن لوران)، بخش جنوبی سپرگان مزبور را

تشکیل می دهند و انبوه ترین نواحی مسکونی و مزروعی کانادا به شمار می آیند.

۲- فرابومان شرقی یا ارتفاعات ساحلی لورنچن (لورانتید) در مرز شرقی سپرگان کانادا قرار دارند. دامنه شرقی آنها به نوار ساحلی رودخانه و خلیج سینت لارنس منتهی می شود و جزایر نیوفاوندلند، کیپ برتون، پرینس ادوارد و آنتیکاستی و غیره در آب های ساحلی این ناحیه قرار دارند و جزئی از خاک کشور کانادا محسوب می شوند و شبه جزیره نووا اسکوتیا (نووااسکوشا) مهم ترین و چشم گیرترین عارضه ساحلی آن است.

۳- کوردیراهای کانادا که غربی ترین بخش این کشور را تشکیل می دهند، از رشته کوه های چندی که به موازات خط ساحلی اقیانوس آرام قرار دارند، پدید آمده است. کوه های مکنزی و گریت پلینز (جلگه های بزرگ) شرقی ترین نواحی این قسمت اند و کوه های راکی که در دنباله شمالی کوه های راکی کشور آمریکا قرار دارند، با ارتفاع ۳۹۵۴ متر، (کوه رابسون)، در غرب جلگه های بزرگ قرار دارند. رشته کوه های سِتلِکِرک و استیکین فضای میان کوه های راکی و رشته کوه های ساحلی را پر کرده اند و دامنه غربی کوه های ساحلی با بریدگی ها و آبدرده ها و جزایر ساحلی بسیار، به اقیانوس آرام منتهی می شود. جزایر و جزیرک های بسیاری از جمله جزیره ونکوور و جزیره کوئین شارلوت در آب های ساحلی آن قرار دارند و کوه وادینگتون، با ارتفاع ۳۹۹۴ متر، بلندترین قله بخش جنوبی است و کوه لوگان که در شمال غربی کانادا و نزدیک مرز آلاسکا قرار دارد با بلندی ۵۹۵۹ متر مرتفع ترین نقطه بخش شمالی و بلندترین کوه کشور کانادا محسوب می شود.

۴- جزایر شمالی، که عمدتاً در شمال مدار شمالگان قرار گرفته اند، جزایر بزرگ و کوچک فراوانی هستند که غالباً خالی از سکنه بوده و بافین، الزمیر، ویکتوریا، کوئین الیزابت، سامرست، ملویل، بنکس و ساوتمپتن مهم ترین آنها هستند. رودخانه های بسیاری؛ از جمله مکنزی، پیس، آتابسکا، چرچیل، سسکچوان، فریزر؛ از کوردیراهای کانادا سرچشمه می گیرند و رودخانه های باک، نلسون، و آلبنی نیز از دیگر رودهای این کشور محسوب می شوند. کشور کانادا سرزمینی پُر آب است و دریاچه های بسیاری که از عصر یخبندان به جای مانده، در این کشور وجود دارد که دریاچه های گریت بر، گریت اسلیو، آتابسکا، ریندیر، وینیپگ،

مانیتوبا، نیپینگان و بسیاری دیگر از آن جمله محسوب می شوند. کشور کانادا از نظر اداری به ده استان و سه سرزمین تقسیم می شود و اوتاوا، ادمونتون، ویکتوریا، وینیپگ، تورنتو، کبک، و مونترآل مهم ترین شهرهای آن هستند. شمال کانادا دارای اقلیم قطبی و جنوب آن معتدل مایل به سرد است و اقلیم نواحی شرقی و غربی و درونی آن تفاوت اقلیمی بسیار دارند. بارندگی آن در سراسر سال و به طور یکنواخت روی می دهد و زمستان های آن کلاً بسیار سرد و سخت است. میانگین دمای شهر اوتاوا در دی ماه ۹- درجه سانتی گراد و در تیرماه ۲۲ درجه سانتی گراد است و میانگین بارندگی سالانه آن به ۱۰۰۰ میلی متر می رسد. پوشش گیاهی نواحی شمالی کانادا از گونه نیمه قطبی است و نواحی بالاتر از مدار ۵۸ درجه فاقد گیاه است. مساحت جنگل های کانادا ۴۵۵ میلیون هکتار یا حدود یک چهارم از وسعت کشور، است. حیات وحش آن بسیار شبیه به حیات وحش اروپای شمالی و آسیای شمالی است و راسو، سمور، دله، قاقم، خرس سیاه و قهوه ای، سیاه گوش، گرگ، روباه، خرس قطبی، شیرکوهی، سگ آبی و خرگوش صحرائی گونه هایی از حیات وحش آن را تشکیل می دهند.

اقتصاد

کانادا از نظر منابع طبیعی بسیار غنی است و بهره گیری به جا و منطقی از آن، سطح زندگی ساکنان آن را به نحو شایان توجهی بالا برده است. کشاورزی یکی از عمده ترین منابع درآمد این کشور است و به کارگیری شیوه های مکانیزه، موجب صرفه جویی در استفاده از نیروی کار شده است. بیشتر کشتزارهای کانادا در جنوب قرار دارند و حدود چهارپنجم از زمین های مزروعی آن بین کوه های راکی و دریاچه های بزرگ واقع است. فصل کشت در نواحی شمالی، کوتاه و تقریباً بی بهره است. دامداری و پرورش گاو و گوسفند و خوک بیشتر در درون بوم های آن رواج دارد و غلات، ذرت، لوبیای سویا، توتون، انواع میوه و سبزیجات، دانه های روغنی، سیب، سیب زمینی، شیره افرا و گوشت و لبنیات از فرآورده های آن است. کانادا یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان چوب و الوار است و فرآورده های جنگلی یک دهم از صادرات آن را تشکیل می دهد. وسعت جنگل های بارآور کانادا ۵/۲۶ درصد از

مساحت کشور و حجم چوب و الوار تولید شده آن ۵/۱۸۵ میلیون متر مکعب است. صنایع شیلات کانادا عمدتاً در نیوفاندلند تمرکز یافته و میزان صید آن ۰۲۲/۱ میلیون تن است. معادن کانادا اهمیت بسیار دارند که عمده ترین آنها عبارت اند از لیگنیت، نمک، آلومینیوم، زغال، روی، مس، پنبه کوهی، نیکل، سرب، اورانیوم، نقره، طلا، کوبالت، کادمیوم و الماس. ذخیره نفت کانادا در حدود ۷ میلیارد بشکه است و ذخیره گاز طبیعی آن به ۸/۱ میلیون متر مکعب بالغ می شود. الکتریسیته تولید شده کانادا ۱۱۲ میلیون کیلووات ساعت است که ۶۵ درصد از آن به شیوه برقایی تولید می شود، ۲۱ درصد از طریق نیروگاه های حرارتی و چهارده درصد از نیروگاه های هسته ای تأمین می شود. کانادا از نظر صنعتی کشوری پیشرفته است و نفت تصفیه شده، روغن های صنعتی، سیمان، فولاد، آهن، سوخت موتورهای جت، اسید سولفوریک، آلومینیوم، الیاف صنعتی، چوب و الوار، تجهیزات حمل و نقل، لوازم برقی، کاغذ، منسوجات و پوشاک از فرآورده های صنعتی آن به شمار می آیند.

حکومت و سیاست

کانادا دارای نظام فرمانداری کل با دو مجلس قانون گذاری است. فرماندار کل کانادا را ملکه انگلستان انتخاب و منصوب می کند و نهاد قانون گذاری آن از ۳۰۱ عضو مجلس عوام و ۱۱۲ عضو مجلس سنا تشکیل می شود. اعضای مجلس عوام را مردم برای پنج سال انتخاب می کنند و سناتورها را فرماندار کل منصوب می دارد و رهبر حزب حائز اکثریت در مجلس عوام سمت نخست وزیری را بر عهده می گیرد.

جمعیت کانادا حدود ۳۳۶۳۳۰۰۰ نفر است و تراکم نسبی آن به ۴/۳ نفر در کیلومتر مربع می رسد. روند افزایش سالانه جمعیت کانادا یک درصد است و انگلیسی ها ۴۰ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. ۵/۴۶ درصد از مردم آن کاتولیک اند و ۷۹ درصدشان شهرنشین اند و زبان های رسمی آنان انگلیسی و فرانسوی است. میانگین امید به زندگی در کانادا ۷۸ سال است و ۹۹ درصد از بزرگسالان آن سواد دارند. نخستین ساکنان کانادا، بین ۱۰ هزار تا ۳۰ هزار سال پیش از سبیری و با عبور از تنگه برینگ و آلاسکا به این سرزمین وارد

شدند و نیاکان اینوئیت ها را تشکیل دادند. وایکینگ ها نخستین اروپایی هایی بودند که در حدود سال ۱۰۰۰م به کانادا گام نهادند و به دلایل نامعلوم آنجا را ترک کردند. جان کابوت ایتالیایی در ۱۴۹۷ به نیوفاوندلند رسید و قرن ۱۶ عصر شناسایی درون بوم کانادا بود. ژاک کارتیه فرانسوی (۱۴۹۱-۱۵۵۷) که نام کانادا احتمالاً از نام او اقتباس شده است و هم وطنش ساموئل شامپلن (۱۵۶۷-۱۶۳۵) در امتداد رود سنت لارنس (سن لوران) به شناسایی پرداختند و ماندگاه هایی تأسیس کردند که بعدها به کبک و مونترآل موسوم شد؛ و هنری هودسن انگلیسی (۱۵۵۰-۱۶۱۱) نیز به شناسایی کرانه های خلیج هودسن پرداخت. کانادا طی سال های بعد به صحنه رقابت فرانسه و انگلیس تبدیل شد و از قرن ۱۷ تا ۱۹، سراسر آن به مستعمره این دو کشور تبدیل شد. بعد از جنگ های هفت ساله و معاهده پاریس (۱۷۶۳) کانادا کلاً به انگلستان واگذار شد. هنگام جنگ های استقلال آمریکا (۱۷۷۵-۱۷۸۳) زمانی که مهاجرنشین های نواحی شمالی علیه انگلیسی ها سر به شورش برداشتند، عده بسیاری از مهاجران که به انگلستان وفادار مانده بودند، به کانادا مهاجرت کردند و در نووا اسکوتیا و کبک ساکن شدند. قانون اساسی سال ۱۸۶۷ که به تصویب پارلمان انگلیس رسید، کانادا را به یک مستعمره نیمه مستقل انگلیسی تبدیل کرد و مقرر داشت تا نماینده پادشاه انگلستان با عنوان فرماندار کل اداره امور آن را بر عهده داشته باشند. کانادا در قرن ۲۰ به مرور رو به توسعه نهاد و در جنگ های جهانی اول و دوم از متفقین حمایت کرد. در ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد در آمد. (۱)

ص: ۱۵

فصل اول: وضعیت اجتماعی – حقوقی

اشاره

ص: ۱۷

اشاره

کانادا نخست مبنای فرهنگی معلولین را سامان دهی کرده به طوری که معلولین انسان هایی مثل دیگران می باشند و هرگونه تبعیض را مردود دانسته و علاوه بر آن، دولت و مردم موظف به حمایت از معلولین شده اند. دولت همان گونه که برای همه اقشار زمینه تحصیل را فراهم می آورد برای معلولین هم باید، امکانات و زمینه های آموزش فراگیر را مهیا نماید. مردم و شرکت ها همانطور که به داوطلبان شغل می دهند برای معلولین هم باید اشتغال ایجاد نمایند. این مبحث به جنبه های حمایت از معلولین در نظام اجتماعی و اداری کانادا می پردازد.

فرزند معلول

برنامه ریزی دقیق مالی برای همه افراد در هر شرایطی دشوار است. اما ماجرا وقتی یک یا چند فرزند معلول در خانه باشد، سخت تر هم می شود؛ مثلاً خیلی از والدین می خواهند مطمئن شوند بعد از اینکه از دنیا رفتند، سهم بیشتری از ارثیه به فرزند معلول خواهد رسید یا او شرایطی دارد که تا همیشه بتواند از امکانات مالی استفاده کند. برنامه ریزی برای آینده کودکان معلول در کانادا نیازمند توجه به موارد زیادی است که اینجا با برخی از آنها آشنا می شویم.

لوری گشکه، مادر سه فرزند است؛ فرزندان که یکی از آنها دچار ناتوانی رشدی شدید است. او تصدیق می کند که پیش از آنکه فرزندانش به سن بزرگسالی برسند به آینده ی آنها فکر نکرده بود. تنها در آن هنگام بود که او و همسرش به طور جدی به فکر تنظیم وصیت نامه های خود افتادند و برنامه ریزی برای مراقبت از دختر معلولشان شکل فوری تری به خود گرفت. این اتفاق زمانی افتاد که این پدر و مادر کاندایی اطلاعات بیشتری درباره ی تقسیم و مدیریت ارثیه شان به نفع بچه هایشان به دست آوردند.

خانم گشکه، با اشاره به دختر ۳۱ ساله ی خود که مبتلا به اوتیسم و سکوت انتخابی است، می گوید: «وقتی که او سن و سال کمتری داشت من به آینده اش فکر نمی کردم. ما همه ی سال های جوانی عمر خود را، به گذراندن امور روزمره ی زندگی و سر و کله زدن با مسائل مربوط به مدرسه گذرانندیم؛ یعنی سال هایی را که انرژی و توان داشتیم. ما بچه های دیگری هم داریم که حالا بزرگ شده اند و دیگر مسئول زندگی آنها نیستیم. مسئولیت من در قبال دختر معلولم با مرگ «من» به پایان نمی رسد؛ بلکه با مرگ «او» پایان می یابد. این چیزی است که والدین متوجه آن نمی شوند، مگر آنکه در وضعیت ما باشند. این موضوع استرس خیلی زیادی برای ما دارد.»

البته در بهترین شرایط هم برنامه ریزی مالی آسان نیست، اما برای والدینی که فرزندان معلول ذهنی یا جسمی دارند، این کار دشوارتر و بسیار فراتر از یک بودجه بندی معمولی است. خانم گشکه تجربه خودش را این گونه بیان کرده است:

«اگر بخواهیم واقع بین باشیم، همه ی پدر و مادرهایی که چیزی در تملک دارند باید وصیت نامه هم داشته باشند. در مورد ما، اتفاقی که افتاد این بود که تا سال ها به فکر وصیت نامه ی خود نبودیم، چون فکر نمی کردیم که ممکن است نباشیم و نتوانیم بچه هایمان را بزرگ کنیم.»

آگاهی دادن به خانواده ها

گشکه اکنون به همراه یک وکیل، کارگاه هایی را برای کسانی که وارثان معلول دارند برگزار می کند. این وکیل برای سازمان **Planned Lifetime Advocacy Network** یا **PLAN** کار می کند.

والدین و اولیایی که در چنین وضعیتی هستند، باید در امور مالی خود توجه دقیقی به جزئیات داشته باشند. این مسأله به ویژه برای خانواده هایی صادق است که معلولیت فرزندان آنها به اندازه ی کافی شدید نیست که تحت پوشش حمایت های دولتی قرار گیرند.

اما تیموتی آمز، مدیر اجرایی PLAN، معتقد است خانواده های معلولین می توانند از انواع حمایت ها برای بچه معلول خود استفاده کنند؛ چون در کانادا اگر کسی از معلولیت واقعاً شدید جسمانی یا رشدی رنج ببرد مشمول طیف وسیعی از حمایت ها و مزایا می گردد و به همین دلیل فشار مالی بر روی خانواده تا حدی کمتر می شود. ولی لازم است این حمایت ها شناسایی شود و روش جذب آنها هم کشف شود.

آمز می گوید خانواده هایی که فرزند معلول دارند، باید قبل از هر کاری سراغ حساب پس انداز ثبت شده ی معلولیت (RDSP) بروند. این حساب ویژه، والدین را تشویق می کند که برای تضمین وضعیت مالی بلند مدت فرزندان خود پس انداز کنند. حداکثر مبلغ مجاز برای واریز به این حساب در طول عمر فرد ۲۰۰,۰۰۰ دلار است که البته این شامل کمک های دولتی و اوراق قرضه نمی شود. واریزها به این حساب می تواند تا پایان سالی که فرد معلول ۵۹ ساله می شود ادامه داشته باشد و دولت کانادا در بیشتر موارد هر سال به اندازه ی واریز افراد به این حساب کمک می کند، البته تا سقف ۳,۵۰۰ دلار.

آمز می گوید: «RDSP بهترین روش برای تأمین آینده افراد معلول در کانادا است.

البته به گفته ی گوردون واندرلیک، مؤسس شرکت حقوقی واندرلیک در کلگری، RDSP تنها راه حل ممکن نیست. او و همسرش آنی پنج کودک را به فرزندپذیری پذیرفته اند که اکنون بین ۲۱ تا ۲۹ سال سن دارند و مبتلا به معلولیت های مختلف هستند. واندرلیک نقش آنی به عنوان مدافع حقوق معلولان در قوانین و مقررات قابل اجرا، مهم و مؤثری می داند و تجربه خود را این گونه بیان می کند.

پدر و مادرهایی که فرزندان با نیازهای خاص دارند، نوعاً همه ی منابع خودشان را صرف آن کودکان می کنند و معمولاً چیز زیادی برای پس انداز کردن برایشان باقی نمی ماند. اما والدین باید نیازهای کودکان را ارزیابی کنند و احتیاجات مالی او را در هنگامی که خود دیگر نیستند، در نظر بگیرند. اگر مجبور باشید به یک نفر پول بدهید که همه ی کارهای پدر و مادر را انجام بدهد، یعنی باید همه نقدینگی را هزینه نکنند و مقداری از آن را پس انداز کنند.»

گام بعدی تحلیل، عبارت از این است که با در نظر گرفتن طول عمر احتمالی کودک، دریابیم برای تأمین نقدینگی مورد نیاز او چقدر سرمایه باید کنار گذاشته شود.

تعیین حجم ارثیه ی شما، تنها بخشی از این معادله خواهد بود که شامل ارزش خالص خانه، حساب های RRSP، بیمه ها و مانند اینهاست. اما بخش دیگر عبارت است از تخصیص آن ارثیه به شخصی که می خواهید. برخی از پدر و مادرها ممکن است بتوانند اموال خود را به طور مساوی بین فرزندانشان تقسیم کنند، اما بعضی های دیگر باید بین خواهر و برادرهای معلول و غیر معلول تفاوت قائل شوند.

واندرلیک اینگونه توضیح می دهد: «کودک اگر بتواند بیان کند که پول کافی ندارد یا اینکه پول هایش در حال تمام شدن است، می تواند در مورد ارثیه ی والدینش ادعایی حقوقی مطرح کند. این کار همراه با یک ریسک حقوقی است. قاضی از این اختیار قانونی برخوردار است که دستور بدهد بخش مشخصی از آن پول به نفع آن کودک کنار گذاشته شود و تحت شرایط خاصی می تواند دستور بدهد که ارثیه به نسبت متفاوتی تقسیم شود. به عبارت دیگر، قاضی می تواند وصیت نامه را تغییر بدهد. پدر و مادرها باید با گرفتن مشاوره های حقوقی بیاموزند که چگونه این ریسک را تقلیل دهند، چرا که چنین اتفاقی نمی تواند تجربه ی خوشایندی برای خانواده باشد.»

به گفته ی واندرلیک، والدین باید به فکر تهیه و تدارکی فراتر از نیازمندی های حقوقی برای فرزند معلول خود باشند. آنها باید مطمئن شوند که فرزندشان از شرایط خوبی برخوردار خواهد بود و برای مثال جای مناسب، غذا و لباس کافی و پول برای تفریح و استراحت خواهد داشت و همچنین مقدار مناسبی پول در یک حساب امانی در دسترس او خواهد بود که بتواند تضمین کننده ی خدمات درخور برای او باشد.

شالوده ی یک برنامه ی مالی این چنینی را یک حق سرپرستی مبتنی بر وصیت تشکیل می دهد که به شکل مناسبی سازمان دهی شده باشد و به وصی، انعطاف پذیری لازم را برای تطبیق دادن پرداخت ها و وارثان بر اساس نیازمندی های

در حال تغییر بدهد.

بنابراین والدین کودکان معلول، باید بیش از دیگران در برنامه های مالی و وصیت نامه ی خود دقت کنند. نیازمندی های مالی کودک ممکن است تغییر کند؛ وضعیت مالی خود والدین هم ممکن است دچار تغییر شود. ممکن است دچار رکود اقتصادی شده و مردم شغل هایشان را از دست بدهند. والدین ممکن است حق استفاده از بیمه ی گروهی خود را که برای مراقبت از کودک معلولشان روی آن حساب کرده بودند، از دست بدهند. گاهی قوانین برنامه های دولتی و طرح های مالیاتی نیز ممکن است دچار تغییر شود. نباید به این اکتفا کنید که برنامه ای مالی بنویسید و آن را در کشورتان بگذارید تا خاک بخورد. ممکن است مشکلی پیش بیاید و هیچ راه حلی جز رفتن به دادگاه وجود نداشته باشد و این می تواند بسیار پرهزینه و زمان بر باشد.

از این رو برنامه ریزی مالی خوب آن است که تحول پیدا کند و خود را با شرایط در حال تغییر خانواده تطبیق دهد. (۱)

تصویب حقوق بنیادین

در یک قرن گذشته کانادایی های معلول، با مشکلات و موانع زیادی روبرو بوده اند. آنان باید با مشکلات عدم دسترسی مناسب به امکانات در محل کار، مدارس، ساختمان های عمومی و بسیاری از مشکلات دیگر کنار می آمدند. افراد معلول و ناتوان، از جمله نابینایان، کسانی که قادر به حرکت نیستند، افراد دارای معلولیت های ذهنی و همچنین ناتوانان جسمی، باید علاوه بر تحمل مشکلات جسمی و روحی، با مشکلات و موانع عدیده ای در محل کار و زندگی مبارزه و با بسیاری از مشکلات به ناچار کنار می آمدند. آنان حتی با افراد جامعه که قادر به درک مشکلات آنان نبودند دچار مشکل بودند. این افراد برای سال های طولانی با موانع محیطی مانند راه پله ها، علائم و اخطارهای نوشتاری و مانند این مواجه بودند. علاوه بر این و به علت عدم آگاهی جامعه از مشکلات معلولین، آنان همیشه

ص: ۲۳

در دهه هفتاد میلادی، توجه دولت کانادا به مشکلات معلولین جلب شد و نخستین قانونی که به حقوق خاص معلولین می پرداخت وضع کرد. قانون حقوق بشر کانادا برای کلیه کانادایی ها، حقوق برابر بر اساس جنسیت، نژاد، ملیت و ناتوانی فرض کرد و به همه اتباع کانادا حقوق قانونی مساوی اعطا کرد. این نخستین و ضروری ترین گام بود. حقوق بشر و عدالت، مهم ترین حوزه قابل تحقیق و بررسی در خصوص حقوق معلولین است. حق برابر با سایر افراد و لزوم تطبیق شرایط با نیازهای معلولین، توسط قوانین کانادا به رسمیت شناخته شد. ارمغان ماده ۱۵ منشور حقوق و آزادی های کانادا برای معلولین، منافع برابر و حمایت قانونی از حقوق آنان بود. به این ترتیب هرگونه اعمال تبعیض و نابرابری در خصوص حقوق و برنامه های معلولین توسط دولت کانادا، به استناد قانون ممنوع شد. همه افراد دارای ناتوانی موقت یا دائمی، اعم از جسمی، مغزی، یادگیری و همچنین افراد دارای اختلال های روانی و روحی، فارغ از اینکه ناتوانی آن ها مشهود باشد یا پنهان، از نظر قانون ناتوان و جزو معلولین محسوب می شوند.

دولت کانادا همچنین مصوبات دیگری برای کمک به وضعیت افراد ناتوان و معلول وضع کرد. از جمله این قوانین، قانون نابینایان و قانون عدالت استخدامی است. بر این اساس، اکنون نابینایی و کم بینایی دارای تعاریف قانونی هستند و حقوق مرتبط با آنان در قانون ذکر شده است. آونتاریو نخستین استانی است که برای حمایت از همراهی سگ های تربیت شده با افراد نابینا در کلیه اماکن عمومی، قانون وضع کرده است، به نحوی که هیچ هزینه اضافه دولتی نباید برای همراهی و حضور این سگ، به فرد نابینا تحمیل شود. فرد نابینای استفاده کننده از سگ راهنما، همچنین دارای حقوق برابر با سایر افراد برای سکونت در منزل است و برای حضور سگ در منزل، هیچ شرط اضافه ای نمی توان بر او تحمیل کرد.

قانون عدالت استخدامی

از برقراری شرایط کار بدون هرگونه مانع، استقبال و ضمن اصلاح ضوابط تبعیض آمیز استخدامی، به تشویق اجرای اصل برابری و عدالت، و برقراری تدابیر و

امکانات منطبق با نیازهای افراد ناتوان در کانادا می پردازد. محل کار افراد معلول، باید با نیازهای آنان تطبیق داده شود؛ برای مثال امکان دسترسی به آسانسور برای افراد سوار بر ویلچر باید فراهم گردد. این قانون، اجازه نمی دهد که کارفرما، تقاضای کار افرادی را که برای تصدی شغل مشخص دارای شرایط هستند، فقط به دلیل ناتوانی آن ها رد کند. اکنون اعمال تبعیض نسبت به افراد ناتوان و معلول در محل کار، به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و به این ترتیب، نرخ اشتغال معلولین پیشرفت داشته است. علیرغم این رشد اشتغال، باز هم نرخ بیکاری در بین معلولین، همچنان سرسختانه بالاست و حدود دو سوم معلولین بیکارند. این رقم را با نرخ بیکاری افراد سالم که حدود یک چهارم است مقایسه کنید.

در کنار تلاش بی وقفه معلولین در زندگی، دولت کانادا گام هایی را برای تضمین رعایت منصفانه حقوق آنان و دسترسی معلولین به فرصت های قانونی برای ایجاد یک زندگی در سطح زندگی افراد سالم برداشته است. معلولین برای تسلط بر شرایط خود تلاش می کنند و قانون نیز آنان را در این راه همیاری می کند. البته کانادا هنوز راه طولانی برای تطبیق محیط زندگی مناسب و سازگار با نیازهای معلولین در پیش رو دارد.

تجربه ربکا بلوت

ربکا بلوت از ویندزور آونتاریو نایب نماینده مطلق است و برای تکمیل فرم تمدید گذرنامه خود دچار مشکل شد و هیچ امکان جایگزینی به عنوان یک معلول به او ارایه نشد. این اتفاق در ۲۲ مارچ سال ۲۰۱۷ اتفاق افتاد. ربکا از کارمند اداره گذرنامه، درخواست کرد تا به او در نوشتن پاسخ سؤالات مندرج در فرم کمک کند، ولی به او گفته شد که این کار برخلاف ضوابط و مقررات اداره گذرنامه است و هیچ یک از کارمندان اداره گذرنامه اجازه ندارند فرم ها را به جای متقاضیان پر کنند. کارمند مربوطه به ربکا پیشنهاد کرد که او می تواند از فرم مخصوص نایب نمایان که به خط بریل، خط برجسته مخصوص نایب نمایان، تهیه شده استفاده کند، ولی به او یادآوری شد که این فرم فقط برای خواندن سؤالات است و کمکی به ربکا برای پر کردن فرم نمی کند. البته همین پیشنهاد هم عملی نشد، چون فرم های خط

برجسته اداره گذرنامه تمام شده بود! در نهایت، ربکا مجبور شد با کمک کارمند اداره گذرنامه و با دست خط خودش شروع به تکمیل فرم کند.

ربکا به مأمور اداره گذرنامه گله کرد که اگر شخصی قادر به در دست گرفتن قلم نباشد، تکلیف او چیست. در همین زمان، کارمند اداره گذرنامه به سراغ همسر ربکا رفت و از او درخواست کرد تا به جای ربکا فرم ها را تکمیل کند، که این درخواست با مخالفت همسر ربکا مواجه شد. او گفت که کارمند اداره گذرنامه با چه توجیهی تا این حد به فرد همراه یک معلول اطمینان می کند که از او بخواهد به جای او فرم ها را تکمیل کند، در حالی که این همراه، ممکن است راننده تاکسی باشد که کرایه خود را گرفته و منتظر است تا او را پس از اتمام کار به مقصد برساند؛ حتی اگر این همراه، همسر فرد معلول هم باشد، شاید دچار سندروم اختلال در خواندن بوده و یا اصلاً بی سواد باشد. این درحالی است که دولت، به دلایل امنیتی و به این علت کارمندان اداره گذرنامه را از همراهی متقاضی برای پر کردن فرم ها منع کرده، تا از اطلاعات شخصی افراد حفاظت و از جعل و سوءاستفاده جلوگیری کند. در سایت اداره گذرنامه کانادا، یک نسخه از فرم ها برای پر کردن آنلاین و پیش از مراجعه به اداره گذرنامه در نظر گرفته شده تا افراد معلول بتوانند در منزل آن را به کمک دیگران تکمیل کنند. اما به گفته مسئولان اداره خدمات کانادا، این تسهیلات برای پر کردن فرم ها، برای معلولینی که به اینترنت و تکنولوژی دسترسی ندارند هیچ فایده ای ندارد و آنان باید شخصاً برای پر کردن فرم به اداره گذرنامه مراجعه کنند که در این صورت همچنان دچار مشکل خواهند شد.

گرچه در دهه های گذشته، کانادا تلاش های شایان توجهی در خصوص تسهیل دسترسی افراد معلول به امکانات را فراهم کرده است، با این حال موضوع پیش آمده برای ربکا بلوت، نقطه عطفی برای قانونگذاران فدرال خواهد بود تا از این پس دستورالعمل های دولتی مربوط به خدمت رسانی به مشتریان در سراسر کانادا را با انعطاف بیشتری تهیه نمایند و همین رخداد تحولی در نظام حمایتی کانادا پدید آورد.

اگر شما یا یکی از اعضای خانواده شما دچار معلولیت است، ممکن است دارای شرایط برای دریافت کمک های برنامه حمایت از معلولین آونتاریو (ODSP) باشید. دو نوع کمک توسط دولت آونتاریو در این خصوص ارائه می شود: اول کمک هزینه مالی و دوم حمایت از استخدام و اشتغال است. برای دریافت این کمک ها، متقاضی باید بالای هجده سال سن داشته باشد، ساکن آونتاریو باشد، از لحاظ مالی در مضیقه باشد و معلولیت او منطبق با تعریف ارائه شده در برنامه باشد؛ یعنی دارای معلولیت جسمی یا ذهنی قابل توجه و مستمر بوده و یا احتمال داده شود که از تاریخ تقاضا برای مدت یک سال یا بیشتر ادامه خواهد داشت. همچنین اگر معلولیت، مستقیماً منجر به محدودیت در فعالیت و اشتغال شده باشد و متقاضی برای تأمین نیازهای مادی اولیه در تنگنا قرار گرفته باشد. ضمناً چنانچه هزینه تأمین اقلام اساسی منزل متقاضی بیشتر از درآمد باشد، ممکن است کمک هزینه هم به او تعلق گیرد.

اگر معلول همچنان توانایی کار و فعالیت داشته باشد و یا بخواهد که کار کند، برنامه حمایت از اشتغال، به او کمک خواهد کرد. برای استفاده از این کمک، متقاضی باید بالای ۱۶ سال سن داشته، ساکن آونتاریو بوده، قانوناً اجازه کار و اشتغال داشته باشد، دارای معلولیت جسمی یا ذهنی باشد به گونه ای که پیدا کردن کار برای او مشکل باشد. مهم است که بدانید متقاضی استفاده از مزایای برنامه حمایت از اشتغال، نباید در حال استفاده از مزایای برنامه کمک هزینه مالی باشند. متقاضی باید بسته اطلاعات معلولیت خود را برای استفاده از این برنامه تکمیل و ارائه دهد. این بسته اطلاعات، شامل چند بخش است که بخشی از آن، تحت عنوان گزارش وضعیت سلامت، باید توسط یک متخصص درمان دارای مجوز تکمیل شود. این گزارش شامل اطلاعات گردآوری شده مربوط به سلامت متقاضی است و در آن نوع معلولیت، ممنوعیت های پزشکی خاص و مدت رعایت آن، اقدامات درمانی انجام شده و توصیه های پزشکی برای زندگی روزمره بیمار، تأثیر بیماری بر توانایی کار و فعالیت بیمار و مراقبت از خود و نهایتاً امکان شرکت معلول در فعالیت های اجتماعی، قید شده است. برای تعیین اینکه آیا معلولیت فرد

متقاضی، مانعی برای رقابت شخص معلول با دیگران برای اشتغال محسوب می شود، تأثیر بیماری بر توانایی شخص برای آماده سازی و کسب شغل باید لحاظ شود. با تمام این اوصاف، وضعیت برای بیماران دچار معلولیت ها و اختلالات ذهنی، کمی متفاوت است. مشکل این افراد اصولاً در قدرت فکری و تصمیم گیری آنان است. لذا رفتار جامعه با این دسته از معلولین، متفاوت از سایر معلولین جسمی است و بیشتر معطوف به درمان و کنترل آنان است.

دستاوردهای معلولان ورزشکار

معلولیت، همیشه به عنوان مانع و محدودیت برای انجام امور تلقی نمی شود. شنیدن ماجرای موفقیت های چشمگیر و نفسگیر افراد دارای معلولیت و نقص عضو در زمینه های مختلف، همیشه جالب و تعجب انگیز است. بررسی اینکه افرادی با توانایی های فیزیکی یا فکری محدود، چگونه و با چه پشتکاری موفق به انجام کارهایی می شوند که افراد سالم با قابلیت های کامل، جرأت یا انگیزه انجام آن را ندارند، موضوع مهمی است که پرداختن به آن، قطعاً به افزایش کارایی افراد سالم کمک خواهد کرد. یکی از زمینه های حضور موفق افراد معلول و ناتوان، ورزش و فعالیت های ورزشی است. تا آنجا که برای این افراد، مسابقات جهانی و بین المللی مستقلی با عنوان پارالمپیک تابستانی و زمستانی، هر چهار سال یک بار پس از اتمام بازی های المپیک، برگزار می شود. مطالعه زندگی نامه تک تک این ورزشکاران معلول و تلاش های آنان برای رسیدن به این مرحله از موفقیت، درس های بزرگی به ما می آموزد. در اینجا به تلاش های دو ورزشکار موفق اشاره می کنیم که معلولیت، انگیزه آنان را برای موفقیت، چند برابر کرد.

زهرا نعمتی

زهرا نعمتی، یکی از موفق ترین ورزشکاران ایران است. او متولد ۱۹۸۵ در شهر کرمان است و در جوانی در کلاس های تکواندو شرکت کرد. با توجه به توانایی هایش، توانست بالا-ترین رتبه در این رشته، یعنی کمر بند سیاه را اخذ کند و به عضویت تیم ملی ایران در آمد. آرزوی او شرکت در بازی های المپیک بود. در سال

۲۰۰۳ و در سن ۲۸ سالگی ستون فقرات او در یک تصادف رانندگی دچار آسیب شد و هر دو پای او از کار افتاد. پس از طی دوران درمان و بهبود حال عمومی، در سال ۲۰۰۶ او رشته تیراندازی با کمان را انتخاب کرد و در مدت شش ماه توانست به مدال قهرمانی در این رشته دست پیدا کند. او برای کسب این مقام با افراد غیر معلول مسابقه داد و برنده شد. با توجه به استعداد باورنکردنی او در تیراندازی با کمان، در سال ۲۰۱۲ برای عضویت در تیم ملی برای شرکت در مسابقات تابستانی المپیک معلولان انتخاب شد و شگفتی را با دریافت دو مدال طلای مسابقات و کسب جایگاه نخستین زن ایرانی دارای مدال طلا در بازی های المپیک تابستانی کامل کرد. زهرا همچنین مدال برنز تیم گروهی را در این مسابقات کسب کرد. پس از این موفقیت بزرگ، زهرا برای مسابقات المپیک تابستانی ۲۰۱۶ نیز برگزیده شد تا در بین افراد سالم در رشته خودش به رقابت بپردازد. او همچنین به عنوان سردسته کاروان تیم المپیک تابستانی ایران برای حمل پرچم در مراسم افتتاحیه بازی ها انتخاب شد. زهرا پس از کسب مدال طلا گفت من می خواستم به جوانان ایرانی به خصوص دختران ثابت کنم که زن ایرانی چیزی از دیگران کم ندارد و حتی با معلولیت هم می تواند مقام و مدال کسب کند. من خواستم که به تمام ذهنیت های غلط پایان دهم و خوشحالم که موفق شدم.

بزرگ ترین عامل قدرت زهرا نعمتی این بود که او به خودش باور داشت. مادر زهرا می گوید پس از تصادف او را خندان می دیدیم؛ او شکایت نمی کرد و هرگز گریه نکرد. انتقال او از ورزش تکواندو به تیراندازی کار آسانی نبود. زهرا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی WowWow گفت که تکواندوکاری که قادر به حرکت پاهایش نیست، مانند پیانیستی است که قادر به حرکت دستانش نیست. پس از تصادف، او به خودش اجازه نداد تا حس ناامیدی داشته باشد. او در خودش احساس قدرت می کرد و پس از دست دادن پاهایش، توانست جنبه های متفاوتی از درون خودش را پیدا کند.

باتانی همپتون

دستاوردهای زندگی زهرا، هریک به تنهایی چشمگیر و قابل تحسین است، اما

ورزشکاران دیگری هم وجود دارند که کارهای باورنکردنی انجام داده اند. یکی از این ورزشکاران باتانی همیلتون است. او تمام وقت خود را به موج سواری مشغول بود و علاقه اش به این ورزش بی حد و مرز بود. در سن ۱۳ سالگی و در یک روز آفتابی در ساحل جزیره کاووا در اقیانوس آرام، او با چند نفر از دوستان خانوادگی اش به موج سواری مشغول بود که یک کوسه به باتانی حمله کرد و دست چپ او را کاملاً از جای کند. در کمال ناباوری، باتانی همیلتون دقیقاً یک ماه بعد از این حادثه به موج سواری برگشت؛ اما با یک دست. او یک تخته موج سواری مخصوص برای خود درست کرد، اما پس از مدتی آموزش و تمرین موج سواری با یک دست، توانست مجدداً بر روی همان تخته های موج سواری معمولی به ورزش خود ادامه دهد و در کمتر از یک سال بعد، باتانی در یک مسابقه بزرگ با افراد سالم به رقابت برخاست.

مهم است که افراد معلول به جای تمرکز و توجه به آنچه ندارند و کارهایی که نمی توانند انجام دهند، به داشته ها و توانایی های خود آگاه باشند. درست است که زهرا نعمتی پا نداشت و بتانی همیلتون یک دست نداشت؛ اما آن ها به موفقیت هایی دست یافتند که بسیاری از افراد سالم، فقط می توانند رؤیای آن را ببینند. داستان زندگی پر از انگیزه این ورزشکاران بی نظیر، نمونه کوچکی است از این واقعیت که اگر به توانایی های خودمان باور داشته باشیم، به هر هدفی می توانیم برسیم. اکنون بهترین فرصت برای پایان بخشیدن به باورهای غلط و نادرست درباره معلولین و آموزش تمرکز بر توانایی ها و قابلیت های فعلی آنان برای مشارکت بیشتر در جامعه همانند سایر افراد جامعه است. مطالعه زندگی نامه افراد دارای معلولیت و جستجوی تجارب آنان، موجب خواهد شد تا راه های جدیدی برای حمایت از آنان کشف کنیم.

به همین منظور، برنامه حمایت از معلولین آونتاریو، برای ایجاد فرصت های برابر برای افرادی که به جهت معلولیت، نیاز به کمک و پشتیبانی دارند ایجاد شده است. وظیفه دولت، ایجاد جامعه ای مبتنی بر عدالت است که در آن اشخاص، از یک سطح هماهنگ با یکدیگر به رقابت پردازند. به همین جهت برخی افراد توانا، برای رسیدن به خط شروع رقابت، باید پشتیبانی و کمک اضافه دریافت کنند. پس از

دریافت این کمک ها و پشتیبانی ها، شخص باید به بهترین وجه از موقعیت ایجاد شده استفاده کند. (۱)

قرارداد هنسون تراست

«هنسون تراست» نوعی قرارداد بر پایه امانت و اعتماد است که در برنامه ریزی املاک و مستغلات استفاده می شود و در زمانی که کار می رود که ذینفع معلولی است که از برنامه حمایت از معلولین آنتاریو (ODSP)، پرداخت های حمایتی دریافت می کند. «هنسون تراست» بر اساس پرونده ای در دادگاه های آنتاریو (وزیر خدمات گروهی و اجتماعی علیه هنسون) به این نام درآمد. در این پرونده، دادگاه مقرر داشت که ذینفع اجازه نداشته به اداره کننده و امین اموال دستور بدهد به او پرداختی بابت قرارداد انجام دهد. به این ترتیب، از آن جایی که ذینفع حق مشخصی برای دریافت درآمد از قرارداد را نداشته، بنابراین موجبی برای از دست دادن منافع دولتی وجود ندارد. به عبارتی دیگر، قرارداد هنسون به این منظور منعقد می شود تا افراد معلول و ناتوان بتوانند ضمن حفظ منافع، همچنان از کمک های دولتی استفاده کنند. در این قرارداد، اداره کننده اموال، تعیین کننده میزان پولی است که به ذینفع داده می شود و این که آیا منافع به ذینفع منتقل شود یا خیر در اختیار اوست. از این رو، دارایی و منافع، در اختیار و در تملک ذینفع نیست و دولت نمی تواند پرداخت های حمایتی خود به ذینفع را متوقف کند.

ذکر این نکته مهم است که طبق قانون برنامه حمایت از معلولین آنتاریو، اگر ارزش دارایی های دریافت کننده کمک های مالی معلولین (ODSP) بیش از ۵ هزار دلار باشد (با چند استثنا از جمله خانه محل اقامت اصلی و یک خودرو)، یا درآمد بیش از میزان مشخصی داشته باشند، واجد شرایط دریافت ODSP نخواهد بود.

با این حال، اغلب اوقات درآمد حاصل از ODSP کافی نیست. به این ترتیب، اگر فردی از اعضای خانواده، ODSP دریافت کند و قرار باشد ارث بزرگی هم به او برسد، چنین حالتی ممکن است موجب شود این فرد صلاحیت دریافت کمک های

ص: ۳۱

حمایتی دولتی را از دست بدهد؛ مگر این که وصیت کننده در وصیت خود از قرارداد هنسون تراست سخن به میان آورده باشد.

یکی دیگر از مزیت های هنسون تراست این است که به اداره کننده اموال اجازه می دهد برای موضوعاتی که به معلولیت ارتباطی ندارند، مانند غذا، لباس، سرگرمی و غیره، پول خرج کند؛ بدون آن که به منافع از کار افتادگی و معلولیت فرد معلول خدشه ای وارد شود. از طرفی دیگر، باید توجه داشت که هنسون تراست پاسخی کامل به حل مشکلات نیست. دو نکته اصلی در هنسون تراست عبارتند از: الف) اداره کننده اموال باید اختیار تام داشته باشد و ب) دارایی های ناشی از قرارداد به ذینفع واگذار نشود. در چنین حالتی، از آن جایی که اداره کننده، صلاحیت مطلق توزیع دارایی های ناشی از قرارداد را دارد و زمان توزیع اموال نیز به عهده اوست، انتخاب فرد اداره کننده که کاملاً قابل اعتماد است و از موقعیت خود سوء استفاده نمی کند، حیاتی و بسیار مهم است.

قبل از انعقاد هرگونه قرارداد هنسون تراست لازم است با یک وکیل مشورت شود تا بهترین حالت برای منافع فرد معلول اجرا گردد. (۱)

برنامه های حمایتی کودکان

کمک هزینه کودک در کانادا به نام (Canada Child Tax Benefit CCTB) مشهور است و به فرزندان زیر ۱۸ سال کمک هزینه ای را به صورت ماهیانه (حدود ۳۵۰۰ دلار در سال) می دهند، کلیه افراد مقیم کانادا و مهاجرین بلافاصله بعد از ورود به کانادا می توانند برای دریافت این پول اقدام کنند. یعنی کانادا به خاطر نگهداری از بچه خودتان در خانه خودتان به شما حقوق پرداخت می کند! و هر ماه چک آن را به آدرس پستی شما می فرستد.

این پول ماهانه، جهت کمک به هزینه های کودک در حال رشد است و مشمول خانواده هایی با درآمد خالص سالیانه زیر \$۲۴,۱۸۳ می باشد، این میزان کمک هزینه سالیانه بین \$۳۲۴۰ تا \$۳۴۸۵ می باشد که این رقم تا حدودی بین فرزندان اول تا

ص: ۳۲

۱- این مطلب با عنوان «قرارداد هنسون تراست» نوشته علی احمدی مقدم در سایت دادگر منتشر شده است.

سوم به بعد متغیر است. البته خانواده هایی با درآمد خالص سالیانه بین \$۲۴.۱۸۳ تا \$۴۱.۵۴۴ می توانند سالیانه بین \$۱۳۶۷ تا \$۱۴۶۲ دریافت و در نهایت حتی اگر درآمد سالیانه شما بیش از \$۴۱.۵۴۴ باشد نیز می توانید مشمول مزایایی شوید. پرداخت ها بر اساس نظام مصوب و جدولی است.

دیگر حمایت ها

حمایتی توسط دولت به نام **Universal Child Care Benefit** انجام می پذیرد که به شرح زیر پرداخت می شود؛ که این کمک هزینه ماهانه \$۱۰۰ به خانواده ها برای هر فرزند کوچکتر از ۶ سال تعلق می گیرد.

برای خانواده هایی که کودک معلول دارند، برنامه حمایتی با نام **Child Disability Benefit** انجام می شود. این کمک هزینه معاف از مالیات برای خانواده هایی که صاحب فرزند زیر ۱۸ سال با ناتوانی های روحی و جسمی شدید (معلولیت) می باشد.

البته از تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۶ تغییراتی در پرداخت کمک هزینه کودک انجام گرفت که به عنوان **New Child Benefit** است:

خانواده هایی که درآمد خالص آنها زیر ۳۰ هزار دلار باشد، میزان کامل مزایای جدید را که ماهی ۵۳۳ دلار برای هر فرزند زیر ۶ سال و ماهی ۴۵۰ دلار برای هر فرزند ۶ تا ۱۷ ساله است، دریافت می کنند.

از ۳۰ هزار دلار بیشتر، هر چه سطح درآمد خانواده بیشتر باشد، میزان کمک هزینه کمتر خواهد بود. بیشتر خانواده ها به طور متوسط حدود ۱۹۱ دلار در هر ماه برای هر فرزند دریافت خواهند کرد؛ و اگر فرزندی مشمول دریافت کمک هزینه معلولیت شناخته شود، هر ماه ۲۲۷ دلار دیگر هم از این بابت اضافه خواهد شد.

اگر سؤالی در مورد این کمک هزینه داشتید، می توانید با شماره ۱-۸۰۰-۳۸۷-۱۱۹۳ تماس حاصل نمایید.

در استان کبک کلیه هزینه های مهد کودک فرزندان که پدر و مادر آنها شاغل هستند پرداخت می شود. این مورد برای استان انتاریو هم در اجرا خواهد شد.

برای اقدام به گرفتن این کمک هزینه باید فرم درخواست مربوطه را پر کرده

(البته توسط مادر) و به Canada Customs and Revenue Agency (CCRA) بفرستید. باید کپی پاسپورت و کارت اقامت دائم، IMM۱۰۰۰-Record of landing یا تأییدیه اقامت دائم (IMM۵۲۹۲) و شماره حساب و دیگر مشخصات بانکی خودتان را ضمیمه درخواست کنید. (۱)

مهاجرین دارای عضو معلول

شرایط ساده تر برای مهاجرت خانواده هایی که اعضای بیمار یا معلول دارند به شرح زیر می باشد:

دولت کانادا تغییراتی در خط مشی خود در بررسی شرایط پزشکی متقاضیان مهاجرت به کانادا اعمال نموده است که خلاصه این تغییرات به شرح زیر می باشد:

۱- افزایش آستانه پذیرش هزینه های پزشکی تا سه برابر میزان قبلی برای متقاضیانی که به دلایل پزشکی اقامت آنها در کانادا هزینه بر می باشد.

۲- اصلاح تعریف خدمات اجتماعی با حذف مواردی از جمله آموزش های ویژه، خدمات توانبخشی و خدمات حمایت های شخصی که بر این اساس چنانچه اعضای خانواده متقاضی دارای معلولیت ذهنی بوده یا ناشنوا و یا نابینا باشند، می توانند روند مهاجرتی خود را ادامه دهند. (۲)

معلولان جنگی

کانادا حتی به معلولان جنگی هم توجه خاص نموده و آنان هم تحت پوشش نظام حمایتی هستند. با اینکه از جنگ جهانی چند دهه می گذرد ولی معلولان جنگی در کانادا خدمات دریافت می کنند.

دولت کانادا ضمن برگزاری برنامه های یادبود برای ایثارگران و قربانیان جنگ در جهت اعطای نشان شایستگی به شرکت کنندگان در جنگ های اول و دوم جهانی و آذین بندی میدین عمومی کشور هنگام مراسم و جشن ها، در حمایت های مالی و

ص: ۳۴

۱- . www.ganjico.com

۲- . www.myimmigration.ir

رفاهی نیز گام های مؤثری برداشته است.

اسکان رایگان مدافعان میهن در اراضی سلطنتی یا استانی با توافق استان ها در املاک سلطنتی، ارائه وام مسکن به مدافعین واجد شرایط، اعطای زمین معوض به آنهایی که محل اسکان آنان باید تغییر کند، واگذاری زمین متناسب با تعداد افراد خانواده و مساعدت های اقتصادی و تخصصی در طول ساخت مسکن، واگذاری خانه های اجاره ای با قیمت پایین، پروژه های احداث مسکن ارزان قیمت استیجاری، ارتباط و همکاری با اتحادیه اسکان کانادا و امور مدافعان در مورد اجاره به شرط تملک، ساخت منازل مسکونی متناسب با وضعیت روحی و جسمی مجروحان جنگی را می توان نمونه های اقدامات این کشور در بخش مسکن برشمرد.

در خصوص بیمه آسیب دیدگان جنگی در کشور کانادا طرح بیمه عمر، آتش سوزی، ورشکستگی و... توسط قانون مذکور انجام می پذیرد. حتی در قوانین مالی کشور کانادا نسبت به اخذ مالیات از مدافعان میهن دستورالعمل بخشودگی یا تخفیف در نظر گرفته شده است.

بر اساس قوانین کشور کانادا و به منظور قدردانی از رشادت رزمندگان بازنشسته و ایثارگر کانادایی - حتی رزمندگان جنگ جهانی دوم - مستمری سالیانه علاوه بر اهدای جوایز و پاداش، تعلق می گیرد، حتی مستمری بگیران خارجی یا مقیم سایر کشورها نیز از این قانون مستثنی نیستند.

ارائه تجهیزات و وسایل معلولان حتی اقلام جزئی، تأمین اقامتگاه برای افراد واجد شرایط دریافت خدمات درمانی، قرارداد با دانشگاه ها و مراکز پزشکی، بیمه درمانی، ارائه سرویس های دارویی، ارائه پروتزهای مصنوعی، پرداخت هزینه های درمان مجروحان و معلولان جنگ، گوشه ای از اقدامات دولت کانادا در امور رفاهی و خدمات درمانی و بهداشتی به آسیب دیدگان جنگی است. (۱)

ص: ۳۵

دولت کانادا به سالمندان، بیکاران، کودکان، زنان بیوه و افراد با معلولیت های جسمی و ذهنی در زمینه نیازهای درمانی و دارویی آنها مساعدت می کند. این کمک ها تحت شرایط و بر اساس ضوابطی است که در این مبحث به معرفی آن می پردازم. البته همه افراد ضعیف و ناتوان که مشمول این طرح هستند را می آورم تا اطلاع رسانی جامع باشد.

انواع کمک های مالی

دولت فدرال و دولت استانی به منظور کمک به ساکنان کانادا، در طول مدتی که قادر به کار کردن و تأمین هزینه های زندگی نباشند، برنامه هایی را تدارک دیده اند. این شرایط ممکن است به دلایلی مانند از دست دادن شغل، بیماری یا آسیب دیدگی، تولد یک نوزاد یا گرفتن یک فرزندخوانده، مراقبت از یکی از بستگان که دچار بیماری جدی باشد، معلولیت یا سایر موقعیت های خاص زندگی ایجاد شود.

اگر کسی قادر به کار یا تأمین مخارج خود و خانواده خود نباشد، می توانید برای برنامه های زیر که تأمین کننده مساعدت های مالی است، تقاضای ارائه نماید:

۱. مزایای دوران بیکاری بیمه اشتغال
۲. مزایای دوران بیماری بیمه اشتغال
۳. مزایای زایمان و والدین
۴. مزایای طرح بازنشستگی کانادا به علت از کارافتادگی (CPPD)
۵. برنامه پشتیبانی معلولین (DSP)
۶. برنامه کمک های اجتماعی
۷. برنامه کمک هزینه دارو
۸. برنامه های مسکن اجتماعی

برای واجد شرایط شدن جهت استفاده از مزایای بیمه اشتغال (EI)، درخواست کننده الزاماً باید مقدار معینی سابقه ساعت کار، به همراه سابقه پرداخت به صندوق EI را داشته باشد. اما اگر دارای مشاغلی مانند کار آزاد، کارگر قراردادی، خود اشتغالی و موارد مشابه است، ممکن است پرداختی به صندوق EI انجام نداده باشید.

افراد می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد هر کدام از مزایای بیمه اشتغال به نزدیک ترین مرکز سرویس کانادا مراجعه نمایند. همچنین می توانند با مشاور استخدام اداره نیوکامرز کانادا گفتگو نموده و برای درک بهتر چگونگی عملکرد این مزایا از وی کمک بگیرند.

پشتیبانی افراد فاقد شغل

افرادی که شغل خود را از دست داده اند، می توانند از مزایای دوران بیکاری بیمه اشتغال (EI) استفاده کرده و به طور منظم حقوق خاصی دریافت کنند. افرادی که شغل خود را از دست داده و خودشان مقصر نبوده و همچنین آماده انجام کار بوده و در انتظار یافتن شغل هستند، تحت پوشش این برنامه خواهند شد.

این بیمه به طور موقت به بیکاران واجد شرایط، کمک های مالی مذکور را انجام می دهد تا این افراد بتوانند طی این مدت، مشاغل دیگر را جستجو نموده یا مهارت های خود را ارتقاء دهند.

معمولاً، در حالات زیر واجد شرایط دریافت مزایای دوران بیکاری نخواهید بود:

- ترک کار بدون دلیل قانع کننده،
- اخراج شدن از کار به دلیل سوء رفتار، یعنی کارفرما فقط به این دلیل شما را اخراج کرده باشد،
- نداشتن ساعات کار کافی در یک دوره زمانی معین،
- عدم پرداخت حق بیمه EI.

پشتیبانی از افراد بیمار

مزایای دوران بیماری بیمه اشتغال (EI) برای افرادی که به علت بیماری،

جراحی یا قرنطینه قادر به انجام کار نباشند در نظر گرفته شده است. چنانچه فردی واجد شرایط مذکور باشد، ممکن است این مزایا را تا ۱۵ هفته دریافت کند.

در شرایط معمول، فرد باید یک گواهی پزشکی از یک دکتر ارائه نماید تا تأیید کند که او قادر به انجام کار نبوده و مدت عدم توانایی را نیز مشخص کند.

گاهی اوقات پزشکان برای نوشتن گواهی پزشکی هزینه ای دریافت می کنند. این هزینه را باید خودتان پرداخت نمایید، برنامه مزایای بیماری بیمه اشتغال این هزینه را پرداخت نخواهد کرد.

پشتیبانی از افراد باردار

مزایای زایمان و والدین بیمه اشتغال (EI)، به منظور پشتیبانی از افرادی که باردار بوده یا به تازگی وضع حمل نموده و مشغول مراقبت از نوزاد هستند یا افرادی که کودکی را به فرزند خواندگی قبول کرده اند در نظر گرفته شده است.

مزایای زایمان EI به مادر واقعی کودک یا مادر جایگزین، حداکثر برای مدت ۱۵ هفته قابل پرداخت است.

مزایای والدین EI به والدین بیولوژیکی نوزاد یا والدین انتخابی نوزاد که مشغول مراقبت از نوزاد هستند، حداکثر برای مدت ۳۵ هفته قابل پرداخت است.

استفاده از این مزایا می تواند توسط هر کدام از والدین انجام شده یا به صورت مشترک بین پدر و مادر مورد استفاده قرار گیرد، اما مجموع مدت مورد استفاده نباید از ۳۵ هفته تجاوز نماید.

برای دریافت این مزایا، علاوه بر دارا بودن شرایط الزامی معمول، فرد باید نسبت به تنظیم و امضای اقرارنامه ای شامل جزییات مدت مقتضی مورد انتظار و تاریخ تولد نوزاد، یا در صورت قبول فرزند خوانده، زمان پذیرش فرزند خوانده و نام و آدرس اداره فرزند خواندگی اقدام نماید.

مراقبت های درمانی غم خوارانه

مزایای مراقبت های درمانی غم خوارانه بیمه اشتغال (EI) برای افرادی که باید به طور موقت از محل کار خود دور بوده و مشغول مراقبت یا نگهداری از یکی از

اعضای خانواده خود که دچار بیماری وخیم بوده و با خطر مرگ روبرو باشند، در نظر گرفته شده است.

مزایای مراقبت های غمخوارانه EI می تواند تا حداکثر ۶ هفته به کسی که مجبور به ترک کار به خاطر مراقبت از یکی از اعضای خانواده که در معرض خطر مرگ باشد، در ظرف ۲۶ هفته پرداخت گردد.

کمک مالی به علت از کارافتادگی

مزایای طرح بازنشستگی کانادا به علت از کارافتادگی (CPPD) ارائه کننده کمک های مالی برای افرادی است که به علت ناتوانی جسمی شدید و طولانی مدت، قادر به ادامه کار نباشند.

شرایط لازم برای استفاده از مزایای فوق (CPPD) این است که شما باید در کانادا مشغول به کار بوده و حق طرح بازنشستگی کانادا (CPP) را نیز پرداخت کرده باشید و علاوه بر این در حال حاضر به علت وجود معلولیت قادر به انجام کار به صورت منظم نباشید.

پشتیبانی معلولین

دولت کانادا برنامه پشتیبانی معلولین (DSP) را برای کمک به افراد معلول جهت برنامه های شخصی و ارائه کمک های لازم برای رفع نیازهای مربوط به معلولیت در نظر گرفته است.

پشتیبانی های DSP در سه زمینه اصلی ارائه می گردد: پشتیبانی کودکان معلول، پشتیبانی معلولین بزرگسال و حمایت های شغلی و حرفه ای.

قابل ذکر است DSP تأمین کننده درآمد برای هزینه های زندگی معلولین نمی باشد. برای اطلاعات بیشتر با نزدیک ترین دفتر برنامه پشتیبانی معلولین (DSP) تماس بگیرید.

کمک های اجتماعی

دولت کانادا برنامه ای را تحت عنوان برنامه کمک های اجتماعی، برای افراد و

خانواده هایی که توانایی اداره خودشان را ندارند، تدوین نموده است.

این برنامه با تأمین حمایت های اولیه و سایر خدمات، شرایط افزایش اعتماد به نفس را برای افراد مورد نظر فراهم می سازد.

برای درخواست برنامه کمک های اجتماعی، با نزدیکترین دفتر این برنامه تماس بگیرید.

افرادی واجد شرایط دریافت برنامه کمک هزینه اجتماعی هستند که درآمد آنها کمتر از هزینه های مجاز بوده و در کانادا نیز اقامت داشته باشند (باید محل سکونت در کانادا داشته و برنامه ریزی مشخصی برای اقامت در کانادا نیز داشته باشند).

کمک هزینه دارو

برنامه هایی توسط دولت کانادا به منظور کمک به مردم برای تأمین هزینه بعضی از داروهای تجویز شده در نظر گرفته شده عبارتند از:

– برنامه مزایای بهداشتی خانواده

– برنامه داروی سالمندان

– برنامه کنترل دیابت

– برنامه مولتیپل اسکلروزیس

– برنامه ایدز

– برنامه فیروز کیستیک

میزان مزایای اعطایی از طریق برخی از این برنامه ها بر مبنای سطح درآمد دریافت کننده مزایا تعیین می گردد. (۱)

درمان معلولان دارای ضایعه نخاعی

توانبخشی و دیگر پروژه های معلولین با درمان مرتبط است و کانادا برای درمان ضایعات نخاعی و دیگر معلولین اقدامات بسیار انجام داده است.

ص: ۴۰

در این زمینه دولت کانادا از ابتکار عملی جهت روحیه دادن به معلولین و امیدوار نمودن برای بازگشت به زندگی عادی اقدامات بسیار انجام داده است.

دولت کانادا دست به کار بزرگی زده ۳۰ میلیون دلار طی ۵ سال گذشته برای تحقیقات مربوط به توانمندسازی بیماران ضایعات نخاعی خبر داده است. نخست وزیر کانادا در این باره گفت: این بودجه صرف انجام تحقیقات نوین عرصه فناوری توانمندسازی بیماران ضایعات نخاعی کانادا خواهد شد. این عرصه از دانش پزشکی طی سال های اخیر شاهد ارائه نظریه پردازی های جدید بوده که تماماً با هدف دستیابی به شیوه نوین و البته عملی برای بازگرداندن توان حرکت در بیماران ضایعات نخاعی بوده است. اخیراً دو دانشمند از دانشگاه کپنهاگ دانمارک ثابت کرده اند که نخاع از مکانیسم شبکه ای مشابه مکانیسم مغزی برخوردار است. این کشف و جزئیات آن در شماره اخیر نشریه ساینس به چاپ رسیده است. دانشمندان این نظریه پردازی جدید معتقدند که می توان در آینده با استفاده از چنین دستاوردهایی به درمان بیماران ضایعات نخاعی امیدوار بود. در حقیقت این دو دانشمند ثابت کرده اند که نخاع هم همچون مغز فکر می کند!

اما آنچه که از هم اکنون به خوبی پیداست، زنده شدن امیدهایی نوین برای درمان ضایعات نخاعی و بازگرداندن رؤیای حرکت به بیمارانی است که سال هاست در انتظار دستیابی بشر به دستاوردی نوین در این عرصه با چشمان یا اعضای اندکی از بدن خود زندگی می کنند. (۱)

ص: ۴۱

اشاره

معلولان جمعیت قابل توجه از جامعه هستند و لازم است در شهرسازی به نیازها و خواسته های آنان توجه شود. سایت کارومید گزارشی از وضعیت شهرسازی در کانادا تهیه کرده و متذکر نیازهای معلولان هم شده است.

یکی از اهداف کارومید آشنایی فارسی زبانان با تجربیات بین المللی است. فعالین اجتماعی در ایران با آشنایی با این مسائل و تطبیق آنها با فرهنگ ایران می توانند از نکات مثبت آنها بهره مند شوند.

امکانات شهری

اینجا اجمالاً برخی از امکانات شهری در کانادا مثل پیاده رو مناسب وضعیت معلولان معرفی و گزارش می شود.

- پیاده رو: تمام پیاده روها در کانادا مقداری از سطح خیابان بالاتر هستند. با این وجود در محل های خط کشی عابر پیاده یک رمپ کوچک تعبیه شده است به طوری که افرادی که از ویلچر استفاده می کنند بتوانند به راحتی از خط عابر پیاده عبور کنند.

- اتوبوس: اتوبوس های کانادا قابلیت تنظیم ارتفاع دارند. وقتی اتوبوس ها در ایستگاه توقف می کنند، راننده ارتفاع اتوبوس را کاهش می دهد به طوری که درب جلویی اتوبوس که به صندلی مخصوص معلولین در داخل اتوبوس نزدیک تر است، با ایستگاه هم سطح شود، سپس یک صفحه فلزی به طور اتوماتیک از داخل اتوبوس باز شده و بر روی ایستگاه قرار می گیرد. بدین ترتیب شخص می تواند با ویلچر خود به راحتی سوار اتوبوس شود.

یک نکته دیگر در مورد اتوبوس ها که البته مربوط به عموم مردم است، آن است که در جلوی اتوبوس محلی مخصوص حمل دوچرخه وجود دارد. شما می توانید در این ایستگاه آن را باز کنید و دوچرخه خود را بر روی آن قرار دهید، در مقصد نیز می روید و دوچرخه خود را از روی اتوبوس برمی دارید.

- وب سایت: نکته دیگر مربوط به وب سایت سازمان های دولتی در کانادا می باشد. در وب سایت هر سازمان یا دفتر ذکر شده است که آیا آن سازمان یا دفتر برای مراجعه معلولین مناسب هست یا خیر. به عنوان مثال آیا برای ورود معلولین به داخل سازمان رمپ وجود دارد یا خیر؛ بنابراین شما می توانید قبل از مراجعه به این مکان ها مطمئن شوید که آنها امکانات لازم برای سرویس دهی به یک فرد معلول را دارند یا خیر.

- درب ها: در کنار بعضی درب ها یک دکمه وجود دارد که معلولین می توانند از آن استفاده کنند. با فشردن این دکمه در به صورت خودکار به طور کامل باز می شود و برای مدتی در همان حالت می ماند و بعد به صورت خودکار بسته می شود. در این فاصله فرد معلول می تواند بدون اینکه بخواهد درب را نگه دارد به راحتی وارد یا خارج شود. (۱)

حضور اجتماعی

هر تازه واردی از بدو ورود به کانادا، از کثرت معلولان در سطح شهر شگفت زده خواهد شد. اجتماعات آنان گویای تعداد روزافزون معلولان در سطح شهر است. به طوری که این پرسش مطرح می شود که چرا کانادا این قدر معلول دارد؟ و آیا ژن هایشان ایرادی دارد که این همه معلول (به خصوص ویلچرنشین) در این کشور وجود دارد؟ سوار اتوبوس می شوی، یک ویلچرنشین می بینی، پیاده می روی، ویلچرنشین می بینی، خرید می روی، ویلچرنشین می بینی خلاصه در همه جای شهر حضور دارند.

به نظر می رسد در ایران هم معلول کم نداریم اما مسئله این است که در کانادا به دلیل امکانات زیادی که جهت خدمت رسانی به این قشر از افراد تعبیه شده است، معلولین جسمی در کانادا می توانند به راحتی و مانند یک انسان سالم جسمی در صحنه اجتماع حضور فعال داشته باشند. زیرا تمامی معابر و اماکن برای آنها مناسب سازی شده و امکانات و وسایل حمل و نقل ارزان و مناسب در اختیار آنان قرار دارد. (۲)

ص: ۴۳

۱- . سایت کارومید (www.karomid.com)

۲- . وبلاگ ماجراهای تحصیل در کانادا (studyincanada.persianblog.ir)

دسترسی معلولان به اشتغال و کسب و کار یا به آموزش و نیز حضورشان در جامعه به حمل و نقل بستگی دارد. دولت کانادا تلاش کرده اند، حمل و نقل کارآمد برای آنان ایجاد کنند.

در کانادا سازمان های مختلفی وجود دارند که هدفشان بهبود وضعیت حمل و نقل افراد معلول است. خدماتی که این سازمان ها ارائه می دهند، برای اشخاصی می باشد که بینایی و شنوایی ضعیفی دارند و یا مشکلاتی در حرکت شان وجود دارد.

افراد معلولی که از صندلی چرخ دار استفاده می کنند، چنان چه اگر در زندگی روزمره خود به وسایل نقلیه عمومی نیاز پیدا کردند، می توانند از اتوبوس ها و قطارهای تهیه شده توسط شرکت حمل و نقل استفاده کنند.

در گذشته مشکلات عمده ای سبب انزوای معلولین بوده و رفع این موانع از مهم ترین اقدامات دولت فدرال کانادا است که باعث مشارکت بیشتر این افراد در جامعه گردد. وضعیت موجود نشان می دهد که امکانات و خدمات به معلولین در کانادا به مراتب بهتر شده است.

امروزه وسایل حمل و نقل عمومی، مدارس، فروشگاه ها، مراکز تفریحی و ورزشی، مراکز درمانی، مکان های عمومی و... با در نظر گرفتن شرایط معلولین ساخته می شود. مناسب سازی سطح عبور و کیفیت دسترسی به وسایل حمل و نقل، اکنون مقدم به هر خدمت دیگری به افراد معلول است.

معلولان بخشی از افراد جامعه هستند که مانند سایر شهروندان نیازمند دسترسی و استفاده از امکانات، به ویژه در وسایل حمل و نقل عمومی هستند زیرا حمل و نقل یکی از اجزای جدایی ناپذیر در زندگی امروزی است. به منظور رفع نیازهای جابجایی معلولین، برای آن ها تاکسی های ویژه، اتوبوس های مجهز به سطح شیب دار، صندلی مخصوص معلولین در مترو و... تهیه شده است. (۱)

اشاره

یکی از مشکلات بزرگ معلولین در کشورهای مختلف، بیکاری معلولان است. این پدیده دارای عواقب و پیامدهای منفی بسیار از جمله بیماری‌های روحی و روانی و بزهکاری اجتماعی است. کانادا تلاش کرده اشتغال معلولین را تأمین نماید و موفقیت‌هایی داشته است.

اشتغال

اشتغال و کسب و کار معلولین یکی از دغدغه‌های اصلی در همه کشورها است. به ویژه اشتغال نابینایان که اهمیت آن بیشتر است. گزارشی با عنوان «دیدن ماورای نابینایی» درباره اشتغال نابینایان در کانادا توسط وب سایت مرتبط با یکی از مراکز نابینایان کانادایی با نام «دیدن ماورای نابینایی» منتشر کرده است.

در کانادا نابینایان به جای آن که صرفاً از نداشتن فرصت شغلی مناسب و کم کاری‌های دولت در ایجاد آن برایشان حرف بزنند، دست به کار فرهنگ سازی زده اند تا هم به هم نوعانشان این آگاهی را بدهند که اگر می‌خواهند شغلی به دست آورند، راهی به جز توانمندتر شدن ندارند و از سوی دیگر کارفرماها را با مختصات توانایی‌های نابینایان آشنا تر کنند تا آنها هم بتوانند با خیال آسوده تری به سراغ استخدام افراد نابینا بروند.

در بخش‌های آغازین مقاله، آمارهایی ارائه شده در خصوص نرخ اشتغال در میان نابینایان در سن اشتغال و مقایسه آن با سایر افراد. بر اساس این آمار، در کانادا چیزی حدود نیم میلیون نابینا زندگی می‌کنند که از میان این نیم میلیون، صد هزار نفرشان در سن اشتغال هستند اما درصد آنهایی که از این صد هزار نفر، مشغول به کاراند، ۳۸ درصد است و این در حالی است که این درصد در میان سایر کانادایی‌ها، ۷۳ درصد است.

در این گزارش همچنین آمده است که بیش از نیمی از نابینایان کانادا، با درآمدی کمتر از ۲۰ هزار دلار در سال که گویا در این کشور خط فقر محسوب

می شود، زندگی می کنند. همچنین در جای دیگری از این یادداشت ذکر شده که طی تحقیقاتی که اخیراً انجام شده، ۷۰ درصد کانادایی ها اظهار کرده اند که اگر بخواهند از میان دو نفری که تمام توانمندی های لازم برای انجام یک شغل را داشته باشند یکی را انتخاب کنند، آن فرد، متقاضی بینا خواهد بود.

در این مقاله با استناد به این آمار، گفته شده که وضعیت شغلی نابینایان در این کشور وخیم است و این مسئله نیاز به توجه فراوان دارد. افزون بر این، پیشنهادهایی هم برای بهبود نوع نگاه کارفرمایان به متقاضیان نابینا ارائه شده که در صورت عملیاتی شدن، شانس استخدام یک نیروی کار نابینا از سوی کارفرما را افزایش خواهد داد. (۱)

این گونه بررسی های آماری می تواند مبنای اصلاح امور باشد و بر اساس داده ها، کارشناسان روش های علمی برای اصلاح عرضه می کنند. مهم این است که در کانادا اراده همگانی برای اصلاح امور معلولین هست؛ و زندگی آنان هر روز در حال بهتر شدن است.

کارگاه بررسی مشکلات شغلی

انجمن ملی آموزشی دانشجویان معلول کانادا از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه و همچنین نمایندگان بخش خصوصی دعوت کرده است در یک کارگاه یک روزه با عنوان «تبادل نظر برای برطرف کردن موانع در محیط کار برای معلولین» شرکت کنند. این کارگاه در تاریخ ۱۲ ماه مارچ سال ۲۰۱۶ برگزار می شود.

افرادی که در زمینه های مربوط به معلولین فعالیت می کنند می توانند با مراجعه به سایت این انجمن (<http://neds.ca/en>) با فعالیت های این انجمن بیشتر آشنا شده و در صورت امکان با بومی سازی آن فعالیت ها کمکی به جامعه معلولین داخل کشور نمایند. به عنوان مثال حقوق یک فرد معلول برای استفاده از امکانات

ص: ۴۶

مساعدت دولتی

در گزارش قبلی اشتغال نابینایان در کانادا نگران کننده بود، اما لازم است بدانید این موضوع به همین جا ختم نمی شود و راه کارهای مختلف هست که به معلولین و نابینایان کمک می شود تا به شغل آبرومندی برسند. گزارش زیر درباره مساعدت هایی که دولت به معلولین می دهد.

درباره خدمات دولتی به معلولان دو نوع متفاوت پشتیبانی وجود دارد: طرح اول که دولت استانی متولی آن است به این صورت است که ماهیانه کمک هزینه ای را تأمین می کند.

طرح دوم که بسیاری از مردم از آن ناآگاه هستند مربوط به دولت فدرال است که در جهت سپرده گذاری برای دوران بازنشستگی شخص معلول، منابعی را تأمین می کند و بسته به سپرده گذاری شخص معلول یا هر شخص دیگری دولت تا سقف ۳ برابر سپرده گذاری اشخاص در این حساب ها کمک می کند و در مواردی تا ۲۰۰۰۰ دلار هم بدون سپرده گذاری کمک بلاعوض برای سرمایه گذاری انجام می دهد. (۲)

بنابراین هر نابینایی که شغل ندارد می تواند با استفاده از این مزایا، سودآورترین مشاغل راه راه اندازی کند.

ص: ۴۷

۱- سایت کارومید (www.karomid.com)

۲- تحریریه ویژنتو (۲۶)، (www.visionto.online) فوریه ۲۰۱۸

معلولان بسیاری در چند دهه اخیر به کانادا و اروپا و آمریکا مهاجرت کرده اند. اما لازم است مروری داشته باشیم به وضع مهاجرت و اقامت معلولان در کانادا.

پذیرش مهاجران دارای معلولیت

بیش از بیست و پنج سال پیش، انجمن معلولین کانادا (CCD)، تلاش خود را در راستای ایجاد تغییر در قوانین مهاجرتی معلولین آغاز نمود. در سال ۱۹۸۴، این موضوع در کمپین انتخاباتی فدرال و در مناظرات انتخاباتی مطرح گردید و از تمام نامزدها خواسته شد که به منشور سازمان ملل، متعهد گردند و سالیانه ۵۰ نفر از پناهندگان معلول را در کشور بپذیرند. در آن زمان، انجمن معلولین کانادا، اصلاحیه قوانین مهاجرت در راستای منشور سازمان ملل را مطرح و از معلولیت، به عنوان یکی از انواع رایج تبعیض نام برد.

در سال ۱۹۹۱، به موازات تشکیل شورای حقوقی معلولین کانادا که در حال حاضر منحل شده است، انجمن معلولین کانادا، از طریق وضع لوایح قانونی در راه اصلاح قوانین مهاجرتی، قدم های بزرگی برداشت. در آن زمان، قوانین مهاجرتی کانادا متقاضیان اخذ اقامت دائم را ملزم به انجام معاینات و آزمایشات پزشکی می نمود. هدف از این آزمایشات تشخیص هر گونه بیماری، اختلال، ناتوانی و یا شرایطی بود که بر سلامت و امنیت عمومی مردم کانادا تأثیر می گذاشت و یا شرایطی که منجر می شد تا سازمان های بهداشتی و اجتماعی کشور کانادا به چالش کشیده شوند و با تقاضای بیش از حد از سوی افراد مواجه گردند. فعالیت های انجمن معلولین کانادا منجر به حذف برخی اشارات به معلولین در متن قانون شد.

در سال ۲۰۰۰، دپارتمان شهروندی و مهاجرت کانادا، پناهندگان و وابستگان شان را بر اساس کنوانسیون سازمان ملل از بند «Excessive Demand» معاف کرد. آن ها معتقد بودند که این بند، برای کانادا تناقض محسوب می شود که

از یک طرف قبول کند پناهندگانی که در فراسوی آب ها، نیازمند حمایت هستند و از طرف دیگر به این دلیل که بار زیادی را بر دوش سازمان های بهداشتی قرار می دهند، ورودشان به کانادا قابل قبول نباشد. تأثیرات مالی این تصمیم نیز بار زیادی را برای استان ها به همراه نخواهد داشت.

انجمن معلولین کانادا، بر این باور است که قوانین مهاجرتی چه در عمل و چه در گفتار همچنان بر علیه افراد معلول تبعیضاتی را قایل می شوند که با منشور سازمان ملل همسو نیست. همچنین معتقد است که قوانین مهاجرتی نگاه کلیشه ای مردم نسبت به معلولان را قوت بخشیده و آن ها را افرادی نالایق و سربار جامعه معرفی می کند و قوانین فعلی مهاجرت، معلولین کانادایی را افرادی بی ارزش جلوه داده که در راه اعتلا و ارتقای جامعه قدم بر نمی دارند.^(۱)

قانون مهاجرت برای معلولین

قانون چهل ساله جلوگیری از ورود آن گروه از مهاجران به کانادا که خود و افراد خانواده آنها دارای ناتوانایی های جسمی و ذهنی هستند، تغییر می کند. بر اساس اطلاعیه منتشر شده از طرف وزارت امور مهاجرت و شهروندی، یکی از اولویت های دولت کانادا، اطمینان از ایجاد و دسترسی به فرصت های بیش تر برای کانادایی های دارای ناتوانی جسمی و ذهنی است.

در اطلاعیه وزارت امور مهاجرت تأکید شده اعلام تغییرات جدید در قانون مهاجرت کانادا، در زمینه جلوگیری از ورود مهاجران به دلایل پزشکی، این اطمینان را به همه می دهد که سیاست های مهاجرتی هر چه بیش تر با ارزش های کانادایی تطبیق یافته و نشان دهنده اهمیت جایگاه اشخاص دارای معلولیت در نزد دولت است.

از چهل سال پیش تاکنون، با استناد به قوانین شکل گرفته بر پایه افکار مغایر با ارزش های قرن بیست و یکم، از ورود بعضی از متقاضیان مهاجرت به کانادا به دلیل اینکه دارای معلولیت یا ناتوانی های جسمی و ذهنی هستند، به دلایل پزشکی

ص: ۴۹

جلوگیری می شد. بر اساس اطلاعیه وزارت امور مهاجرت و شهروندی اغلب متقاضیانی که از ورود آنها به کانادا به بهانه تحمیل هزینه های پزشکی به سیستم بهداشت و درمان جلوگیری می شود، افرادی هستند که می توانند در رده مهاجران اقتصادی قرار بگیرند و مورد قبول واقع شوند و مهارت های اقتصادی خود را به کانادا بیاورند.

با اینکه که تعداد درخواست های رد شده بر اساس این قانون خیلی زیاد نبوده، اما پرونده هایی وجود داشته که متقاضیان یا فرزندان آنها درخواست شان به دلیل معلولیت رد شده است. احمد حوسن، وزیر امور مهاجرت و شهروندی کانادا، هنگام اعلام تغییرات جدید در قانون مهاجرت گفت: مثال بارز ضرورت تغییر این قانون قدیمی مورد یک استاد دانشگاه یورک بوده است که تقاضای اقامت دائم او به دلیل اینکه فرزندش «سندروم داون» داشته، رد شده بود.

به گفته وزیر امور مهاجرت این گروه از مهاجران تازه وارد نه تنها مزاحمت و هزینه ای برای کانادا ندارند، بلکه به رشد و تقویت اقتصاد کشور نیز کمک می کنند.

به نظر وزارت مهاجرت و شهروندی کانادا، تغییرات جدید در مورد عدم اجازه ورود به دلایل پزشکی، تعادلی را بین حفاظت از سیستم سلامت عمومی و خدمات اجتماعی، برقرار خواهد کرد و سیاست های جدید را با نگاه جاری در مورد افراد دارای معلولیت در یک راستا قرار می دهد. (۱)

قانون اقامت

پس از ۴۰ سال قانون رد اقامت دائم کانادا به خاطر معلولیت تغییر کرد. احمد حسین، وزیر مهاجرت کانادا، روز دوشنبه گفت: پس از چهار دهه، دولت فدرال از قوانینی که مهاجران احتمالی را با معلولیت های فکری و فیزیکی دور می کند خلاصی پیدا می کند. دولت دیگر اجازه نخواهد داشت افرادی که با شرایط سخت سلامتی یا معلولیت های جدی روبرو هستند را به این دلیل از اخذ اقامت دائم کانادا محروم کند.

ص: ۵۰

اکثر کسانی که تحت تأثیر این سیاست قرار گرفته اند، مهاجرانی اقتصادی هستند که در حال کار و ایجاد شغل در کانادا هستند، اما فرزندان و همسرانشان ممکن است دارای معلولیت باشند.

«مقررات موجود در مورد عدم پذیرش پزشکی بیش از ۴۰ سال سن دارند و به وضوح با ارزش های کانادایی یا چشم انداز دولت ما در مورد مشارکت مطابقت ندارد».

وی به پرونده استاد خاصی اشاره کرد که استاد دانشگاه یورک و پرونده و تقاضای اقامت دائم او را رد کردند زیرا پسرش سندرم داون داشت و مورد دیگری خانواده ای بودند که به کانادا آمدند و تجارت را آغاز کرد اما به دلیل یک کودک مبتلا به صرع رد شدند.

«این تازه واردین می توانند به کانادا کمک کنند و دیگر نمی توان آنان را بار مالی بر شانه کشور کانادا دانست.» «این تازه واردین توانایی کمک به رشد اقتصاد ما و غنی سازی ساختار اجتماعی ما را دارند.»

این تغییرات تعریف خدمات اجتماعی از جمله آموزش های ویژه، خدمات توانبخشی اجتماعی و حرفه ای و خدمات پشتیبانی شخصی را اصلاح خواهد نمود.

اتوا همچنین آستانه هزینه که در آن می توان درخواست اقامت دائم را از نظر پزشکی لغو کرد سه برابر می کند. این بدان معناست که طبق جداول دولتی اگر یک بیماری خاص به دلیل سقف مشخصی از هزینه تحمیلی به دولت رد می شد این سقف سه برابر شده است.

این به مهاجرانی که مشکلات جزئی سلامتی دارند و هزینه های بهداشتی و خدمات اجتماعی نسبتاً کمی بر دوش دولت می گذارند و برای اقامت دائم اقدام نموده اند، مانند کسانی که دارای اختلالات شنوایی یا بینایی هستند، اجازه می دهد که بدون مشکل چک پزشکی را پاس کنند.

از ۱۷۷۰۰۰ مهاجر اقتصادی که هر ساله به کانادا پذیرفته می شوند، حدود ۱۰۰۰ نفر تحت تأثیر همین سیاست ها غیرقابل پذیرش هستند و از نظر پزشکی رد می شوند. انتظار می رود این تغییرات با اکثریت این موارد کنار بیایند. تلاش زیادی

شده و خواستار لغو این سیاست به طور کامل بوده ایم، از جمله از کمیته شهروندی مجلس عوام و اداره مهاجرت و شهروندی کانادا که در سال گذشته این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند این تقاضا را نموده ایم.

رابرت اولیفان، عضو لیبرال مجلس و رییس کمیته ملی گفت که او امیدوار بود که دولت لغو کامل را اعلام کند. او گفت، اما باید کار بیشتری انجام شود برای تعیین پیامد هزینه های که به استان ها تحمیل می شود.

«در حال حاضر (احمد حسین) باید به این موضوع نگاه کند، وزیر بهداشت باید به این موضوع نگاه کند، استان ها و سرزمین ها (provinces and territories) نیز باید آن را تحت بررسی قرار دهند و به حواشی این موضوع نگاه کنند و امیدوارم در عرض یک یا دو سال آینده این اتفاق متوجه شوند که این هزینه آن چنان قابل توجه نیست.»

اما میشل رامپل، منتقد مهاجرتی محافظه کار، می گوید: که وی معتقد است که هزینه ها واقعاً می تواند بالا باشد. او از تصمیم دولت برای پیشبرد تغییرات انتقاد کرد قبل از اینکه داده های مشخصی برای تعیین هزینه های استان ها و مناطق تعیین شود.

«نگرانی من این است که دولت فدرال هزینه های خود را به استان ها می فرستد بدون برنامه واقعی برای مقابله با آن و به نظر می رسد چیزی است که باید انجام داد قبل از این اعلامیه آن از سوی دولت مرکزی صادر شده باشد.»

ولی احمد حسین نظرش را این گونه گفته است: اتاوا هزینه های تغییرات اعلام شده را پرداخت می کند، اما هنوز مشخص نیست که آیا این هزینه و پول اضافی در انتقال خدمات بهداشتی یا خدمات اجتماعی خواهد پرداخت.

ما این تغییرات را بازبینی خواهیم کرد تا تأثیری را که در اختیار سیستم خواهند گذاشت بدانیم. حسین گفت: ما باید صبر کنیم و ببینیم که اعداد تا چه حد خواهد بود قبل از اینکه بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم.

در عین حال گروه هایی که از لغو کامل این سیاست حمایت کرده اند، ناامیدی را نسبت به تغییرات بیان می کنند که به نظر می رسد می گویند زیاد تند نرو.

جیمز هیکس، مدیر ملی معلولان کانادا (CCD)، این تغییرات را فقط

«تغییرات» نامید. سازمان او خواستار لغو کامل مقررات و دیدگاه های پذیرش پزشکی بوده است.

«در حالی که اعلامیه امروز باید ورود بعضی از افراد معلول را برای کانادا آسان تر کند، اما این امر به مراتب کمتر از اصلاحات قانونی است که انتظار داشتیم».

فلیپ مونتویا، استاد دانشگاهی که پرونده وی توسط حسین مطرح شده است، از تغییرات استقبال کرد اما افزود که او احساس می کند که این بسیار کمتر از آن چیزی است که مردم و وکلا می خواستند.

«ما این حرکت تیزهوش را در مسیر درست تشخیص می دهیم، اما بی وقفه خواستار آن هستیم: آنچه امروز باید انجام شود، باید همین امروز انجام پذیرد و نه در آینده ای نامعلوم – ما خواستار حذف کامل این سیاست تبعیض آمیز هستیم» (۱).

ص: ۵۳

۱- . سازمان مهاجرتی حوری سلیمانی (www.hoori.ca)، تاریخ انتشار: ۱۸ آوریل ۲۰۱۸.

اقدامات و سیاست ها در استان های کانادا گاه متفاوت اند. در مورد معلولین برخی استان ها حمایت های بیشتر اعمال کرده اند. به عنوان نمونه استان کبک را بررسی می کنیم.

مطالعه معلولیت و معلولین در کانادا از دو طریق ممکن است: یکی با مطالعه کشور کانادا و دوم با مطالعه استان ها. زیرا هر استان علاوه بر اینکه جزئی از کل کشور است، اما خود استان هم می تواند اقدامات مستقل داشته باشد.

حمایت از افراد کم توان

افراد در جامعه با هر ویژگی جسمی و روانی از حقوق مشخص شهروندی برخوردارند. افراد کم توان جدا از سایر افراد جامعه نبوده و به صرف داشتن نقصی در بدن از این گردونه خارج نمی شوند. فرد کم توان به دلیل محدودیت عملکرد جسمی، ذهنی و یا حسی که به صورت بلند مدت دارد برای زندگی نیاز دارد از امکانات خاصی استفاده کند. جامعه موظف است حقوق شهروندی را برای داشتن زندگی شایسته به وی اعطا نماید.

در کشور کانادا به توانمند ساختن معلولان برای تصمیم گیری و دادن فرصت زندگی بسیار تأکید شده است. همچنین تلاش شده است تا با ایجاد تغییرات مورد نیاز کم توانان در جامعه از جمله ایجاد و تقویت نگرش مثبت جامعه نسبت به معلولان، تغییر نگرش معلولان نسبت به خود و تقویت اعتماد به نفس آنها، ارزش دادن به کیفیت زندگی کسانی که با نوعی اختلال مواجه هستند، حمایت اجتماعی برای استفاده از امکانات عمومی جامعه، در اختیار قرار دادن امکانات اضافی و بالا بردن سطح اطلاعات عمومی معلولان نسبت به نوع معلولیت شان و همچنین آگاهی دادن به عموم مردم نسبت به معلولیت برای پذیرش معلول به عنوان یک انسان با توانایی منحصر به فرد و خاص شرایط زندگی عادی در جامعه را برای افراد کم توان فراهم کنند. مسئله دیگری که بسیار به آن توجه می شود بهبود

بخشیدن به امکانات فیزیکی موجود در مکان های عمومی مانند بالابرها و گذرگاه های خاص و نشانگرهای صوتی بر سر چهارراه ها و غیره است که افراد کم توان را از انزوا و گوشه نشینی و دوری از فعالیت های عمومی و اجتماعی بازمی دارد.

از طرف دیگر کمک های متفاوت دولتی در استان های مختلف کانادا در اختیار افراد کم توان قرار می گیرد. در استان کبک سازمان تأمین اجتماعی یا Régie des Rentes Quebec (RRQ) مسئول تحت پوشش قرار دادن افراد معلول است و در این زمینه اقدامات لازم را انجام می دهد.

در کبک کمک های دولتی که به افراد کم توان اختصاص می یابد بسته به شرایط فرد متفاوت است و در زیرگروه های مختلفی طبقه بندی می شود از جمله:

- افراد کم توان جسمی و حرکتی

- افراد کم توان ذهنی

- کم توانی مادرزادی

- کم توانی دائمی

- کم توانی موقتی

- کم توانی بر اثر تصادف

- کم توانی در حین کار

- کودکان کم توان

- سالمندان کم توان

همچنین در برنامه های مختلف کمک به افراد کم توان خانواده ها نیز مورد توجه قرار می گیرند. به عنوان مثال والدینی که فرزند معلول حرکتی یا ذهنی دارند تحت پوشش کمک دولت قرار می گیرند که البته این کمک ها تا سن ۱۸ سالگی فرزند ادامه خواهد داشت. همین طور فرزندان کم توان والدین شان به طور موقت یا دائمی دچار معلولیت هستند کمک های دولتی را به شکل های مختلف دریافت می کنند. این کمک ها به فرزندان معلولان تا بعد از فوت والدین نیز ادامه خواهد یافت.

سازمان تأمین اجتماعی کبک تعریف خاص خود را از معلولیت ارائه می دهد که ممکن است با تعریفی که توسط شرکت های بیمه ارائه می شود متفاوت باشد. به

همین دلیل افراد برای احراز معلولیت و برخورداری از کمک های دولتی باید به این سازمان مراجعه کنند و تحت نظر متخصصان این سازمان قرار بگیرد تا میزان و نوع کم توانی آنها، تأثیری که این کم توانی بر کیفیت زندگی شخص و اطرافیانش می گذارد و طول زمانی که شخص و خانواده درگیر این مشکل هستند مشخص شود و متعاقباً میزان کمک های دولتی که به آنها اختصاص می یابد تعیین گردد.

برای این که فردی معلول شناخته شده و تحت پوشش کمک های دولتی قرار گیرد باید از سه شرط برخوردار باشد:

- معلولیت باید تحت تشخیص متخصص و پزشک سازمان تأمین اجتماعی دائمی و غیرقابل بهبود باشد. معلولیت وقتی شدید محسوب می شود که امکان داشتن شغل تمام وقت را از فرد بگیرد. اگر شرایط سلامتی فرد به حدی باشد که با محدودیت هایی مواجه باشد اما بتواند دست کم در سال ۱۴۵۵۴ دلار درآمد داشته باشد معلولیت او شدید محسوب نمی شود.

- سن فرد باید کمتر از ۶۵ سال باشد و در زمره سالمندان محسوب نشود.

- فرد معلول نباید تحت پوشش هیچ یک از سازمان های ارائه دهنده کمک های دولتی مانند بیمه بیکاری، کمک هزینه های رفاهی و از این دست باشد.

میزان کمکی که به فرد معلول تعلق می گیرد متفاوت و بین ۴۳۵ تا ۱۲۱۲ دلار در ماه است. همان طور که گفته شد برای افراد کم توانی که دارای فرزند هستند مبلغی برای فرزندان نیز در نظر گرفته می شود. این مبلغ برای هر یک از فرزندان زیر ۱۸ سال ۷۳ دلار در نظر گرفته شده است.

کارافتادگی در دوران سالمندی به عنوان معلولیت محسوب نمی شود و در این موارد شخص تحت پوشش سازمان بازنشستگی قرار می گیرد و مراحل خاص خود را برای دریافت کمک های دولتی طی می کند. از طرف دیگر معلولیت هایی که به طور موقت و در محل کار فرد به آن دچار می شود همچنین معلولیت های ناشی از تصادف اتومبیل نیز تحت پوشش سازمان ها و نهادهای دیگری قرار می گیرد.

افرادی که می خواهند تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرند و از کمک های دولتی بهره بگیرند باید فرم های خاصی را که در وب سایت این سازمان موجود است پر کنند. از طرف دیگر دکتر معالج فرد باید گزارش وضعیت پزشکی و

شرایط فرد کم توان را برای سازمان ارسال کند. در مرحله بعد با فرد معلول تماس حاصل می شود تا در جلسات مشاوره و معاینه پزشکی شرکت کند.

کمک به کودکان معلول

کودکان معلول حرکتی و ذهنی می توانند تحت پوشش کمک های دولتی قرار بگیرند. هدف از این کمک ها ارتقای سطح رفاه خانواده و ایجاد امکان بهبود و نیز فراهم کردن شرایط برای آموزش و نگهداری از کودکان کم توان است. این کودکان می توانند فرزندان بیولوژیکی یا فرزند خوانده های خانواده باشند.

تعریف معلولیت برای کودکان چنین است که کودک باید محدودیت های معنی دار و قابل تشخیص در فعالیت های عادی و روزمره خود داشته باشد و این شرایط دست کم باید به مدت یک سال تمام بدون تغییر یا بهبودی ادامه داشته باشد. کمک هزینه ای که برای کودکان کم توان در نظر گرفته شده است مقدار مشخصی است که صرف نظر از نوع معلولیت کودک همچنین میزان درآمد خانواده به آنها تعلق می گیرد. مقدار این کمک هزینه ۱۸۳ دلار در ماه است که علاوه بر کمک هزینه های دیگری که به کودکان پرداخت می شود در اختیار خانواده قرار می گیرد.

تشخیص معلولیت در کودکان نیز مانند بزرگسالان بر عهده سازمان تأمین اجتماعی است اما دامنه بسیار گسترده ای از بیماری ها حتی بیماری های گوارشی مانند عدم تحمل گلوتن را در برمی گیرد. از دیگر مشکلاتی که کودکان را مجاز به استفاده از کمک های دولتی می سازند عبارتند از:

بیماری های متابولیکی، مشکلات سیستم ایمنی، مشکلات شنوایی و بینایی، مشکلات سیستم عصبی، مشکلات قلبی و تنفسی، بیماری های کروموزومی، عقب ماندگی های ذهنی، تأخیر در رشد و مشکلات رفتاری، مشکلات گفتاری.

در کنار این کمک ها افرادی که به نوعی با معلولیت درگیر هستند تحت شرایطی از معافیت های مالیاتی هم برخوردار می شوند. افراد معلول در این زمینه ها از معافیت برخوردار می شوند:

- مالیات مربوط به هزینه های پزشکی

- کمک هزینه های دریافتی به دلیل معلولیت

- معافیت از هزینه اضافی بیمه برای دارو

- کمک هزینه فرزندان

- معافیت از پرداخت هزینه برای بسیاری از کالاها و خدمات مانند پرستار تمام وقت، دستگاه تایپ بریل و سایر وسایل کمکی برای نابینایان، آموزش زبان اشاره برای ناشنوایان و سایر وسایلی که برای بهبود رفاه معلولین و با توجه به نوع معلولیت آنها در اختیارشان قرار می گیرد؛

- باز پس گرفتن هزینه هایی که برای بهبود شرایط زندگی فرد کم توان صرف می شود مانند نصب بالابر در خانه یا صندلی چرخ دار اتوماتیک یا در بازکن برقی؛

همچنین افراد معلول یا کسانی که از فرزند معلول نگهداری می کنند از معافیت های مالیات بر درآمد نیز برخوردار می شوند که باید مورد ارزیابی قرار گرفته و بر اساس نوع معلولیت و میزان درآمد سالانه فرد مشخص شود. (۱)

ص: ۵۸

۱- مقاله حمایت از افراد کم توان در استان کبک کانادا نوشته نشاط تهرانی مجله اینترنتی پرنیان (نشریه آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ایرانیان مهاجر) شماره ۱۷، جمعه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۲ (۲۰۱۴، ۱۰ January)

کانادا قضاء، دادگاه ها را به گونه ای طراحی و اجرا کرده که پشتیبان اقشار ضعیف باشند. این دستگاه بر پایه عدالت اجتماعی و حقوق بشر بنا شده و تلاش شده فاقد جایگاه برای انواع تبعیض ها باشد. این مبحث اجمالاً به معرفی نظام قضایی و دادرسی و کیفری با رویکرد به معلولین و ناتوانان می پردازد.

دادگاه عدالت اجتماعی

دادگاه عدالت اجتماعی آنتاریو (SJTO) متشکل از هیئت دادگاه قضایی و متعهد به حل و فصل و تجدید نظر در خصوص شکایات وارده در زمینه موضوعات خدمات خانواده و کودک، دادرسی امور جوانان، حقوق بشر، اجاره املاک مسکونی، جبران خسارات وارده بر قربانیان خشونت، حمایت های اجتماعی و پشتیبانی از ناتوانان و آموزش های ویژه می باشد. دادگاه عدالت اجتماعی آنتاریو و هشت دادگاه تشکیل دهنده آن، به شیوه ای عادلانه، دست یافتنی، قابل اجرا و در زمانی مناسب به حل و فصل اختلافات می پردازند. همچنین، با پاسخگویی به نیاز طرفین دعوی و تلاش در راستای شکل گیری درکی کامل از قوانین، در حل و فصل اختلافات و اجرای قوانین قاطعیت به خرج می دهند و عملکردی حرفه ای، با کیفیت و بی عیب دارند.

اعضا و کارکنان دادگاه عدالت اجتماعی آنتاریو، بالاترین سطح خدمات اجتماعی را به صورت کاملاً حرفه ای ارائه می نمایند و در صورت نیاز، از طریق توسعه و هم فکری پاسخگو می باشند.

دادگاه های تشکیل دهنده دادگاه عدالت اجتماعی آنتاریو عبارتند از:

- هیئت بررسی خدمات خانواده و کودک: این هیئت به بررسی و حل و فصل مشکلات کودکان، جوانان و خانواده ها در آنتاریو پرداخته و در حیطه قوانین خدمات کودک و خانواده، آموزش و فرزندخواندگی بین المللی فعالیت می کند.

- هیئت جبران آسیب های جنایی: این هیئت سعی در جبران ضرر مالی وارده

به قربانیان و اعضای خانواده قربانیان جرایم خشونت آمیز در آنتاریو دارد. این دادگاه تحت نظارت قانون قربانیان جرایم خشونت آمیز فعالیت می کند.

• هیئت بررسی شرایط حبس و بازداشت: اگر شما در سنین زیر ۱۸ سال متهم به جرمی شده باشید، با مراجعه به این هیئت می توانید مشکلات خود را در خصوص موارد زیر مطرح نمایید:

۱. بررسی مکان حبس

۲. بررسی انتقال از حبس آزاد به حبس کنترل شده

۳. بررسی تصمیم اتخاذ شده از سوی هیئت استانی در خصوص رد درخواست مرخصی و یا آزادی موقت

• هیئت بررسی حقوق بشر در آنتاریو: در صورت تجربه هرگونه تبعیض و یا تعرض، به این هیئت مراجعه نمایید. این هیئت هرگونه ادعای مطرح شده در خصوص تبعیض و تعرض را با پیروی از قوانین حقوق بشر و به شیوه ای کاملاً عادلانه و در زمانی مناسب بررسی می نماید. بدین ترتیب که ابتدا به طرفین دعوی فرصت حل و فصل اختلاف از طریق میانجی گری داده می شود و در صورتی که طرفین راضی به مصالحه نگردند، این هیئت به دادرسی می پردازد.

• هیئت بررسی مشکلات صاحبان املاک و مستأجران: این هیئت تحت نظارت قانون املاک مسکونی، به شرح فعالیت ها و اقدامات خود پرداخته و مسئولیت صاحبان املاک و مستأجران را نیز مشخص کرده و به حل و فصل اختلافاتی به شرح زیر، می پردازد:

۱. مشاجره های بین صاحبان املاک مسکونی و مستأجران

۲. درخواست های مرتبط با تخلیه خانه از سوی تعاونی های املاک غیر انتفاعی

• هیئت آموزش های ویژه آنتاریو: دو هیئت آموزش های ویژه آنتاریو (انگلیسی و فرانسوی)، به بررسی دادخواست های اولیا و قیمین در رابطه با هیئت رئیسه مدارس و سطح برآوردن نیازهای دانش آموزان می پردازد. هیئت انگلیسی به تجدید نظر در خصوص تصمیمات اتخاذ شده توسط مدارس دولتی انگلیسی و هیئت مدیره مدارس کاتولیک پرداخته و هیئت فرانسوی آن به تجدید نظر در خصوص تصمیمات اتخاذ شده توسط مدارس دولتی فرانسوی و هیئت مدیره مدارس

کاتولیک می پردازد.

این هیئت تنها به تجدید نظر در خصوص دادخواست هایی می پردازد که طی آن، اولیا درخواست های خود را در مرحله اول و در سطح هیئت مدیره مدرسه و بر اساس قوانین آموزش، مطرح کرده باشند.

• هیئت بررسی مزایای اجتماعی: این هیئت به بررسی دادخواست ارایه شده از سوی افرادی که از مزایای اجتماعی بی بهره بوده و یا با تصمیمات اتخاذ شده موافق نبوده اند، می پردازد. تصمیماتی از قبیل:

۱. واجد شرایط بودن

۲. میزان کمک دریافتی

۳. نوع کمک دریافتی

این هیئت تحت نظارت بخش چهارم قانون کار آنتاریو در سال ۱۹۹۷ شروع به کار کرد. دادخواست ها تحت نظارت برنامه حمایت از معلولین استان آنتاریو، مصوب سال ۱۹۷۷، رسیدگی می شوند. (۱)

زندان برای معلولین

کارشناسان حقوق بشر در کانادا از نادیده گرفتن وضعیت معلولین در زندان های این کشور انتقاد کرده و خواستار اصلاح قانون و اصلاح وضعیت شده اند.

کارشناسان حقوق معلولین در کانادا در خصوص نیاز به تغییرات اساسی در قوانین مربوط به زندانی کردن افراد دارای اختلال کم هوشی ژنتیکی هشدار دادند.

بسیاری از این افراد که به حکم دادگاه در کانادا به محدودیت رفت و آمد محکوم می شوند، به دلیل عدم توانایی در تشخیص زمان و ساعات روز مرتکب نقض قانون شده و روانه زندان می شوند. بر اساس گزارش «نیوز وایس» فعالان حقوق بشر و حمایت از معلولان ضمن ظالمانه خواندن این قانون عنوان داشتند که بسیاری از این افراد معلول با چنین حکم ظالمانه ای در محاکم کیفری کانادا مواجه هستند. محکومیت گسترده افراد مبتلا به این معلولیت سبب بحرانی تر شدن شلوغی بیش

ص: ۶۱

از حد زندان ها نیز می شود.

یکی از معضلات دیگر، مسئله تکرار جرم از سوی این افراد است؛ چرا که پس از آزادی، این افراد مجدداً دچار فراموشی در مقررات رفت و آمد شده و به دلیل تکرار جرم با محکومیت سنگین تری مواجه می شوند.

از طرف دیگر وکلایی که برای این دسته از افراد از سوی دادگاه انتخاب می شوند به دلیل درگیر بودن در پرونده های گوناگون، از وقت گذاشتن و حضور در جلسات محاکمه آنان خودداری می کنند و همین مسئله سبب محکومیت فوری آنان می شود. بر اساس برخی از آمارهای منتشره، حدود ۲۶ درصد از جمعیت زندان های کانادا را، چنین افرادی تشکیل می دهند.

این آمار در خصوص بومیان بسیار بیشتر می باشد. بر همین اساس، ۵۰ درصد از جمعیت بومیان زندانی، دارای این نوع معلولیت می باشند. همچنین تمامی بومیان دارای این نوع معلولیت، تجربه یک بار زندان را دارند. (۱)

ص: ۶۲

آسیب شناسی و مشکلات (۱)

کمیته حقوق معلولین سازمان ملل در خصوص وضعیت معلولین در کانادا، بررسی مستقل داشته و درباره مشکلات و آسیب ها گزارشی منتشر کرده است. موارد مهم این گزارش، البته به روش گزینشی توسط خبرگزاری فارس منتشر شده است. به دلیل مواضع ضد غربی این خبرگزاری، امکان یک سویه نگری و داوری های یک طرفه در این گزارش هست. اما همین گزارش هم دارای نکات قابل توجه هست.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از مرکز پایش ستاد حقوق بشر، این کمیته گزارش نهایی خود در خصوص وضعیت این افراد در کانادا را در تاریخ ۸ می ۲۰۱۷ (۱۸ اردیبهشت) منتشر کرد که اهم موارد آن به شرح ذیل است:

اصول و تعهدات بنیادین

کمیته، نگران حق شرطی است که دولت کانادا هنگام تصویب این کنوانسیون به آن وارد کرده است. این حق شرط ها سبب می شود که دولت ها پایبندی کامل به این کنوانسیون نداشته و به اهداف مورد انتظار از آن دست نیابند. دولت کانادا کماکان از وارد کردن مفاد این کنوانسیون به قوانین ملی خودداری نموده و دستگاه قضایی و نیروهای پلیس نیز به طور صحیحی این قوانین را اجرا نمی کنند. دولت، تعامل مناسب و منظمی را با سازمان های حقوق معلولین و همچنین افراد معلول در زمان اتخاذ راهبرد و تصویب قوانین و مقررات مرتبط با حقوق معلولین ندارد.

برابری و عدم تبعیض

دولت نسبت به بهره مندی افراد معلول از حق آموزش، کار، استانداردهای

ص: ۶۳

مناسب برای زندگی، دسترسی به مسکن مناسب، آب و بهداشت متناسب با وضعیت معلولین کوتاهی نموده است. در این میان زنان و دختران، بومیان و مهاجران معلول از وضعیت وخیم تری برخوردارند. این دسته از افراد از تبعیض های جنسیتی، فقر، حاشیه نشینی و عدم دسترسی به خدمات مناسب بهداشتی رنج می برند.

سازوکارهای نظارتی مناسب نیز جهت اجرای مفاد این کنوانسیون، وجود ندارد. همچنین زنان معلول به ویژه زنان بومی معلول، از تبعیض جنسی در دسترسی مناسب به رسیدگی های قضایی رنج می برند. از طرف دیگر، هیچ نشانه ای از وجود قوانین برای ارتقای قدرت مالی زنان معلول در مجموعه های قانون گذاری این کشور وجود ندارد. کمیته همچنین نگران حملات لفظی و جو منفی موجود در جامعه علیه معلولان است.

موانع گسترده ای کماکان در دسترسی معلولان به خدمات مختلف اجتماعی وجود دارد. برای مثال، دسترسی به سیستم حمل و نقل عمومی به ویژه در مناطق روستایی، دسترسی به فرودگاه، عدم وجود زیرساخت های مناسب جهت دسترسی به اینترنت و شبکه های مجازی و ... بسیار نگران کننده است.

کودکان معلول

کمیته از اینکه دولت کانادا اطلاعات کاملی از آمار و وضعیت کودکان معلول را جمع آوری نکرده نگران است. همچنین تعداد کودکان بومی که در مراکز نگهداری شبانه روزی نگه داشته می شوند، بیشتر از همیشه است. هیچ گونه معیاری در خصوص ارزیابی نیازها و ضروریات برای بهبود وضعیت زندگی کودکان معلول وجود ندارد.

حق زندگی، آزادی و امنیت افراد

بسیاری از معلولان روانی علی رغم بی آزار بودن، کماکان به صورت اجباری در مراکز نگهداری بازداشت می شوند. قوانین موجود در خصوص نگهداری معلولین محکوم در زندان ها، با استانداردهای بین المللی موجود فاصله زیادی دارد. نبود

محل اقامت مناسب برای زنان معلول در زندان ها و پیامدهای منفی تفکیک نامناسب در زندان ها، مورد نگرانی ویژه است.

جمعیت بومیان معلول در زندان های فدرال، بسیار زیاد است، کمیته همچنین از تصویب قوانینی در خصوص تسهیل کمک به مرگ افراد معلول، ابراز نگرانی می کند. معیارهای تعیین شده برای حضور معلولان در دادگاه، پایین تر از سطح معیارهای تعیین شده است، معلولان در زمان شکایت و نیاز به پر کردن فرم های خاص، با مشکلات گسترده ای مواجه هستند.

آزادی از بهره کشی، خشونت و سوء استفاده

اشکال گوناگونی از خشونت علیه زنان و دختران معلول به ویژه زنان دارای معلولیت ذهنی روا می شود. خشونت و سوء استفاده از جمله سوء استفاده جنسی علیه کودکان معلول و نبود مکانیزم های دسترسی به عدالت و جبران خسارت، از نگرانی های دیگر در این خصوص است.

آزادی بیان، عقیده و دسترسی به اطلاعات

زبان اشاره که مخصوص افراد دارای عدم قدرت تکلم و ناشنوا است کماکان در این کشور به رسمیت شناخته نشده است و امکانات اندک و جزئی برای آموزش این زبان به افراد معلول وجود دارد. همچنین هیچ گونه تسهیلاتی در اماکن عمومی برای دسترسی این افراد به اینترنت و سایر وسایل ارتباط جمعی وجود ندارد.

احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی

کمیته نگران است که والدین دارای معلولیت، هیچ گونه خدمات مناسبی را از سوی آژانس های مراقبت کودکان در منزل دریافت نمی کنند و همین مسئله موجب رفتن کودکان به مراکز مراقبتی شبانه روزی و در نتیجه جدایی میان اعضای خانواده ها می شود.

همین مشکل برای والدین دارای فرزند معلول نیز وجود دارد که به دلیل عدم

ارائه خدمات مناسب از سوی دولت به خانواده ها، والدین مجبور می شوند کودکان خود را به مراکز نگهداری ارسال کنند. کمیته همچنین با ابراز نگرانی، اعلام کرد علی رغم وجود منع قانونی در دور نمودن افراد معلول از جامعه، با این حال، گزارشات گسترده ای درخصوص جداسازی اجباری معلولان از جامعه و نگهداری در مراکز پزشکی وجود دارد.

آموزش و اشتغال

تفکیک مطلق آموزشی دانش آموزان معلول از مراکز آموزشی، سبب محرومیت گسترده این افراد از امکانات مناسب و خوبی است که در برخی مراکز آموزشی وجود دارد. دولت بایستی به جای جداسازی، زمینه را برای حضور معلولان در این مراکز فراهم کند.

امکانات آموزشی برای زنان معلول بسیار کمتر از مردان است، کودکان معلول در مدارس ابتدایی، از برنامه ها و برخی مزایا محروم هستند. تعداد بسیاری از معلولین بیکار بوده و آمار این افراد به دلیل بی توجهی دولت و عدم برنامه مناسب در این خصوص، به شدت رو به افزایش است.

همچنین اکثر افراد معلول به کارگاه های مشخص فرستاده شده و از حضور آنان در بازار کار جلوگیری می شود.

در گزارش سازمان های مردم نهاد کانادا به شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت معلولین در این کشور در سپتامبر ۲۰۱۶، عنوان شده بود که بیش از ۵۰ درصد از شکایت های ثبت شده در خصوص تبعیض در کانادا توسط معلولان ثبت شده است.

همچنین طبق این گزارش، دولت کانادا هیچ کودک معلول زیر سن ۱۴ سال را به عنوان معلول ثبت نمی کند و همین مسئله سبب محرومیت آنها از بسیاری از حقوقشان می شود. (۱)

ص: ۶۶

۱- . خبرگزاری فارس، ۱۶ خرداد ۱۳۹۶، گزارش کمیته حقوق معلولین سازمان ملل.

در کانادا انواع امکانات برای معلولین ایجاد شده تا در زمینه ورزش پیشرفت کنند. نیاز معلولین به ورزش بسیار زیادتر از افراد عادی است چون ورزش برای معلولان روشی برای معرفی توانمندی های خودشان، نوعی توانبخشی و به دست آوردن سلامتی، شیوه ای برای اشتغال و کسب درآمد است. از این رو معلولان با انگیزه بیشتر به ورزش رو می آورند. فقط لازم است امکانات اولیه برای آنها فراهم آید.

تاریخ ورزش معلولین

افراد معلول در جهان ورزش، برای خود تاریخچه ای دارند و کانادا در رأس سایر ملت ها قرار دارد در سال ۱۹۷۳ اوگن رایمر (Eugene Reimer) یک ورزشکار پاراپلژی رکورد دار جهان به عنوان ورزشکار مرد سال ۱۹۷۳ کانادا انتخاب شد و جوایز خود را به یک ورزشکار معلول بخشید.

سه سال بعد اولین مسابقه معلولین در **Edmonton, Alberta** برگزار شد که شامل بازی های سالیانه ویلچری، ورزش نابینایان و قطع عضوها بود.

در سال ۱۹۸۳، ورزشکاری به نام **Rick Hansen** افتخار دریافت اولین جایزه ویژه **Lou Marsh** (که به اغلب ورزشکاران برجسته کانادایی داده می شد) را به خاطر کسب ۹ مدال طلا- در بازی های ویلچری پان امریکن در **Halifax, nova Scotia** را داشت.

بعد از تأسیس وزارت گردشگری و تفریحی **Ontario** دکتر رابرت جکسون به ورزشکاران معلول جوایزی اعطا کرد که خانم **Joanne Bouw** ورزشکار فلج مغزی به خاطر موفقیت هایش در مسابقه قهرمانی جهان، اولین دریافت کننده محسوب شد.

ورزش برای ورزشکاران همواره نمایش خوبی نداشت اواخر سال به خاطر تغییرات زیادی که صورت گرفت آنها با موانع زیادی روبرو شدند. خیلی زود ورزش

برای معلولین جسمی بعد از جنگ جهانی اول مخصوصاً در میان افراد نابینا و قطع عضوها به عنوان ترکیبی از درمان به کار برده شد. ولی علاقه و اشتیاق در میان معلولین درازمدت نبود.

قبل از ۱۹۴۰ دارو برای افراد معلول مخصوصاً آنهایی که دچار آسیب نخاعی شده بودند تأثیر کمتری داشت اکثر آسیب دیدگان نخاعی بعد از مدت کوتاهی به دنبال پیامدهای بغرنج حوادث جان می باختند و گاهی امکان زندگی در آینده را از دست می دادند.

توانبخشی و ورزش

در طول جنگ جهانی دوم به خاطر شمار زیادی از تلفات و ضایعات، این عقیده که ورزش می تواند نوعی کمک به درمان و توانبخشی باشد، رواج پیدا کرد. ولی این امکان تا سال ۱۹۴۴ وجود نداشت تا اینکه دکتر لوید کاتمن متخصص آسیب های نخاعی، بیمارستانی را در منطقه استوک مندویل (انگلستان) تأسیس و ورزش را به عنوان بخشی از درمان افراد ضایعه نخاعی شروع کرد کاتمن معتقد بود که سربازان آسیب نخاعی تنها نباید زنده بمانند بلکه آنها باید به عنوان اعضای جامعه نقش فعال داشته باشند برای رسیدن به این اهداف والا، کاتمن ورزش را در برنامه های توانبخشی، اول برای اجرای حرکات ورزشی و دوم برای بالا بردن روحیه و اعتماد به نفس مطرح کرد.

او در بیمارستان استوک مندویل ورزش را در چند رشته شامل تیر و کمان، تنیس روی میز، بلیارد کارخود را شروع کرد و خیلی زود تیم های ورزشی چوگان و بسکتبال با ویلچر اضافه شد.

در سال ۱۹۵۲، بازی های استوک مندویل با بیش از ۱۳۰ شرکت کننده یک واقعه بین المللی محسوب شد و امروزه این رویداد هر ساله تکرار می شود.

شاخه های گوناگونی از بازی های اصلی برای رشد و پیشرفت ورزش افراد معلول در آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی طراحی شد در سال ۱۹۶۷ اولین بازی های ویلچری پان امریکن برگزار شد.

بازی های Ontario برای معلولین جسمی، ابتدا در سال ۱۹۷۵ در کمبریج که بر

اساس بازی های استوک مندویل طراحی شده بود برگزار شد.

رقابت

هدف از شروع، حمایت از ورزشکاران در آموزش و پیشرفت رقابتی آنها بود که در سطوح ملی و بین المللی شرایط و فرصت را برایشان آماده کرده بود. تا سال ۱۹۸۵ بازی های Ontario دو سال یک بار برگزار می شد اما به خاطر علاقه و حمایت های زیاد، وزارت گردشگری در سال ۱۹۸۵ اعلام کرد بازی ها هر ساله برگزار شود.

اولین بازی های ملی فلج مغزی کانادا در سال ۱۹۸۷ در Ontario برگزار شد بعد از آن تیم فلج مغزی و ویلچری کانادا مدعی مقام جهانی را داشت و ورزش معلولین کانادا در بین ملت های دیگر در رأس قرار دارد.

ورزشکاران شرکت کننده در این بازی ها بسیار با انگیزه بودند ارائه این بازی ها فرصتی برای تعیین جایگاه تیم کانادا برای پارالمپیک بود.

در سطح بین المللی، یکی از عظیم ترین مسابقات برای معلولین در نیویورک در سال ۱۹۸۴ برگزار شد که در این مسابقه ۳۰۰۰ ورزشکار معلول از ۴۵ کشور شرکت داشتند که با کسب ۱۰۴ مدال ورزشکاران کانادایی در جایگاه سوم قرار گرفتند در سال ۱۹۸۸ در مسابقات سئول ورزشکاران کانادایی مقام چهارم را در بین ۶۶ کشور کسب کردند در مسابقات پارالمپیک بارسلون ۱۹۹۲ با کسب ۷۷ مدال مقام هفتم و در بازی های زمستانی ۱۹۹۴ نروژ مقام چهاردهم با کسب ۸ مدال در تاریخچه ورزشی خود دارند. (۱)

ص: ۶۹

۱- «جایگاه ورزش معلولین کانادا»، تهیه کننده: سارا عزیزی، انتشار: سایت مرکز ضایعات نخاعی جانبازان، اردیبهشت ۸۶.

یک نفر به نام «پارسا هوش ور» در مقاله «وضع و کیفیت آنچه در کانادا در خصوص حقوق معلولان مشاهده کرده ام»^(۱) مشاهداتش را در کانادا نسبت به معلولین نوشته و اطلاعات سودمندی عرضه کرده است. نویسنده در آغاز مقاله نوشته است:

حقیقتش این است که یک ترس بزرگ دارم و این که پس از نوشتن این پست، توسط برخی از خوانندگان وبلاگ، خصوصاً آن دسته که از نزدیک شناخت طولانی مدتی از من ندارند، مورد مواخذه و ملامت قرار بگیرم و به من این انگ را بزنند که فلانی غرب زده شده است، فلانی محبت مراجعین ایرانی را فراموش کرده، فلانی به کشورش و زندگی و ارزش های ایرانی اش پشت کرده، فلانی رفته صفا سیتی و کسانی که می تونسته برایشون اندکی متمر ثمر واقع بشه را به امان خدا رها کرده است. از همه ی شما می خواهم که بدون قضاوت های سریع و پیش داوری خواننده ی این مطالب باشید.

آقای هوش ور طی یک ماه در تابستان سال ۱۳۹۲ مواردی در کانادا که به نحوی به معلولان مربوط بوده گزارش کرده است. متن این مقاله بدون کم و کاست در ادامه آمده است.

نگرش مسئولان، کارمندان و مردم عادی

قوانین زیادی در کانادا تصویب شده است که صراحتاً مسأله برابری انسان ها را فقط به صرف انسان بودن مورد تأکید قرار می دهد. انسان، معلول باشد یا غیر

ص: ۷۰

معلول چون انسان است از حقوق خاص برخوردار است.

مسئله اساسی، تعداد این قوانین نیست، بلکه این نکته بسیار مهم تر است که واقعاً این قوانین را از دوران کودکی در مدارس در روح و روان بچه ها می کارند. برای بزرگ ترهایی هم که از مدارس اینجا بهره مند نشده اند، اجرای قوانین چنان سفت و سخت و جریمه های احتمالی چنان وحشتناک است که کسی را یارای سهل انگاری در این خصوص نیست.

یادمان باشد که صرف گفتن قانون برابری انسان ها، هیچ کاری ندارد. اما آیا می توانید باور کنید که در کانادا فرد مبتلا به ایدز، فرد مبتلا به کوادری پلژی، خانم سالمند ۹۰ ساله، مدیر بزرگترین کمپانی و خلاصه همگان در برابر قانون و کارمندانی که مجری قانون هستند، از یک میزان احترام و امتیاز بهره مند هستند. شاید بگویید شعار است!، اما دیده ام که یک معلول کوادری پلژی توی صف اداره ی بیمه، با ویلچر خودش آمده و نه درست می بیند و نه درست می شنود و نه درست می تواند حرف بزند و نه اصلاً زبان بلد است و ۱۰ نفر دیگر پشت سر او در صف هستند و حتی یک نفر از آن ۱۰ نفر، پیچ و غرغر نمی کند، یک نفر از آن ده نفر صدایش را بالا نمی برد، و حتی یک نفر از مسئولان و کارمندان پشت آن میز نیستند که بخواهند این معلول را بیچانند و یا سرسری به سؤال او جواب بدهند. باور نمی کنید که شاید کاری ۳۰ ثانیه ای را ۱۵ دقیقه طول بکشد اما حتماً مطمئن می شوند که فرد معلول که در صف ایستاده و نوبتش شده، خرسند و قانع و راضی از اداره خارج می شود.

در کتاب ها و آموزش ها مدام تأکید شده که یکی از راه های مقابله با ناتوانی، این است که به جای افزایش توان فیزیکی و روانی فرد ناتوان، بیاییم و روی محیط پیرامون او تغییراتی ایجاد کنیم تا آن فرد با وجود ناتوانی هایش مستقل بوده و از حقوقی برابر با سایرین بهره مند شود. بارها شاهد بوده ام که این توصیه ها فقط در کتاب ها نیست بلکه جامعه و افراد سالم نسبت به معلولین، نگرشی برابر پیدا کرده و خود را متعهد به اجرای آن می دانند. محیط و امکانات محیطی را به نحوی فراهم آورده اند که هیچ معلولی از این که به طور مستقل وارد جامعه شود پشیمان نمی شود. البته با وجود همه این قوانین به دلیل اینکه اجرا کننده انسان ها هستند،

درصدی از اشتباه و خطا ممکن است. اما رویه غالب اجرای قانون است.

یک مثال دیگر این است که تمام مدارس از کاردرمانگر بهره مند هستند. اینجا با کمک کاردرمانگر و مراقب و معلمین آموزش دیده و والدین همراه و با هزینه دولت و به صورت کاملاً رایگان در کنار کودکان دیگر می نشینند و درس می خوانند و اظهار نظر می کنند.

تسهیلات بیمه

همه کانادایی ها و افراد مقیم و کسانی که به نوعی اجازه اقامت دارند از یک بیمه فوق العاده به نام بیمه اوهیپ (OHIP) بهره مند هستند. البته این نام مال ایالت اونتاریو است یعنی O در اولش اشاره به اونتاریو دارد. اما همه ایالت ها بیمه مشابه اوهیپ را دارند.

این بیمه، تقریباً تمام هزینه های آزمایشگاهی، ارزیابی، درمانی، تجهیزات درمانی و غیره را به طور صد در صد پوشش می دهد.

در کنار این مورد، برای معلولین بیمه دیگری به نام ODSP نیز صادر می شود آن چنان جامع و کامل است که باورش سخت است. از حمایت مالی تا کاربایی تا کمک به فرد در جا افتادن در کاری که انتخاب کرده تا تقبل تمامی هزینه های درمانی و توانبخشی و خرید تجهیزات، ویلچر، عصا، عینک، سمعک و اجرای مناسب سازی در محیط منزل و محیط کار.

کیفیت توانبخشی

توانبخشی در کانادا متفاوت است. یعنی در اصل وقتی دولت کانادا تلاش می کند که حقوق شهروندی همه را به صورت برابر و مساوی رعایت کند، طبیعی است که نگرشش به پدیده معلولیت در زمینه توصیه های زیر نیست:

- هم وطن به شکرانه سلامتت بیا به این حساب، کمک های مردمی کن.

- آخی، طفلکی حتی نمی توانند درست راه بروند

- از من نشنیده بگیر اما هر کی یک خط نامه برای فلانی و یا بهمانی نوشته، کارش توی فلان جا راه افتاده و گرنه اگر توی نوبت سهمیه ویلچر بمانی یه

سری دلایل اون جلوترن که خارج از سهمیه دارن بر می دارن و نوبت به تو نمی رسه. اون وقت مجبوری دو برابر قیمت از همون دلایلا بخری!

- وای خانوما، از وقتی این بچه هه اومده توی کلاس و همکلاسی فرزندان ما شده، بچه من شب ادراری پیدا کرده؛ مدام از من می پرسه مامان چرا فلانی این جور حرف می زنه؟! بیایید با مدیر مدرسه صحبت کنیم و او را تحت فشار بگذاریم. اما اگر قراره این بچه مدرسه بیاد، ما شهریه هامون رو نمی دهیم و به مدرسه دیگه می رویم. اصلاً این بچه هه عقب افتاده است، مطمئنم درسو نمی فهمه... برای خودش هم بهتره که مدرسه استثنایی برود. بچه های ما چه گناهی کرده اند. اگه فردا بچه های ما بخوانند، ادای حرف زدن او را توی خونه و مهمونی در بیارن و آبروی ما رو ببرن چی می شود؟

- با اشاره به یک فرد ویلچری، نگاهش نکن... نگاهش نکن!

- آقای محترم می دونم که اومدی کار کنی، اما ما برای کارمندان سالم هم که دو برابر شما، در کارخانه راندمان دارند جا برای کار نداریم... حالا- بینیم چه کار می شه کرد... چون نامه داری از فلانی □باشه □ شماره حساب بده ما آخر هر ماه یه مبلغی بابت کارکرد می ریزیم به حسابت، شما فرض کن داری دورکاری می کنی. همون خونه بمون و گاهی اگر بهت ایمیل دادیم یه متنی رو برامون ترجمه کن .

این جملات نشان دهنده این است که به توانبخشی اهتمام ندارند اما در کانادا در توانبخشی به ارباب رجوع اجازه داده می شود که ریسک کند و مسیر درست را انتخاب کند که می خواهد چه کار کند. کاردرمانگر به ارباب رجوع، عاقبت احتمالی و علمی هر کدام از تصمیم هایی که می گیرد را گوشزد کند و مشاوره می دهد.

مثلاً- یک مراجعه کننده با قانقاریا و آمپوتاسیون هر دو دست از میچ، اگر باز هم خواست سیگار بکشد (که خیلی برای شرایطش مضر است)، کاردرمانگر پس از توضیح خطرات و ارائه چند فرم به مراجع و گرفتن چند امضا از او بابت این که

مسئولیت این تصمیمش با خودش است، باید بکوشد تا ابزاری بسازد و طراحی کند که او راحت تر سیگار را در دستش گرفته و بکشد.

شاید در نگاه اول سیستم درمانی و سلامت و بهداشت خودمان درست تر به نظر بیاید که در آن، کاردرمانگر در نقش فردی بالایی هرم دستوراتی می دهد و کاربر در تصمیم گیری دخالت داده نمی شود فقط به این بهانه که او دانش تخصصی ما را ندارد.

اما کانادا صراحتاً در کتاب ها و قوانینش توصیه شده است که همان طور که آدم سالم و عاقل، علی رغم دانستن ضرر های فلان کار، تصمیم می گیرد ریسک کند و مسئولیت ریسکش را می پذیرد، ما نباید افرادی را که از هر نوع معلولیتی رنج می برند از انتخاب مسئولانه وقایع پیرامونشان محروم کنیم.

اینجا در کتاب ها و کلینیک هایش می بینید که مدام این مسئله اشاره می شود که همان طور که کاردرمانگر در حیطه دانش تخصصی اش، فردی حائز صلاحیت است، کاربر نیز در خصوص آن شیوه ای از زندگی که می پسندد و دوست دارد و به دنبالش است قدرت تشخیص دارد و حائز صلاحیت است. در نتیجه تصمیمات درمانی در خصوص پیشبرد برنامه های توانبخشی باید با مشورت و گفتمان مفصل و حصول توافق بین کاردرمانگر و کاربر گرفته شود.

معماری شهری و امکانات عمومی

مطمئن هستم که پس از چند ماه زندگی در اینجا، چیزهای دیگری هم به چشم خواهد آمد؛ اما در حال حاضر مواردی را دیده ام با شما در میان می گذارم.

در سرتاسر تورنتو، یک عدد پل عابر پیاده ندیدم - به جای آن از چهارراه و چراغ قرمز استفاده می شود. همان طور که می دانید پل هوایی عابر پیاده برای اکثر معلولین و ویلچرنشینان و کسانی که مشکلات تعادلی و ترس از ارتفاع یا اختلال حرکتی دارند غیر عملی است. همچنین آنها هم حق عبور از خیابان را دارند! از این رو به جای پل از چراغ قرمز و خط کشی عابر استفاده شده است.

در سرتاسر تورنتو، دو طرف خیابان، کوچه، اتوبان، آزاد راه، بزرگراه و جاده دو ردیف پیاده رو به عرض یک متر وجود دارد که در تمام تورنتو یک مدل است، پستی

و بلندی ندارد به نحوی که فرد با ویلچر یا کالسکه می تواند بدون هیچ زحمتی تمام شهر را خودش مستقلاً طی کند.

در سرتاسر تورنتو، جوی آب ندیدم و اگر هم باشد با یک پل سرتاسری پوشانده شده تا مشکلی بابت ایاب و ذهاب معلولان به وجود نیاید.

تمامی دکمه ها، اهرم ها و زنگ هایی که در گوشه و کنار خیابان ها و اماکن عمومی نصب شده در ارتفاعی است که یک ویلچرنشین بتواند استفاده کند.

تمام دستشویی ها در اماکن عمومی، بدون استثناء، دارای دستشویی معلولین است. یک دستشویی فرنگی با دری عریض، دارای دستگیره ها و ساپورت های تعبیه شده به دیوار که ترانسفر فرد معلول از روی ویلچر به روی سیت دستشویی رو تسهیل می کند.

تمام درب های اماکن عمومی، تجاری و مسکونی دارای دری مخصوص عبور افراد ویلچر نشین است که به جای هل دادن یا کشیدن در با زدن یک دکمه باز می شود.

تمام ورودی ها و خروجی های عمومی، دارای رمپ های استاندارد به همراه دستگیره سرتاسری است. یعنی در حقیقت هر جا پله می بینید، حتماً رمپ یا سطح شیب دار یا آسانسور هم خواهید دید.

تمام پارکینگ های اماکن عمومی و تجاری و اداری، حداقل سه تا پنج محل خط کشی شده ویژه پارک کردن افراد معلول دارند. یعنی اگر پارکینگ شلوغ باشد و حتی یک جا برای پارک کردن پیدا نشود، اما این سه یا پنج جای ویژه معلولین خالی و دست نخورده و برای ایشان است. این محل های خط کشی شده، کمترین فاصله را تا درب ورودی آن مجتمع دارند.

سگ های افراد نابینا، می توانند ایشان را در تمام محیط ها همراهی کنند. از اداره گرفته تا رستوران تا لب ساحل.

در تمام چراغ قرمزها، سبز شدن و قرمز شدن چراغ توسط یک سوت منقطع، به افراد نابینا و سگ های آموزش دیده شان اطلاع داده می شود.

تمام اتوبوس ها خدمات ویژه ای را برای معلولین ویلچرنشین تعبیه کرده اند: اولاً تا زمانی که فرد ویلچرنشین سوار نشود، هیچ فردی جلوتر از او سوار نمی شود. ثانیاً

در صورتی که سرنشین های قبلی روی صندلی های ویژه معلولین نشسته باشند توسط راننده به صندلی های دیگری هدایت می شوند و سپس این صندلی ها را تا می کنند تا فضایی وسیع داخل اتوبوس ایجاد شود تا فرد بتواند با ویلچر داخل اتوبوس بیاید. ثالثاً: اتوبوس ارتفاعش را پایین می آورد! تا پله اول اتوبوس از لبه جدول، ارتفاعی نداشته باشد. رابعاً: یک سطح شیب دار اتوماتیک از لبه پله به روی لبه پیاده رو قرار می گیرد. خامساً وقتی فرد با ویلچر به داخل آمد و در فضای همان صندلی های تا شده خود را جا داد، راننده او را با کمربند ایمنی مخصوص، تثبیت می کند. و هر کدام را ۳ بار چک می کند و از فرد ویلچرنشین اوکی می گیرد. سادساً در تمام این پروسه که شاید ۵ دقیقه طول بکشد، هیچ سرنشینی در داخل و یا هیچ کدام از افرادی که همچنان در داخل صف و بیرون اتوبوس در انتظار ورود هستند اظهار ناراحتی و غرغر نمی کنند... و رفتار و حالات چهره راننده اتوبوس هم اگر خوش رو نباشد، بسیار معمولی و بدون اندکی ناراحتی است... نکته این است که ممکن است این معلول بخواهد یک ایستگاه جلوتر پیاده شود. و مجدداً تمام این کارها انجام می شود. بازهم بدون شکایت.

بسیار خوب، همه اینها یک طرف داستان است و آن چیزی که من در ایران تجربه کرده ام نیز در طرف دیگر.

ویژگی های توانبخشی در ایران

دوست دارم اکنون چیزهای مثبتی نیز از ایران بگویم که به نظرم در مقایسه با اینجا بسیار ستر است.

۱- دانش تخصصی و تجربه کار درمانگرها در ایران معمولاً بیشتر از کانادا است، چون کاردرمانگر ایرانی در سه سال کار، با بیش از ۵۰۰ پرونده ارتباط خواهد داشت و حداقل هر هفته ۶۰ ساعت کار می کند. این آمارها برای کار درمانگران اینجا رؤیا و خیال پردازی و افسانه است!.

۲- یک کاردرمانگر خوش اخلاق و پاک طینت در ایران، علی رغم آزار و اذیت های فراوان، محدودیت فراوان مالی، فشرده گی برنامه های درمانی و ... واقعاً خودش را وقف توانبخشی و درمان مراجعینش می کند و از زندگی و تفریح و استراحت و پیشرفت شخصی اش هزینه می کند و در آن واحد هم مشاوره می دهد،

هم با همه برای حقوق و امتیازهای مراجعش چانه می زند، هم در مقایسه با تلاشی که می کند دریافتی ای ندارد، با این وجود مثل کوه استوار می ماند تا مراجعینش بیشتر رنج نکشند و آنها را به ساحل امن برساند. بعید می دانم در کانادا در کار درمانگران کل ایالت اونتاریو حتی یک نفر از ایشان را یارای یک ماه پایداری و استقامت در برابر این همه سختی و فشار باشد.

۳- کار درمانگران در ایران توسط هیچ کدام از رشته های علوم پزشکی و رشته های همکار، آن ارج و قربی که شایسته آنهاست را دریافت نمی کند. حتی یک کاردرمانگر باید چندین و چند بار خواهش و التماس کند تا مدیر فلان مدرسه، کودکی با مشکل تعادلی را در میان سایر همسالانش بپذیرد و تازه باز هم ممکن است به برنامه های کار درمانگران اهمیتی داده نشود و واقعاً قانونی هم پشت کاردرمانگر نیست که مدیر مدرسه و یا سایر همکاران را وادار به تعامل و همکاری با او بکند. با این وجود واقعاً این کاردرمانگر می کوشد تا علی رغم موانع موجود با رفاقت و ارتباط اطرافیان و همکاران و طیف متخصصین علوم پزشکی را با خود همراه کند. بعید می دانم اگر کار درمانگران اینجا که در کتاب هایشان در خصوص «چگونگی رهبری سایر رشته های علوم پزشکی در ارائه خدمت به مراجعین» مطلب می نویسند، تحمل یک ماه فعالیت که همکاران ارزشمند در ایران دارند را داشته باشند.

۴- یک کاردرمانگر در ایران در ازای کار شاق در کلینیک همکاران یا کار پر مسئولیت و پر فشار در کلینیک خصوصی اش، به صورت سالم و اخلاقی، بسیار بعید است که از کمند تورم گذر کند و بیشتر از گذران زندگی بتواند مرفه و بی دغدغه زندگی کند. این جا کاردرمانگران با ۶۰ درصد همان ساعات کاری یک کاردرمانگر در ایران، در طبقه مرفه ترین قشر اقتصادی - اجتماعی قرار می گیرند و دغدغه های خرید ماشین و ملک و غیره را ندارند. با این وجود کاردرمانگران اخلاقی و سالم زیادی در ایران می شناسم که همچنان مسئولانه و بزرگوارانه در حال وقف نیروی بدنی و روانی و انرژی و دانش شان هستند و برای ارباب رجوع کم نمی گذارند. (۱)

ص: ۷۷

کشور کانادا دارای وسعت زیاد نسبت به ایران و بسیاری از دیگر کشورها دارای جمعیت اندک است. از طرف دیگر این کشور دارای آب و هوای خوب و ذخایر و امکانات طبیعی بسیار است. به همین دلیل یکی از مقاصد مهاجران است؛ به ویژه معلولان زیادی به این کشور رفته و اقامت گرفته اند.

از منظر معلولیتی، کانادا چند ویژگی مهم دارد: اول اینکه توانسته زمینه های پیشرفت، اشتغال پایدار برای معلولین ایجاد کند و در این زمینه دستاوردهای سودمند دارد. دوم اینکه زمینه مساعدی برای معلولین است، معلولانی که امکانات مالی یا علمی یا تجربی دارند و می توانند کارکرد خوبی داشته باشند، کانادا یکی از مکان های مطلوب برای آنها است.

آموزش و پرورش کانادا به گونه ای پی ریزی شده که تمام شهروندان این کشور اعم از افراد دارای معلولیت و استثنایی و افراد عادی به طور یکسان از امکانات آموزشی برخوردار هستند. بر اساس منشور آزادی حقوق بشر در این کشور، تمام شهروندان صرف نظر از نژاد، جنسیت، سن، زبان، معلولیت های جسمی، ذهنی و غیره باید بتوانند از آموزش و پرورش متناسب با نیازهای خود و جامعه برخوردار باشند.

امروزه تعلیم و تربیت دانش آموزان استثنایی در کنار دانش آموزان عادی در مدارس دولتی کانادا امری بسیار عادی تلقی می شود. دانش آموزان استثنایی با معلولیت های ذهنی و جسمی و سایر دانش آموزانی که با استانداردهای آموزشی موجود در کانادا همخوانی ندارند، مانند مهاجرانی که زبان رسمی مدرسه زبان اول آنان نیست به روش تلفیقی تحصیل می کنند.

آغاز آموزش و پرورش معلولان

نظام کنونی آموزش و پرورش معلولان در کانادا، نتیجه تلاش های مستمری است که از حدود ۱۷۰ سال قبل آغاز شد.

برای نخستین بار در سال ۱۸۶۰م، چند مؤسسه شبانه روزی که بیشتر شبیه مراکز درمانی بود. برای ارائه خدمات به دانش آموزان کر و لال در استان های کانادا بر پا شد. سپس، نهادهای دیگری ویژه دیگر دانش آموزان استثنایی در این استان ها به راه افتاد. سال ها پس از راه اندازی این مراکز آموزشی، مسئولان و دست اندرکاران ذیربط به این حقیقت اعتراف کردند که تعلیم و تربیت این کودکان، جدای از دیگر دانش آموزان عادی، آنان را از روند غالب جامعه به دور می سازد. بنابراین، تشکیل کلاس های تفکیک شده ویژه در مدارس عادی برای دانش آموزان

استثنایی توصیه گردید. در این رهگذر در سال ۱۹۲۰ کلاس های ویژه تفکیکی برای طیف گسترده ای از کودکان ناشنوا، نابینا و سایر فراگیران مبتلا به معلولیت های ذهنی و جسمی، در مدارس عادی فراگیرانی که از هوش و استعداد خدادادی برخوردار بودند، برپا شد.

از سال ۱۹۶۰ تاکنون، تشکیل مدارس ویژه و کلاس های تفکیک شده در مدارس عادی با هدف آموزش و ارائه خدمات جانبی به کلیه دانش آموزان استثنایی به صورت یک خط مشی، در کلیه استان های کانادا به اجرا در می آید. بر پایه این سیاست، آموزش فراگیران استثنایی در چارچوب برنامه های رسمی و با عنایت بر میزان و نوع معلولیت دانش آموز، انجام می گیرد. از جمله، می توان به مراکز آموزشی ویژه دانش آموزان استثنایی مبتلا به معلولیت های شدید، کلاس های تفکیک شده اختصاصی در مدارس عادی دولتی و کلاس های معمولی (۱) که فراگیر استثنایی در کنار دانش آموزان عادی به تحصیل سرگرم اند نیز اشاره کرد. (۲)

یکپارچه سازی و ادغام

یکپارچه سازی و ادغام (۳)

کارشناسان آموزش و پرورش در کانادا تلاش کرده اند مرزهای مصنوعی بین اقشار جامعه را حذف کنند تا اقشار در کنار هم به تکمیل یکدیگر بپردازند. یکپارچه سازی، راهکاری برای دستیابی به فلسفه ای فراگیر است. این راهکار ترکیبی از اندیشه و عمل شمرده می شود. این رویکرد آموزشی، فراتر از مکان فیزیکی آموزش است و توجه به ایجاد یک نظام عقیدتی و ارزشی که بر اساس آن بتوان با نشان دادن دانش آموز استثنایی در کنار فراگیر عادی؛ احساس تعلق، همبستگی و تعامل (همیاری و داد و ستد) را در وی (و یا هر دو) وجود آورد.

یک "جامعه فراگیر (۴)"

آگاهانه و به طور مستمر پیوسته، می کوشد نیازهای متغیر

ص: ۸۲

۱- Mainstreaming

۲- آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی، ص ۹-۱۰.

۳- Integration

۴- Inclusive Community

اعضای خود را برآورده سازد. چنین جامعه ای تأیید، حمایت، همکاری و امکان دسترسی مادی به مزایا و حقوق شهروندی را برای تمام اعضای خود فراهم می آورد. در چنین رویکردی، مدارس، شاگردان استثنایی را در کنار همسالان عادی خود و در یک کلاس، ثبت نام کرده و برای آنان امکانات و تجهیزات لازم فراهم می کنند.

آمارهای مربوط به کانادا نشان می دهد که در سال ۱۹۹۱ حدود ۵۸ درصد از دانش آموزان استثنایی در سنین ۵ تا ۱۴ سال در مدارس عادی، ۵ درصد از آنان در کلاس های جداگانه مدارس عادی و ۳۷ درصد دیگر، در مدارس ویژه دانش آموزان استثنایی سرگرم تحصیل بوده اند.

مدیران آموزشی در استان های مختلف کانادا، به "آموزش فراگیر(۱)" توجه ویژه داشته اند و در نگاه آنان این شیوه آموزش اولویت خاصی دارد. در بیشتر استان ها "آموزش فراگیر" به صورت موردی و بر اساس شدت و ضعف معلولیت شاگرد انجام می پذیرد. به طور مثال، مدارس بیشتر ترجیح می دهند دانش آموزانی را که تنها یک معلولیت فیزیکی دارند، در کلاس های عادی ثبت نام کنند و از ثبت نام دانش آموزانی که مبتلا به چندین معلولیت هستند - به منظور حمایت از آنان - تا حد امکان پرهیز می کنند.

ثبت نام دانش آموزان استثنایی در کلاس های عادی بحث های زیادی را میان گروه های مختلفی که با این دانش آموزان سر و کار دارند از جمله والدین، سیاست گذاران و مسئولان آموزشی برانگیخته است. افراد موافق با "آموزش های فراگیر" بر منافع و مزایای علمی و اجتماعی این روش تأکید می ورزند و در مقابل، آن دسته از کسانی که با این شیوه مخالفند، معتقدند که هر فراگیر نیازهای خاص خود را دارد و "آموزش فراگیر" با بودجه و امکانات محدود، نمی تواند پاسخگوی این نیازهای به خصوص باشد. در این ارتباط از ۲۴ تا ۲۶ اکتبر سال ۲۰۰۴، همایشی در شهر اوتاوا (پایتخت کشور کانادا) تشکیل شد و کارشناسان جنبه های مثبت و منفی روش های آموزشی معلولین را بررسی کردند.(۲)

ص: ۸۳

۱- Inclusive Education .

۲- . همان، ص ۱۱.

جایگزینی (۱)

بر اساس طرح "آموزش فراگیر"، هر دانش آموز در کانادا حق دارد در مدرسه ای که نزدیک به محل زندگی او است، تحصیل کند. از این رو، بر اساس "برنامه آموزش انفرادی (۲)"

جایگزینی دانش آموز انجام می شود. به عبارت دیگر، جایگزین کردن دانش آموز، نتیجه طرح آموزش انفرادی است نه نقطه آغاز آن. بنابراین، کمتر می توان جایگزینی را پیش بینی کرد.

جایگزینی دانش آموز، بر اساس نیازهای ویژه و شدت و ضعف ناتوانی های او انجام می گیرد. به طور مثال، اگر نوع ناتوانی فراگیر باعث ایجاد اختلال در محیط کلاس های عادی و یادگیری سایر دانش آموزان نشود، دانش آموز مزبور در کلاس های عادی مدرسه ای که نزدیک محل زندگی او قرار دارد، جایگزین خواهد شد. در غیر این صورت، در کلاس های خاص دور از محل زندگی جایگزین و ثبت نام می گردد.

به عبارت دیگر، قبل از آن که دانش آموز استثنایی بتواند به کلاس های عادی منتقل شود، گروه جایگزین باید تشخیص دهد که آیا کودک می تواند در کلاس های عادی بدون محدودیت و مزاحمت برای سایر دانش آموزان، با استفاده از وسایل کمکی مناسب، آموزش ببیند؟ به طور مثال، در مورد نابینایان و کم بینایان، مهمترین و اصلی ترین سؤالات مطرح شده عبارتست از: جایگزینی دانش آموزان به چه نحوی باید انجام شود؟ آنان به چه خدماتی نیاز دارند؟ آیا نیازهای ایشان در مدارس خاص نابینایان، بهتر برطرف می شود یا در مدارس تلفیقی؟ پاسخ به این پرسش ها به طور حتم به عوامل بسیاری مانند محیط مدرسه، میزان پذیرش دانش آموزان استثنایی از سوی اولیای مدرسه، دانش آموزان، امکانات مدرسه مسائل روحی و روانی این دانش آموزان مانند انگیزه، عزت نفس، اعتماد به نفس، توانایی ها، بلوغ اجتماعی و غیره بستگی دارد. این عوامل در جایگزینی

ص: ۸۴

۱- Placement

۲- Individual Education Plan

دانش آموزان استثنایی بسیار مؤثر است.

حقوق دانش آموزان استثنایی

والدین کودکان معلول همانند دیگر مادران و پدران می خواهند فرزندانشان از حقوقی برابر نسبت به سایر کودکان برخوردار باشند. آنان آرزو دارند که فرزندانشان به عنوان یک شهروند با امنیت و آزادی زندگی کنند. لایحه ای که در قانون اساسی سال ۱۹۸۲ در ارتباط با حقوق آموزش (۱)

معلولان به تصویب رسید، گام بزرگی در گسترش حقوق آموزشی این قشر از جامعه کانادا به شمار می آید.

این قانون تأکید بسیاری بر برابری حقوق آموزشی معلولان با سایر دانش آموزان دارد. این تأکید به صراحت در عبارت زیر به چشم می خورد:

"تمام مردم در برابر قانون مساوی هستند؛ قوانین باید بدون توجه به معلولیت فیزیکی یا روانی کودکان معلول، از حقوق مساوی آنان با دیگر کودکان دفاع نماید".

بر اساس این قوانین، یک کودک به عنوان یک شهروند کانادایی، چهار حق اساسی دارد:

۱- برخورداری از حقوق اقتصادی؛

۲- بهره مندی از مراقبت های بهداشتی؛

۳- حق برخورداری از امنیت؛

۴- بهره مندی از آموزش و پرورش (۲).

به تدریج قوانینی در زمینه آموزش افراد دارای معلولیت تصویب شده و از طرف دیگر مردم روی این قوانین توجیه شده اند، به طوری که نهاد آموزش معلولین استحکام لازم را پیدا کرده و کارآمدی مطلوبی دارد.

ص: ۸۵

۱- Educational Rights

۲- همان، ص ۲۰-۲۳.

برنامه ها و اقدامات بسیار در کانادا هست تا افراد دارای معلولیت از کودکی و نوجوانی مهارت های لازم را کسب کنند، دانش های مورد نیاز را فراگیرند و در نهایت در دوره دانشگاه با تبحر در یک یا چند رشته تخصصی بتوانند برای کشورشان مفید باشند.

وضعیت دانش آموزان دارای معلولیت

آموزش کودکان و جوانان دچار اختلال بینایی و نابینا یا افرادی که سایر معلولیت ها را دارند به تدریج نهادینه شده و ضوابط خاص پیدا کرده است. در جولای ۲۰۰۳ گزارشی درباره آموزش نابینایان منتشر گردید که عیناً می آورم:

در حال حاضر قریب به ۹۵ درصد دانش آموزان نابینا یا دچار ضعف بینایی در مدارس مختلط تحصیل می کنند.

برنامه درسی گسترش داده شده (در کنار برنامه آموزش عادی) شامل آموزش هشت مهارت است، این مهارت ها عبارت اند از:

۱- تقویت مهارت های جبرانی (Compensatory skills) و مهارت های عملکردی (Functional skills). مهارت های جبرانی به مهارت هایی گفته می شود که دانش آموز باید کسب کند تا بتواند برنامه درسی عادی را دنبال کند (مثال: استفاده از حس لامسه برای خواندن به جای حس بینایی = آموختن بریل). مهارت های عملکردی شامل مهارت هایی است که به دانش آموز کمک می کند در خانه، مدرسه و جامعه مشارکت کند. بر مهارت های ارتباطی نیز در این قسمت تمرکز می شود.

۲- جهت یابی و جابجایی: تمرکز بر آموزش آگاهی مکانی (spatial awareness) به دانش آموزان. اینکه دانش آموزان بدانند کجا هستند و قادر باشند ایمن، بهره ور، هدفمند و مستقل در محیط جابجا شوند. در این بخش برنامه آموزشی، آگاهی از بدن (body awareness)، جهت یابی، آگاهی فضایی و دانش عملی در مورد ویژگی های محیطی که در آن هستند به دانش آموزان کمک می کند در فعالیت های

گروهی با سایر همکلاسان خود شرکت کنند. مهارت های جهت یابی و جابجایی به وسیله افرادی که گواهی نامه های تخصصی مرتبط را دریافت کرده اند، به دانش آموزان تدریس می شود.

۳- مهارت های اجتماعی: توسعه مهارت های بین فردی و اجتماعی به دانش آموزان کمک می کند با همکلاسی های خود بهتر ارتباط برقرار کنند، در فعالیت های گروهی شرکت کنند و در نهایت بستر مناسبی برای کاربایی در آینده برای آنها فراهم می کند. در مورد همتایان بینا، مهارت های اجتماعی بیشتر از طریق مشاهده و در جریان زندگی روزمره کسب می شود. برای دانش آموزان با اختلال بینایی و نابینا این مهارت ها باید از طریق دستورات عملی های زمان دار، شهودی و مرحله به مرحله (timely, insightful, sequential) آموزش داده شود. اطلاعات در مورد ارتباطات غیر کلامی (زبان بدن، ژست و موقعیت بدن و حالت صورت) و آموزه های فرهنگی (رعایت فاصله مناسب با طرف مقابل هنگام تعامل و گفتگو) باید برای دانش آموزان با اختلال بینایی و نابینا مهیا شود. در این برنامه دانش آموزان بدون ضعف بینایی نیز در مورد پیامدهای ضعف بینایی در زندگی آموزش داده می شوند تا در برقراری ارتباط با همکلاسان کم بینا و نابینای خود بهتر عمل کنند.

۴- مهارت های مدیریت شخصی و زندگی مستقل: این مهارت ها افراد را برای انجام کارهایی آماده می کند که به بیشترین استقلال ممکن در زندگی برسند. برنامه درسی برای توسعه مهارت های زندگی مستقل طراحی شده است. این مهارت ها شامل آموزش در زمینه هایی مانند بهداشت شخصی، آماده سازی مواد غذایی، مدیریت مالی و زمانی، مدیریت خانه، سازماندهی وسایل شخصی و فضا در نبود ورودی های بصری است.

۵- مهارت های مرتبط با تفریح و اوقات فراغت: از آنجا که معمولاً مهارت های حرکتی دانش آموزان دچار ضعف بینایی یا نابینا در جریان جست و خیز کردن در کودکی تقویت نشده باشد، این قسمت از برنامه درسی بر تقویت این جنبه از مهارت ها و آماده سازی دانش آموزان برای حضور در فعالیت های تفریحی تأکید دارد.

۶- مهارت های شغلی و مدیریت زندگی: در این بخش به دانش آموزان مسیرهای شغلی مناسب نشان داده می شود. مهارت هایی از قبیل یافتن محل استقرار برای مشاغل خاص، دسترسی به فناوری های کمکی مناسب، مهارت های حمایت از خود برای مقابله مؤثر با نگرش منفی نسبت به افراد معلول در جامعه.

۷- تکنولوژی های کمکی: مهارت استفاده از تکنولوژی های کمکی مانند بریل، ماشین حساب سخنگو، مهرهای برجسته بریل و دیگر نمونه ها

۸- مهارت های بهره وری بینایی: مهارت هایی که به وسیله آن، دانش آموزان کم بینا بتوانند حداکثر استفاده را از ورودی های بصری خود بکنند. آموزش های بهره وری بینایی شامل آموزش مهارت های تفسیر صحنه های تار، مهارت های مکانی و اسکن کردن و غیره است.

دستورالعمل های اجرایی

اجرای این مهارت ها بر اساس دستورالعمل هایی است که به آن استاندارد می گوئیم و شامل ۱۳ استاندارد است:

استاندارد ۱: همه دانش آموزان بینا یا دچار اختلال بینایی تیمی از معلم، والدین، معلم نابینایان و راهنمای حرکتی دارند. هدف این تیم، برنامه ریزی، پیاده سازی، نظارت بر حسن اجرا و ارزیابی نیازهای آموزشی منحصر به فرد دانش آموز است. اعضای این تیم به وضوح شرح وظایف خود را می دانند.

استاندارد ۲: نوع و فراوانی دستورالعمل ها و خدمات ارائه شده توسط معلم نابینایان بر اساس نیازهای ارزیابی شده دانش آموز و سطح حمایت مورد نیاز دانش آموز، تعیین می شود. تعداد دانش آموزان تخصیص یافته به هر معلم بر اساس نیاز هر دانش آموز، زمان لازم برای تهیه مطالب، حمل و نقل، مشاوره با والدین و غیره تعیین می شود.

استاندارد ۳: برنامه ها و خدمات مورد نیاز برای هر دانش آموز توسط معلم دانش آموزان با اختلال بینایی و نابینا با همراهی تیم عنوان شده ارزیابی و تعیین می شود. این برنامه ها با همکاری نزدیک معلم نابینایان و متخصص حرکت و مکان یابی و بر اساس آزمون های رسمی و غیر رسمی تدوین می شود. این ارزیابی ها

در مقاطع مختلف بروز می شود.

استاندارد ۴: برنامه آموزشی هر دانش آموز به صورت منحصر به فرد و بر اساس نیازهای مشخص دانش آموز تهیه می شود. تهیه این برنامه به عهده تیم ذکر شده در استاندارد ۱ است.

استاندارد ۵: همه دانش آموزان نابینا و دچار اختلال بینایی صرف نظر از درجه اختلال و وجود یا عدم وجود سایر معلولیت ها، از خدمات معلم نابینایان و دانش آموزان با اختلال بینایی استفاده می کنند. راهنمای مکان یابی و حرکت، ارزیابی های لازم از کلاس و محل سکونت دانش آموز را انجام داده و توصیه های لازم را به تیم برنامه ریزی و والدین ارائه می دهد.

استاندارد ۶: مواد آموزشی، همزمان با همکلاسان بینا، در فرمت مورد نیاز دانش آموزان در اختیار آنها قرار می گیرد. دانش آموزان با اختلال بینایی یا نابینا می توانند فرمت مورد نیاز خود را درخواست کنند.

استاندارد ۷: تکنولوژی کمک آموزشی مورد نیاز دانش آموز بر اساس ارزیابی انجام شده توسط متخصصان تیم، در خانه و مدرسه در دسترس دانش آموزان قرار می گیرد. معلمان و والدین در مورد این تکنولوژی آموزش می بینند.

استاندارد ۸: تمامی مطالب اینترنتی توصیه شده توسط اداره آموزش و پرورش استان و همچنین وب سایت این اداره طوری طراحی و ارائه می شوند که دانش آموزان با اختلال بینایی و نابینا نیز بتوانند از آن استفاده کنند.

استاندارد ۹: نرم افزار آموزشی برای آموزش و تمرین مطالب درس داده شده در دسترس دانش آموزان قرار خواهد گرفت

استاندارد ۱۰: والدین از اعضای مهم تیم آموزشی مدرسه هستند. والدین اطلاعات و آموزش کافی برای نظارت بر تکالیف و راهنمایی فرزندان خود برای انجام تکالیف در منزل را کسب می کنند.

استاندارد ۱۱: دانش آموزان دچار اختلال بینایی و نابینا می توانند به برنامه های آموزشی فشرده و کوتاه مدت در راستای آموزش برنامه آموزشی گسترش یافته دسترسی داشته باشند.

استاندارد ۱۲: به محض تشخیص اختلال، برنامه های واسطه گری و مداخله

(intervention) برای دانش آموزان و والدین اجرا می شود. این برنامه ها شامل خدمات تخصصی برای آماده سازی والدین و فرزندان برای رویارو شدن با ضعف بینایی است.

استاندارد ۱۳: یک برنامه انتقال جامع برای هر دانش آموز در زمان انتقال از یک محیط آموزشی به محیط آموزشی دیگر (تغییر مقطع یا تغییر محیط فیزیکی) تدارک دیده و اجرا می شود.

اجرای قوانین آموزشی بر عهده استان ها است. اگر چه ممکن است که نحوه اجرا از استانی به استان دیگر متفاوت باشد، همه بر اساس اصول واحدی انجام می شود.

دانشجویان دارای معلولیت

یکی از سایت های ثبت آمارهای جهانی با نام WD تعداد احتمالی و تقریبی معلولان در کشور ایران را ۶۰۷ هزار و ۵۲۸ از میان جمعیت ۶۷ میلیونی اعلام کرده است که در میان اقشار و حرفه های مختلف در حال زندگی هستند. ولی مشهور است که ایران حدود ده درصد معلول دارد یعنی در ۷۵ میلیون جمعیت تقریبی کشور، حدود هفت میلیون نفر معلول دارد.

با وجود اینکه جستجو در اینترنت برای یافتن آمار دقیق دانشجویان معلول در ایران چه به زبان فارسی و چه به انگلیسی نتیجه ای در بر نداشت اما وجود افراد معلول در میان تمامی اقشار به خصوص قشر دانشجو در ایران که مدنظر این گزارش است حقیقتی نیست که به توان به راحتی آن را انکار کرد.

برای پی بردن به این حقیقت آزار دهنده که در دانشگاه های ایران توجه چندانی به شرایط دانشجویان معلول نشده و این افراد باید به تنهایی گلیم خود را از آب بیرون بکشند نیاز به تحقیق و بررسی فراوان نیست. هرچه توانایی مالی این افراد کمتر باشد عمق مشکلات برای آنها بیشتر خواهد شد.

کشورهای دیگر جهان نیز دارای افراد معلول هستند که در بسیاری موارد این تعداد از تعداد معلولان در ایران بسیار بیشتر است. برای مثال ایالات متحده به صورت تقریبی ۲ میلیون و ۶۴۲ هزار و ۸۹۸، آلمان ۷۴۱ هزار و ۸۲۱ و روسیه یک

میلیون و ۲۹۵ هزار و ۷۶۶ نفر معلول در کشورهای خود دارند.

با این حال تحقیق و گردش در میان سایت دانشگاه های مختلف دنیا میزان ارزش و احترام و تسهیلاتی که چنین کشورهایی برای این افراد در میان دانشجویان در نظر می گیرند را آشکار می کند. در اکثر دانشگاه ها از قبیل دانشگاه کوئینز در کانادا و دانشگاه کالیفرنیا در ایالات متحده بخشی مجزا به دانشجویان معلول اختصاص داده شده است تا این دانشجویان متناسب با نوع معلولیت خود بتوانند از خدمات آموزشی، بهداشتی و خوابگاهی استفاده کنند.

تمامی حقوق دانشجویان معلول، وظایف آنها و وظایف مسئولان و اساتید دانشگاه در برابر این دانشجویان به صورت کتاب قانونی در دانشگاه کوئینز کانادا موجود بوده و تمامی افراد موظف به رعایت این قوانین هستند.

در دانشگاه کوئینز دانشجویان معلول حق دارند به دوره های تحصیلات پیشرفته دسترسی داشته و متناسب با نوع معلولیت تحت آموزش قرار گرفته و در مکان متناسب ساکن شوند. در این دانشگاه مسئولان موظفند تمام تلاش خود را در رعایت حقوق این دانشجویان صرف کرده و از عقب ماندگی و یا عدم درک مفاهیم به دلیل معلولیت آنها جلوگیری کنند. تمامی حقوق دانشجویان معلول، وظایف آنها و وظایف مسئولان و اساتید دانشگاه در برابر این دانشجویان به صورت کتاب قانونی در دانشگاه موجود بوده و تمامی افراد موظف به رعایت این قوانین هستند.

فرماندار کالیفرنیا که در سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۱ در این سمت مشغول به کار بوده است معتقد بود تمامی دانشجویان شایسته داشتن فرصت تحصیل هستند و به همین دلیل دانشگاه کالیفرنیا با تأسیس موسسه ای به کمک دانشجویانی که از نیازهای خاصی برخوردار بودند شتافته و امکان تحصیل آسان و لذت بخش را برای دانشجویان معلول فراهم آورد.

این دانشگاه مأموریت و هدف نهایی خود را حمایت از دانشجویان معلول در تحصیل و کسب نمرات مناسب و شایسته اعلام کرده است. بالغ بر هزار و ۳۰۰ دانشجو تحت این شرایط در هر ترم در این دانشگاه تحصیل کرده و تا کنون بالغ بر ۳ هزار دانشجوی معلول از این دانشگاه فارغ التحصیل شده اند.

خدمات این دانشگاه در گروه های خدمات برای ناشنویان و کم شنوایان، خدمات برای افراد ناتوان حرکتی و مرکز فوق پیشرفته تقسیم می شود. در عین حال دانشجویان از خدمات معاینات پزشکی دوره ای برخوردارند تا در صورت نیاز نوع خدمات آموزشی آنها متناسب با نیازهای آنها تغییر و انطباق داده شود.

پرستاری، مشاوره های مخصوص آموزشی، پارکینگ های مخصوص، خوابگاه های مخصوص و کمک هزینه های تحصیلی از دیگر خدمات این دانشگاه برای دانشجویان معلول است. مرکز فوق پیشرفته این دانشگاه نیز یکی از مراکز قابل توجه است. در این مرکز تمامی تجهیزات الکتریکی مورد نیاز برای تحقیقات و آزمایش ها متناسب با نوع معلولیت افراد تهیه شده است.

کارگاه ها و میزهای قابل انطباق، رایانه های قابل انطباق و دسترس اپل، تجهیزات و نرم افزارهای ارتباطی قابل انطباق، تجهیزات و صفحه کلیدهای مخصوص خط بریل، نرم افزارهای ترجمه خط بریل، تجهیزات تشخیص کاراکترهای نوری برای خواندن و نوشتن، نرم افزارهای تشخیص صوت و صدا و نرم افزارهای پیش بینی لغات از جمله تجهیزاتی هستند که فرایند تحصیل و تحقیق را برای دانشجویان با ناتوانی های مختلف تسهیل می کند.

دانشگاه ویندزور نیز برنامه های مفصلی برای دانشجویان معلول ارائه کرده است. افراد با ناتوانی هایی در بینایی یا شنوایی، درک و حرکت و همچنین مبتلایان به بیماری های مزمن تحت حمایت این برنامه های آموزشی دانشگاه خواهند بود. به گفته مقامات این دانشگاه برنامه حمایت از افراد معلول با هدف به حداقل رساندن تأثیر ناتوانی های موجود بر روند تحصیل و یادگیری آنها ارائه شده است.

در این دانشگاه نیز مشاوره های تحصیلی متناسب با نوع معلولیت، شیوه های آموزشی مناسب و استفاده از تکنولوژی ها و تجهیزات منطبق با شرایط فرد در دسته بندی های برنامه حمایتی از افراد معلول قرار دارد.

به گزارش مهر، شاید مقایسه ایران با چین کشورهایی که از نظر سطح تکنولوژی و علمی در سطوح بالاتر جهانی قرار گرفته اند زیاد منصفانه نباشد، اما چین سطح علمی و تجهیزاتی یک شبه به کشورهای قدرتمند جهان وارد نشده است و با توجه به اشاره مکرر مسئولان کشور مبنی بر توانایی های

نامحدود علمی و تکنولوژیکی کشور می توان به خود اجازه داد که پا را از مرزهای ایران فراتر گذاشته و نگاهی کوتاه به توجه مقامات دیگر کشورها به قشر معلول جامعه کرد. (۱)

بورسیه تحصیلی

از آنجا که دانشجویان معلول هم مانند دانشجویان عادی، باید بتوانند از امکانات تحصیلی پیرامون خود استفاده کنند، در سرتاسر جهان بورسیه های تحصیلی زیادی برای معلولان وجود دارد که برای دانشجویانی که ناتوانی جسمی، حسی و یادگیری دارند، یا از لحاظ سلامت روان در وضعیت مناسبی نیستند، کمک های مالی ارائه می دهند. در این مقاله به معرفی بورسیه های تحصیلی موجود در کانادا برای دانشجویان معلول می پردازیم. این بورسیه ها در کانادا و آمریکا است.

بورسیه AAHD Frederick J. Krause: این بورسیه برای افرادی است که معلولیت و مشکلات سلامت دارند. و به نام AAHD Frederick J. Krause شناخته می شود مختص دانشجویان معلولی است که از شهروندان آمریکایی هستند و به عنوان دانشجوی تمام وقت کارشناسی یا کارشناسی ارشد در یکی از دانشگاه های معتبر آمریکا ثبت نام کرده باشند. برای گرفتن این بورسیه شما باید مدارک مربوط به معلولیت یا بیماری خود را ارائه دهید.

بورسیه دانشگاهی انجمن ناشنوایان و کم شنوایان الکساندر گراهام بل: این بورسیه بر اساس لیاقت و شایستگی به دانشجویان تمام وقتی که مشکل ناشنوایی یا کم شنوایی دارند، برای تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه ها اهدا می شود. تعداد محدودی بورسیه هم برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ارائه می شود. این بورسیه برای دانشجویان آمریکایی و غیر آمریکایی قابل دریافت است.

ص: ۹۳

بورسیه تحصیلی Reintegration Baer: این بورسیه برای افرادی است که دارای معلولیت ذهنی و روانی هستند. بورسیه Reintegration Baer به آن دسته از شهروندان آمریکایی که از اسکیزوفرنی، اختلال اسکیزوافکتیو یا اختلال دو قطبی رنج می‌برند و در حال حاضر تحت درمان هستند، تعلق می‌گیرد. این بورسیه به دوره‌های معادل دبیرستان، دوره‌های مدارس فنی حرفه‌ای یا دوره‌های تجارت در مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد تعلق می‌گیرد.

بورسیه معلولیت یادبود فلورا ماری جنکینز: این بورسیه تحصیلی برای دانشجویان معلول آمریکایی است که در مقطع کارشناسی ثبت نام یا پذیرفته شده‌اند. برای درخواست استفاده از بورسیه معلولیت یادبود فلورا ماری جنکینز، باید یک مقاله که در آن تأثیر معلولیت در زندگی شما شرح داده شده باشد، را ارائه دهید.

بورسیه تحصیلی فدراسیون هموفیلی آمریکا: این برنامه شامل چهار دسته بورسیه است که هدف آن، حمایت از دانشجویان با اختلالات خونی از طریق کمک هزینه تحصیل در خدمات پزشکی و سلامت است تا بتوانند در رشته‌های پزشکی مشغول به کار شوند.

بورسیه معلولیت مایکروسافت: بورسیه معلولیت مایکروسافت برای فارغ‌التحصیلان معلول دبیرستانی از هر کشوری است تا بتوانند در مقطع لیسانس دانشگاه آمریکا یا کالج فنی تحصیل کنند. برای دریافت این بورسیه، باید به فناوری علاقه مند باشید، ثابت کنید که نیاز مالی دارید و یک رشته در مهندسی، علوم کامپیوتر، سیستم‌های اطلاعاتی کامپیوتر، حقوق، بازرگانی یا سایر رشته‌های مرتبط در نظر داشته باشید.

بورسیه مرکز ملی یادگیری معلولان آنه فورد و آلگرا فورد توماس: این

بورسیه برای دانش آموزان دو سال آخر دبیرستان های آمریکا است که مشکلات یادگیری یا ADHD دارند و در شرف ورود به آموزش عالی هستند.

بورسیه Google Lime: این بورسیه نوعی حمایت مالی از دانشجویان رشته های مهندسی و کامپیوتر است. بورسیه Google Lime برای دانشجویان معلول همه کشورها برای تحصیل در هر مقطعی در دانشگاه های آمریکا و کانادا است. برای دریافت این بورسیه، باید در حال تحصیل در رشته های علوم کامپیوتر و مهندسی کامپیوتر یا در رشته های بسیار نزدیک به رشته های فنی باشید.

بورسیه ADHD Shier Canada: این بورسیه برای اتباع قانونی آلبرتا، نوا اسکوتیا، اونتاریو، یا کبک است که ADHD داشته باشند، تا بتوانند در هر مؤسسه آموزش عالی معتبر در یکی از ایالت های ذکر شده تحصیل کنند.

بورسیه تحصیلی بنیاد ChairScholars: بنیاد ChairScholars کمک هزینه تحصیلی برای تحصیل در دانشگاه ها و آموزش های فنی حرفه ای به دانشجویان کم درآمد و دارای معلولیت شدید، ارائه می دهد و به آنها این فرصت را می دهد که به دنبال رؤیاهای خود، به این خاطر که «هیچ مشکل جسمی نباید مانع یک ذهن با انگیزه باشد»، بروند. این بنیاد سه نوع بورسیه تحصیلی ارائه می کند: دوره بورسیه ملی، دوره بورسیه فلوریدا و دوره بورسیه منطقه شهری نیویورک.

برنامه دانشجویی فولبرایت آمریکا: برنامه دانشجویی فولبرایت آمریکا کمک های مالی برای پروژه های انفرادی هنری، پژوهشی و تحصیلی یا دستگیری تدریس زبان انگلیسی ارائه می دهد. متقاضیان ممکن است از فارغ التحصیلان قدیمی یا فارغ التحصیلان اخیر مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا باشند. دانشجویان معلول تشویق به ثبت نام در این طرح شده اند. هر داوطلب باید یک بیانیه در مورد هدف خود از شرکت در دوره های تحصیلی خارج از کشور ارائه دهد. این برنامه تبادل فرهنگی را از طریق تعامل مستقیم به صورت فردی در کلاس

درس، رشته، خانه و در قالب انجمن ها تسهیل می کند که به دریافت کننده آن، این امکان را می دهد تا نقطه نظرات و عقاید و خط مشی و طرز تفکر دیگران را درک کند و در نتیجه درک متقابل ارتقا می یابد.

بورسیه بین المللی گیلمن: بورسیه تحصیلی بین المللی گیلمن به دانشجویان مقطع کارشناسی آمریکا که در دو سال از چهار سال دانشگاه برای شرکت در دوره های تحصیل در خارج از کشور در سراسر دنیا، از صندوق فدرال پل گرانت کمک های مالی دریافت می کنند، جوایزی را اهدا می کند. هدف این برنامه این است که از دانشجویانی که به دلایلی از تحصیل آنها در خارج از کشور جلوگیری شده است، مانند دانشجویانی که نیاز مالی دارند، دانشجویان زیر شاخه برخی رشته های خاص مانند علوم و مهندسی، دانشجویانی که پس زمینه قومی خاصی دارند و دانشجویان معلول حمایت کند.

بورسیه Lime Connect: شرکت Lime Connect بورسیه های تحصیلی متفاوتی را به دانشجویانی که در آمریکا و کانادا در ارتباط با شرکت های شریک تحصیل می کنند، ارائه می دهد. برخی از این بورسیه ها شامل حق کارآموزی می شود. تمام این بورسیه ها بر اساس شایستگی و نه بر اساس نیاز مالی تعلق می گیرد. برای دریافت این بورسیه نیازی نیست که دانشجویان از خدمات معلولین یا مراکز دسترسی در سطح دانشگاه استفاده کنند یا مدرکی دال بر معلولیت خود ارائه دهند.

بورسیه تحصیلی سازمان Mobility International: سازمان Mobility International مجموعه ای از بورسیه های تحصیلی را ارائه می دهد که می تواند از طریق مبادلات بین المللی استفاده شود. افراد معلول اگر واجد شرایط لازم برای اخذ این بورسیه ها باشند، می توانند برای درخواست هر یک از این کمک هزینه های تحصیلی اقدام کنند. برخی از کمک هزینه های تحصیلی به طور انحصاری برای افراد معلول، زنان، شهروندان آمریکایی یا غیر آمریکایی و یا کسانی

که به دنبال اجرای برنامه خاصی باشند، ارائه می گردد. (۱)

پژوهش درباره

درباره وضعیت فرهنگی معلولین کانادا، پژوهش های انجام شده و گاه به صورت کتاب یا مقاله عرضه شده است. کتاب زیر یک نمونه از این کارها است.

آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی با تأکید بر آموزش و پرورش نابینایان در کانادا، عذرا دبیری اصفهانی و طیبه زندی پور، تهران، آبیژ، ۱۳۸۵.

بر اساس منشور آزادی حقوق بشر تمام شهروندان صرف نظر از نژاد، جنسیت، سن، زبان، معلولیت های جسمی، ذهنی و ... در کل دنیا باید بتوانند از آموزش و پرورش متناسب با نیازهای خود و جامعه برخوردار باشند.

امروزه تعلیم و تربیت دانش آموزان استثنایی در کنار دانش آموزان عادی در مدارس دولتی دنیا امری بسیار عادی تلقی می شود. دانش آموزان استثنایی با معلولیت های ذهنی و فیزیکی سایر دانش آموزانی که با استانداردهای آموزش موجود در کانادا هم خوانی ندارند، مانند مهاجرانی که زبان رسمی مدرسه زبان اصلی آنان نیست، دانش آموزان این کلاس های تلفیقی را شامل می شوند.

این کتاب از امر آموزش و پرورش در کشور کانادا برای دانش آموزان استثنایی بحث می کند و با هدف معرفی آموزش و پرورش در کشور کانادا تدوین شده است و هیچ گونه ارزیابی و داوری در این مقوله مدنظر واقع نگردیده است و نگارندگان این کتاب بر اساس شواهدی که در طول اقامت خود در کشور کانادا بوده اند و همین که برای این گروه از دانش آموزان خدمات ارائه می گردد که کتاب حاضر را به تألیف رسانده اند.

رشد کیفی و کمی آموزش و پرورش دانش آموزان با نیازهای اختصاصی به ویژه دانش آموزان نابینا و کم بینا انگیزه نگارش این اثر بوده است به این امید که شاید تجربیات ارزنده کشور کانادا در زمینه آموزش های استثنایی بتواند راهگشایی برای حل مشکلات آموزشی و پرورشی دانش آموزان استثنایی ایران به خصوص نابینایان

ص: ۹۷

و کم بینایان به شمار آید.

این نوشتار کوششی بوده است در راستای معرفی نظام آموزش و پرورش استثنایی در کانادا به ویژه افراد دارای آسیب بینایی، به این منظور کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش اول آموزش و پرورش استثنایی در کانادا به طور کلی: نگاهی گذرا به تاریخچه آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی، یکپارچه سازی و ادغام، جایگزینی قانون و دانش آموزان استثنایی و در بخش دوم، آموزش و پرورش نابینایان و کم بینایان به طور ویژه: تعریف آسیب های بینایی، نگاهی گذرا به تاریخچه آموزش و پرورش نابینایان و کم بینایان، برنامه های آموزشی کوتاه مدت، برنامه های آموزشی فوق برنامه، مهارت های جابجایی و حرکت از محلی به محل دیگر به کند و کاو کشیده شده است.

در بخش سوم خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی به طور کلی: راهنمایی و مشاوره حرفه ای (تحصیلی - شغلی) موارد قانون جهانی عصای سفید و آنچه نابینایان در این راستا از آن بهره مندند، مطرح شده است. مرور موانع اشتغال، عناوین شاغلین نابینای ۷۵ کشور از ۱۳۵ کشور عضو اتحادیه نابینایان از دیگر مباحث این بخش است.

بخش چهارم به معرفی سازمان ها، انجمن ها، مؤسسات اتحادیه ها، نهادها، شورا ها و دیگر مراکز خدمات رسانی کانادا به نابینایان و ذکر هدف ها و خدمات آنها پرداخته است.

این اثر توسط دکتر عدرا دبیری اصفهانی و دکتر طیبه زندی پور از اساتید دانشگاه الزهرا تهران، از انتشارات آیژه، سال ۱۳۸۵ در ۱۴۲ صفحه به چاپ رسیده است. (۱)

ص: ۹۸

کمک دولت به تشکل های مرتبط با معلولان

دولت کانادا به منظور توسعه مدنیت در جامعه معلولین به روش های مختلف از تشکل ها حمایت می کند؛ و پروژه ای با عنوان "برنامه مشترک اجتماعی در بخش از کارافتادگی (معلولیت) (SDPP-D)" راه اندازی کرده تا به سازمان های غیرانتفاعی که در زمینه کمک به افراد معلول فعالیت دارند کمک مالی کند.

این کمک مالی تا سقف ۲۵۰.۰۰۰ دلار و حداکثر به مدت سه سال به سازمان های منتخب تعلق می گیرد.

دولت کانادا این کمک مالی را در راستای تعهد خود در کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق افراد معلول انجام می دهد.

پروژه هایی می توانند از این کمک استفاده کنند که حداقل روی یکی از مسایل و مشکلات افراد معلول مانند زندگی فعال، دسترسی بهتر به امکانات، شناسایی جمعیت مورد آسیب از این پدیده و رشد آگاهی عمومی نسبت به مسایل معلولیت، فعالیت کنند.

هدف برنامه مذکور که عنوان دقیق آن Disability Component of the Social Development Partnership Program (SDPP-D)I است، بهبود مشارکت و اتحاد عموم مردم در رابطه با معلولیت و تأثیر آن در تمام جنبه های زندگی اجتماعی در کانادا است. به طور خلاصه بودجه این برنامه به سازمان های غیرانتفاعی در سراسر کانادا که با موانع موجود بر سر راه افراد معلول مقابله می کنند تعلق می گیرد.

خلاصه اهداف برنامه (SDPP-D) به شرح زیر است:

- حمایت از ایجاد و توسعه رویکردهایی که به چالش های معلولیت در زندگی اجتماعی می پردازد.

- گسترش و تعویض ابزار، منابع و مطالعاتی که به رفع موانع اجتماعی افراد معلول به طور خاص، خانواده هایشان و اجتماع کمک کند.

- ایجاد مشارکت عمومی و شبکه های اجتماعی که به حل مسایل موجود و در حال ظهور در این زمینه کمک کند.

“کاستاس منگاکیس” (Costas Menegakis) نماینده ریچموند هیل در پارلمان از کسانی که در زمینه های فوق برنامه و یا پیشنهادی دارند خواسته تا آن را رایه دهند. (۱)

ص: ۱۰۲

۱- . سایت سلام تورنتو (www.salamtoronto.ca)

تشکل های مختلف در کانادا فعالیت دارند، یک دسته آنها تشکل هایی هستند که برای نابینایان کار می کنند، دسته ای برای ناشنویان و تشکل هایی هم برای قشرهای دیگر معلولین فعالیت می کنند. اما یک دسته هم عمومی هستند و به همه معلولیت رسیدگی می کنند و دامنه فعالیت های آنها همگانی است. اکنون به معرفی عمومی ها می پردازم.

شورای کانادایی افراد معلول

شورای کانادایی افراد معلول (۱)

این شورا که از سوی دولت فدرال پشتیبانی می شود، سازمانی است که مشوق و حامی معلولان کانادایی است. این شورا، توسط افراد معلول تأسیس و توسط خود آنان اداره می شود. هدف این شورا، ارتقای زندگی معلولان کانادایی از طریق مقابله و از بین بردن نابرابری و تبعیض است. اعضای این شورا را سازمان های ملی، منطقه ای و محلی تشکیل می دهند.

این شورا، از طریق شرکت در فعالیت های سازمان "افراد معلول بین المللی (۲)" و همچنین با ارائه پروژه های بین المللی، فعال است. فعالیت ها و سیاست های اجرایی این شورا بر اساس عقاید زیر پی ریزی شده است:

- افراد معلول باید از حقوق و مسئولیت هایی برخوردار باشند که دیگر افراد عادی از آنها بهره مند هستند. بنابراین، هرگونه محدودیت و ضعفی برای معلولان غیرقابل تحمل است و باید از میان برود؛

- تمام معلولان باید به خودیآوری کاملاً متعهد باشند؛

- معلولان باید در فرآیند تصمیم گیری در زمینه هایی که به نحوی در زندگی آنان تأثیرگذار است، دخالت داده شوند.

- منشور آزادی (۳)

و حقوق بشر، تساوی استفاده از تمام مزایا و حقوق شهروندی را برای معلولان ضمانت کرده و تبعیض بر اساس معلولیت ذهنی و جسمانی را منع

ص: ۱۰۳

نموده است. بنابراین، تمام قوانین آینده باید از این منشور تبعیت کنند. یادآور می شود که این شورا تمام مصوبه های جدید حقوق بشر را برای آگاهی اعضا و سایر افراد ذی نفع چاپ و منتشر می کند.

در سال ۱۹۹۳ سازمان های مختلفی، کمیته متحدی را با هدف تلفیق کامل دانش آموزان نابینا و کم بینا با دانش آموزان عادی تشکیل دادند. (۱)

اتحادیه آموزش های استثنایی استان های آتلانتیک

این اتحادیه، در سال ۱۹۷۵ با هدف ارائه خدمات و برنامه های آموزشی به افراد معلول از هنگام تولد تا ۲۱ سالگی، با همکاری وزارت آموزش و پرورش استان های نیوبرانزویک (۲)، نیوفاندلند (۳)، نوااسکوتیا (۴)، و پرنس ادوارد (۵) تشکیل شد. افراد ناشنوا، نابینا، افراد نابینای ناشنوا و کم بینا و کم شنوا، می توانند از خدمات این مرکز سود ببرند.

این اتحادیه که بر اساس یک توافق نامه میان چهار استان نام برده به وجود آمده است، اتحادیه ای منحصر به فرد در کانادا است که می تواند به عنوان یک الگوی خدماتی کارآمد و مؤثر در سطح منطقه ای، خدمات خود را به مخاطبان ارائه نماید. برنامه ها و خدماتی که توسط این اتحادیه ارائه می شود، کمک به مناطق مختلف آموزشی در چهار استان نام برده، به منظور برآوردن نیازهای آموزشی و پرورشی افراد نابینا و ناشنوا است. بیشتر خدمات این اتحادیه، قابل ارائه به افراد معلول است. در صورت لزوم برنامه های آموزشی کوتاه مدت در مرکز این اتحادیه - که در هالی فاکس (۶) قرار دارد - ارائه می گردد. (۷)

ص: ۱۰۴

۱- همان، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۲- New Brunswick .

۳- New Found Land .

۴- Nova Scotia .

۵- Prince Edward .

۶- Halifax .

۷- همان، ص ۱۳۲-۱۳۳.

تشکل هایی در کانادا هست که دامنه و قلمرو فعالیت های آنها، نابینایان است. آموزش خط بریل، تولید کتب صوتی یا دیگر مسائل مرتبط به نابینایان می پردازند. اکنون به معرفی مهم ترین این تشکل ها می پردازم.

سازمان ملی نابینایان کانادا

سازمان ملی نابینایان کانادا (به انگلیسی: Canadian National Institute for the Blind) (با نماد اختصاری CNIB)، سازمان خیریه ای است در کشور کانادا که به صورت کار داوطلبانه در زمینه کمک به کانادایی های نابینا یا کم بینا و ارتقای آگاهی درباره سلامت بینایی در این کشور فعالیت می کند. این سازمان در آغاز در سال ۱۹۱۸ برای کمک به سربازانی که در جنگ جهانی اول دچار مشکل بینایی می شدند پایه گذاری شد. از آن پس این سازمان گستره فعالیت خود را در زمینه هایی همچون تحقیقات، ارتقای آگاهی عمومی، مشاوره و توانبخشی و نیز ایجاد یک کتابخانه مخصوص افراد با مشکل بینایی (کم بینا یا نابینا) افزایش داده است.

امروزه، مهم ترین و اصلی ترین گروهی که در کانادا حامی نابینایان و افراد مبتلا به انواع آسیب های بینایی به شمار می رود، مؤسسه ملی نابینایان کانادا است که از سال ۱۹۱۸ ارائه خدمات خود را به نابینایان آغاز کرد. کلنل ادوین بیکر^(۱)، دکتر شرمن سویفت^(۲) و پنج تن دیگر، این مؤسسه را تأسیس کردند. در همین ایام، کتابخانه ای^(۳)

برای ارائه خدمات کتابخانه ای و انتشاراتی به این نهاد پیوست. هدف از برپایی این مؤسسه، در حقیقت پاسخگویی به نیازهای نابینایان جنگ جهانی اول بود.

ص: ۱۰۵

۱- Colonel Edwin Baker .

۲- Sherman Swift .

۳- Canadian Free Library .

در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، با پیشرفت های تکنولوژیکی، این نهاد دست به تأسیس مرکزی به منظور مشاوره و راهنمایی حرفه ای زد. این مرکز، برنامه های زنده ای برای برنامه ریزی حرفه ای و آموزش های شغلی ارائه نمودند. در حال حاضر، این مرکز، دارای ۹ دفتر یا مرکز استانی است که خدماتی در زمینه آموزش های اجتماعی، کاریابی و زندگی مستقل بدون نیاز به یاری دیگران ارائه می دهند. این مراکز خدمات مختلفی را در سراسر کانادا به نابینایان، کم بینایان، والدین، مربیان، متخصصان رشته آموزش نابینایان و کم بینایان، پژوهشگران و دیگر افراد علاقه مند به مسائل نابینایان و کم بینایان، ارائه می نمایند. این خدمات عبارتند از:

- مشاوره و راهنمایی مراجعه کنندگان به مراکز ذیربط؛

- توانبخشی شغلی؛

- آموزش مهارت های جابه جایی و جهت یابی؛

- توانبخشی دیداری برای افزایش میزان دید کم بینایان؛

- مشاوره های شغلی؛

- کمک های تکنیکی؛

- خدمات کتابخانه ای.

مشاوره و ارجاع (۱): مشکلات جسمانی در ارتباط با نابینایی و ناشنوایی، کاملاً آشکار و مشخص است، اما تنگنای بزرگتر مسائل روانی، سازگاری فرد با محیط و پذیرش معلولیت است که معلول را نیازمند به آموزش های لازم در این زمینه می سازد.

خدمات مشاوره ای و ارجاع، یکی از خدماتی است که این مرکز به معلولان و خانواده های آنان ارائه می نماید. در این زمینه مشاوران کار آزموده این مرکز، آموزش های لازم را از طریق مشاوره های خصوصی و کلاس های گروهی به آنان و خانواده ایشان ارائه می دهند. از طریق این آموزش ها، معلول و اطرافیان او بهتر خواهند توانست با مسائل عاطفی و روانی از دست دادن بینایی، خود را سازگار نمایند.

ص: ۱۰۶

خدمات مشاوره ای و ارجاعی عبارتند از مشاوره های خصوصی با معلولان، مشاوره با خانواده آنان؛ جلب حمایت های گروهی سایر نابینایان از فرد نابینایی که تازه به مرکز مراجعه کرده است؛ ارجاع فرد نابینا به نهادها و سازمان های خارج از مرکز و سرانجام، تشویق فرد نابینا به استفاده از سایر خدمات این مرکز.

آموزش توان بخشی(۱): این مرکز جهت آموزش های لازم در زمینه فعالیت های روزمره زندگی برای افراد نابینا و کم بینا، کلاس هایی دایر می کند. هدف از این آموزش ها، ارتقای استقلال فردی نابینایان و کم بینایان در انجام وظایف و کارهای روزانه است. این کلاس ها و آموزش ها که به صورت فردی و گروهی برگزار می شود، در زمینه های مشروح زیر، فراگیر نابینا و کم بینا را آماده برای رویارویی با زندگی روزمره می نماید:

- مهارت های ارتباطی: آموزش بریل، نوشتن، تایپ کردن، ضبط صدا و...؛

- ساماندهی کارهای شخصی: رعایت نظافت، بهداشت، سلامت عمومی، مهارت در لباس پوشیدن و نگهداری از آنها، انجام کارهای بانکی و غیره؛

- نگهداری و مراقبت از خانه: آشپزی، نظافت خانه، حراست از خانه و وسایل آن؛

- مهارت های جهت یابی: جابه جایی در درون خانه؛

- فعالیت های تفریحی: آموزش سرگرمی های مختلف در داخل خانه.

آموزش جهت یابی و جابه جایی(۲): هدف اصلی این برنامه، آموزش رفت و آمد مستقل به نابینایان و کم بینایان است تا آنان بتوانند پس از گذراندن این دوره، با سلامت کامل از محلی به محل دیگر آمد و شد کنند و اعتماد به نفس و حس استقلال در ایشان تقویت شود. این آموزش ها شامل موارد زیر است:

- آموزش انفرادی: برای بالا بردن مهارت های رفت و آمد مستقل فراگیر از مبدأ به مقصد؛

- آموزش تکنیک های استفاده از عصای سفید؛

- آموزش چگونگی حرکت از مبدأ به مقصد با کمک یک فرد بینا؛

ص: ۱۰۷

- آموزش ترسیم نقشه های ذهنی توسط فراگیر و استفاده از سایر حواس برای حرکت از محلی به محل دیگر؛

- توانبخشی دیداری (۱)

جهت افزایش میزان دید کم بینایان.

متخصصان بهداشت چشم در این مرکز، به افراد کم بینا کمک می کنند تا به طور صحیح از باقیمانده دید خود استفاده کنند و در صورت امکان، میزان دید این افراد را افزایش دهند. آموزش استفاده از عدسی های بزرگ، یادگیری ورزش های مناسب چشم از جمله شیوه هایی است که این متخصصان از آنها بهره می گیرند.

توانبخشی شغلی (۲): یکی دیگر از خدمات مؤسسه ملی نابینایان کانادا، شناخت مشاغل مورد نیاز در بازار اشتغال و آموزش مهارت های کاریابی است. در این راستا، مشاوران شغلی به افراد مبتلا به آسیب های بینایی کمک می کنند تا برنامه ای برای دستیابی به کار دلخواه خود در آینده طرح ریزی نمایند. سپس، بر اساس پیشه ای انتخابی، معلومات، مهارت ها و توانایی های لازم برای احراز این حرفه مشخص می شود. مرحله بعد، ارزیابی دانش، مهارت ها و توانایی های فرد نابینا یا کم بینا در ارتباط با شغل انتخاب شده است. در صورت نبود مهارت و توانایی های بسنده برای انجام حرفه مشخص شده، فراگیر نابینا یا کم بینا تحت آموزش های لازم در این مرکز و یا مراکز ذیربط قرار می گیرد.

زمانی که نابینا و یا کم بینا آمادگی خود را برای آغاز کار و یا برگشت به حرفه انتخابی اعلام کرد، این مرکز برنامه تازه دیگری برای کاریابی فرد معلول طراحی می کند. در این برنامه، شخص مبتلا به آسیب های بینایی باید با چگونگی استفاده از بانک های اطلاعات مشاغل آشنا شود، روش نوشتن درخواست کار را فراگیرد، راه و رسم مصاحبه با کارفرما را تمرین کند و سرانجام، پس از ارسال درخواست کار به کارفرما، شیوه های پیگیری را یاد بگیرد.

پس از آموزش های لازم در زمینه توانبخشی شغلی و کاریابی، این مرکز از مراجعه کننده خود می خواهد تا زمان استخدام قطعی، ارتباط خود را با این مرکز قطع نکند تا مرکز بتواند مشاوره و حمایت های لازم را به وی ارائه نماید. با این

ص: ۱۰۸

۱- . Sight Enhancement

۲- . Career Rehabilitation

آموزش‌ها که معمولاً بین ۳ تا ۶ ماه به درازا می‌کشد، مراجعه‌کننده به این مرکز می‌تواند به آسانی به بازار کار انتقال یابد.

این کانون، با بسیاری از سازمان‌های دولتی و خصوصی در ارتباط است. این ارتباط تنگاتنگ، سبب می‌شود بسیاری از کارفرمایان به مراجعه‌کنندگان که نابینایان و کم‌بینایان هستند، اعتماد نمایند و آنان را استخدام کنند. یادآور می‌شود که این مرکز مانند سایر مراکز کاریابی در کانادا، مجهز به بانک‌های اطلاعاتی چاپی و الکترونیکی هستند. این بانک‌ها، اطلاعات لازم درباره مشاغل مورد نیاز در بازار کار کانادا، دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای احراز این مشاغل، نام، نشانی و تلفن کارفرمایی را که اقدام به استخدام نموده در اختیار مراجعه‌کننده می‌گذارد.

کمک‌های تکنیکی (۱): در صورت نیاز نابینایان و کم‌بینایان به فراگیری روند کار با ابزار الکترونیکی مانند ضبط صوت، ماشین تحریر، کامپیوتر و دیگر نیازمندی‌های تکنیکی، متخصصان مجرب این مرکز، خدمات لازم را به طور رایگان به معلول ارائه می‌نمایند.

خدمات کتابخانه‌ای (۲): کتابخانه مؤسسه ملی نابینایان کانادا، در سال ۱۹۰۶ برپا شد و امروزه این کتابخانه به صورت دیجیتالی اداره می‌شود. این مرکز، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و خدمت‌رسانان علمی به اشکال مختلف از قبیل کتاب‌های بریل، کتاب‌های گویا، نوارهای صوتی و الکترونیکی و غیره در کانادا است و سالانه ۱۰۸ میلیون مواد کتابخانه‌ای گوناگون را به درخواست‌کنندگان امانت می‌دهد. (۳)

شورای نابینایان کانادا

شورای نابینایان کانادا، در سال ۱۹۴۴ در شهر لندن در استان انتاریو (واقع در کانادا)، کار خود را آغاز کرد. این سازمان که از سوی دولت فدرال تأمین می‌گردد، سازمانی است خیریه و به عنوان "صدای نابینای کانادایی" شهرت یافته است. دفتر مرکزی این سازمان در شهر اتاوا است و در حال حاضر ۸۵ شعبه در سراسر کانادا

ص: ۱۰۹

۱-۳. Technical Aids

۲- Library Services

۳- آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی، ص ۱۲۱-۱۲۷، ویکی پدیا فارسی.

دایر کرده است.

این سازمان، برخلاف مؤسسه ملی نابینایان کانادا که صرفاً ماهیت خدماتی دارد، بیشتر به حقوق نابینایان توجه می‌کند و تمام اعضای آن نابینایان و دیگر افراد مبتلا به آسیب‌های بینایی هستند.

هدف و ضرورت شورا از این قرار است: برپایی، سازماندهی و حفظ همبستگی ملی در جهت یاری رساندن و توسعه کوشش‌های فردی و گروهی نابینایان و دیگر افراد مبتلا به آسیب‌های بینایی به منظور:

- دوباره به دست آوردن اعتماد به نفس، اتکای به خویش، عزت نفس و استقلال؛

- دخالت و دفاع از مسایلی که به نحوی در زندگی نابینایان و کم‌بینایان تأثیر می‌گذارد؛

- ارتقای کیفیت زندگی نابینایان از طریق آموزش عالی، مشاغل پر درآمد، ارتباطات اجتماعی و سرانجام، ایجاد روابط و دوستی نزدیک میان نابینایان و مردم عادی؛

- ارتقا و تبیین استانداردهایی برای حفظ دید و جلوگیری از نابینایی؛

- ایجاد برابری در تمام زمینه‌ها برای نابینایان و افراد مبتلا به آسیب‌های بینایی؛

- ارتقای فرصت‌های همسان در زمینه آموزش و استخدام نابینایان؛

- ارتقای دستیابی و دسترسی مساوی به اطلاعات؛

- ارتقای تلفیق نابینایان با مردم عادی در جوامع مختلف آموزشی، اجتماعی و غیره؛

- ارتقای فعالیت‌های تفریحی و ورزشی برای نابینایان در سراسر کانادا؛

- افزایش عزت نفس و اعتقاد به اصل شهروند درجه یک بودن در تمام اعضا که همگی نابینا و کم‌بینا هستند؛

- کنترل خدمات و اطمینان از کیفیت بالا و برابری این خدمات به نابینایان و کم‌بینایان در سراسر کانادا؛

- ارتقا و کنترل خدمات و لوازم در تمام سطوح؛

- ارتقا و کسب اطمینان از توجه به نیازهای تکنولوژیکی نابینایان؛

- رویارویی با بدرفتاری، محدودیت و تبعیض نسبت به نابینایان و دفاع از برخوردها و رفتارهای مناسب در ارتباط با افراد مبتلا به آسیب های بینایی. (۱)

اتحادیه جهانی نابینایان: زنان نابینا

اتحادیه جهانی نابینایان: زنان نابینا (۲)

آمار نشان می دهد که بیش از ۲۵ میلیون نفر زن نابینا و کم بینا در جهان زندگی می کنند که حدود ۸۰ درصد از آنان در کشورهای در حال توسعه به سر می برند. این زنان نابینا و کم بینا، در حقیقت از معلولیت، محرومیت و ستم هایی چون معلولیت فیزیکی، فقر و تبعیض های جنسیتی رنج می برند.

مجمع عمومی اتحادیه جهانی نابینایان، از حقوق برابر زنان نابینا و کم بینا در تمام صحنه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی در جامعه و خانواده حمایت می کند. این اتحادیه در کانادا برای ایجاد یک شبکه حمایتی از زنان نابینا و کم بینا در سطح محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی می کوشد. این تلاش ها بیشتر در زمینه آموزش و شغل یابی برای این زنان است. در زمینه سوادآموزی این اتحادیه با همکاری یونسکو، تلاش های خود در زمینه دسترسی به برنامه های سوادآموزی، تربیت آموزگار، فراهم کردن مواد آموزشی و تولید مواد چاپی و غیر چاپی مبذول داشته، زیرا اعتقاد بر این اصل است که سواد خواندن و نوشتن تنها راهی است که این زنان می توانند خود را از فقر و تبعیض رهایی بخشند. از سوی دیگر، برای زنان نابینا و کم بینا، بسیار دشوار است که بتوانند بدون داشتن مهارت ها و آموزش های شغلی، برای خود کاری دست و پا کنند و تا اندازه ای بار مالی خانواده را بر دوش کشند. از این رو، این اتحادیه پروژه هایی را برای این منظور تدارک دیده است. یکی دیگر از خدمات این سازمان، ارائه بورس های تحصیلی به زنان مبتلا به آسیب های بینایی است. این بورس ها به زنانی که قصد ورود به کالج یا دانشگاه در کشور خود را دارند، اعطا می گردد. (۳)

ص: ۱۱۱

۱- آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲- The World Blind Union: Blind Woman.

۳- همان، ص ۱۳۰-۱۳۱.

اتحادیه جهانی نابینایان: سالمندان نابینا (۱)

امروزه، اکثر افراد مبتلا به آسیب های بینایی در جهان سالمند هستند. با پیشرفت خدمات بهداشتی و زیاد شدن طول عمر، انتظار می رود که عده سالمندان نابینا به دو برابر در ۱۵ سال آینده افزایش یابد. در کشورهایی که خدمات اجتماعی در سطح بالایی ارائه می شود، سالمندان مبتلا به آسیب های بینایی، می توانند به طور مستقل و یا در سازمان های خاص در سایه حمایت خدمات اجتماعی زندگی کنند. اما در کشورهای در حال توسعه، اغلب سالمندان از سوی خانواده های خود و یا محله ای که زندگی می کنند، حمایت می شوند که این حمایت ها نمی تواند دائمی و پاسخگوی تمام نیازهای آنان باشد. تأمین زندگی سالمندان، رسیدگی به مسائل پزشکی ایشان، توجه به معماری خانه ها و شهرها با در نظر گرفتن احتیاج های سالمندان و سایر نیازهای آنان که در زیر به آنها اشاره شده است، از مسائلی است که این اتحادیه در اولویت های کاری خود قرار داده است:

- فراهم سازی اطلاعات لازم برای سالمندان نابینا و کم بینا در جهت برآوردن نیازهای ارتباطی آنان؛

- طراحی ابزار و وسایل کمکی برای این معلولان؛

- کمک به سالمندان و ارائه خدمات توانبخشی توسط داوطلبان آموزش دیده.

میزان درآمد و حق بازنشستگی سالمندان از عوامل بسیار مهمی است که می تواند مشکل نابینایی و یا کم بینایی آنان را از نظر مالی کم رنگ تر سازد. تفریحات و ورزش یکی از مهم ترین عوامل در سلامت جسمی و روحی سالمندان است که می تواند نقش مؤثری در اجتماعی نمودن آنان داشته باشد. توجه به این مهم، باید در فهرست کاری مسئولان امر قرار گیرد. (۲)

ص: ۱۱۲

۱- .The World Blind Union: The Elderly Blind

۲- . همان، ص ۱۳۱-۱۳۲.

انجمن ملی کانادایی نابینایان و ناشنوایان (۱)

این انجمن، با هدف حمایت از کسانی که هم نابینا و هم ناشنوا هستند. به راه افتاد. این معلولان که هر دو حس بینایی و شنوایی خود را از دست داده اند، با دشواری های بسیاری در زمینه های کسب اطلاعات، تعلیم و تربیت، کاریابی و سایر هدف ها و مسئولیت های اجتماعی روبه رو هستند. بنابراین، اینان به دلیل داشتن چند معلولیت، به خدمات تخصصی خاص از قبیل روش های ایجاد ارتباط با دنیای پیرامون خود نیاز دارند.

هدف و ضرورت: حمایت و پشتیبانی از خدمات جدید و پیشرفته برای نابینایان ناشنوا؛

- حمایت و کوشش در جهت پیدا کردن روش ها و تکنیک های نوین و پیشرفته برای آسان تر سازی ارتباط نابینایان ناشنوا با جهان خارج؛

- افزایش آگاهی جامعه از مواردی که می تواند در زندگی نابینایان ناشنوا تأثیر گذار باشد؛

- جمع آوری و اشاعه اطلاعاتی که به نابینایان ناشنوا کمک می کند تا بتوانند به عنوان یک شهروند عادی، در محافل اجتماعی شرکت جویند.

برای رسیدن به اهداف یاد شده، این انجمن فعالیت های زیر را به عنوان سیاست های اجرایی خود پذیرفته است.

- انتشار مجله و خبرنامه برای رساندن صدای نابینایان ناشنوا به گوش عموم مردم؛

- حمایت و کوشش در جهت توسعه و پیشرفت روش هایی که نابینایان ناشنوا بتوانند بدون کمترین مانع از امکانات شهر خود مثل هواپیما، اتوبوس، قطار و... استفاده کنند؛

- کمک به خریداری ابزارهای ارتباطی همانند ماشین برگردان یا ترجمه کن متون به بریل (۲)،

رایانه، چاپگرهای بزرگ نما ساز (۳) و در اختیار نابینایان ناشنوا نهادن

ص: ۱۱۳

۱- Canadian National Society of The Deaf-Blind .

۲- Brail Translating Machine .

۳- Print Enlargers .

اتحادیه کانادایی بریل

اتحادیه کانادایی بریل، با هدف ارتقای جایگاه بریل به عنوان رسانه اصلی برای نابینایان و کم بینایان، در سال ۱۹۹۱ برپا شد. هیئت امنای این اتحادیه، از نمایندگان چون والدین نابینایان، کم بینایان و مربیان بریل تشکیل شده است. این اتحادیه، سه عضو دائمی دارد که عبارتند از: شورای کانادایی نابینایان، مؤسسه ملی کانادایی نابینایان و مؤسسه بریل نازارت. این اتحادیه پاسدار و حامی ارزش هایی به شرح زیر است:

- تمام کانادایی هایی که جهت کسب اطلاعات به بریل نیاز دارند، می توانند بریل را فراگیرند زیرا حق آنان است؛

- تمام نابینایان و کم بینایان حق دستیابی مساوی به اطلاعات از طریق بریل را دارند.

هدف و ضرورت اتحادیه بریل: برای بسیاری از نابینایان و کم بینایان در کانادا، بریل به عنوان یک رسانه ضروری برای سوادآموزی، از جایگاه خاصی برخوردار است. هدف های این اتحادیه عبارتند از:

- فراهم کردن شیوه هایی در جهت حمایت از بقای مستمر بریل در صورت ایجاد تغییرات تکنولوژیکی؛

- فعالیت در سطح فنی و بین المللی از طریق شورای بین المللی انگلیسی بریل؛

- آگاه سازی خوانندگان بریل از تغییرات ایجاد شده در کدهای بریل؛

- شرکت در ارزیابی تغییرات کدهای بریل؛

- آگاه سازی همگانی از اهمیت بریل برای نابینایان و کم بینایان؛

- چاپ نشریه ملی اتحادیه، دست کم دو بار در سال به زبان های انگلیسی و فرانسه؛

- ایجاد و کنترل استانداردهای لازم برای تدریس بریل؛

ص: ۱۱۴

- ایجاد روش ها و سیاست های سازنده برای نفوذ در قانون گذاران بریل؛

- تمرکز و تأکید فراوان در جهت قانونی کردن سواد آموزی بریل.

این اتحادیه از زمان تأسیس، عملکردهای درخشانی را از خود نشان داده است. ناگفته نماند که اتحادیه کانادایی بریل، یک سازمان غیر دولتی است که بودجه خود را از طریق حق عضویت سالانه اعضای خویش تأمین می کند. (۱)

دیگر تشکل ها

اشاره

تشکل هایی هم در کانادا هستند که فعالیت حقوقی یا حمل و نقل و غیره دارند که در این جا معرفی می شوند.

خدمات حمل و نقل برای معلولان

سازمان های خاصی تأمین کننده خدمات ویژه برای حمل و نقل معلولین است. این خدمات علاوه بر ساکنین، به بازدیدکنندگان نیز ارائه می شود. این سازمان ها خدمات خود را به افرادی که دچار مشکلات حرکتی هستند یا افرادی که ناتوانی بینایی یا شنوایی دارند و یا استفاده کنندگان از اعضای مصنوعی و یا استفاده کنندگان از صندلی چرخدار ارائه می کند.

شرکت های حمل و نقل عمومی اتوبوس نیز تعدادی اتوبوس کم ارتفاع را برای استفاده کنندگان از صندلی چرخدار در سطح شهر به کار گرفته است. برای اطلاع از خطوط مجهز به این اتوبوس ها می توانید با این شرکت تماس بگیرید.

در سال های اخیر، معلولان کشور کانادا شرایط بهتری پیدا کرده اند و در مقایسه با گذشته، موانع کمتری پیش رو دارند. حالا آنها هم به راحتی می توانند مانند دیگر افراد جامعه در مدرسه، محل کار، مکان های عمومی و در سطح شهرها حضور یابند و از امکاناتی که در اختیار همه مردم قرار دارد، استفاده کنند. تا چند دهه قبل، معلولانی که در این کشور زندگی می کردند مشکلات

ص: ۱۱۵

متعددی داشتند؛ مشکلاتی مانند موانع فیزیکی و ناآگاهی و رفتار ناصحیح مردم نسبت به این افراد. در آن شرایط، دولت کانادا نسبت به این موارد بی تفاوت نماند و برای بهبود وضع زندگی به کمک معلولان آمد تا آنها هم بتوانند مانند سایر افراد جامعه و همراه آنها زندگی کنند و آن طور که دوست دارند در جامعه حضور یابند. رفع موانع فیزیکی، بهسازی پیاده روها و خیابان ها، سرویس های ویژه و امکان ورود با صندلی های چرخدار به مراکز خرید و سالن های نمایش و... بخشی از این اقدامات است که در کانادا انجام شد.

هم اکنون معلولان کانادایی به راحتی می توانند از تاکسی های ویژه استفاده کنند یا سوار اتوبوس هایی شوند که همگی مجهز به سطح شیب دار هستند و مکانی مخصوص در آن برای قرار گرفتن صندلی چرخدار در نظر گرفته شده است. همچنین در اتوبوس و متروهای کانادا، صندلی های ویژه ای برای معلولان قرار گرفته که با نماد مخصوصی مشخص شده است تا آنها راحت و بدون دردسر بتوانند روی صندلی خودشان بنشینند. جالب است که دیگران نیز هیچ وقت روی این صندلی ها که مخصوص معلولان است، نمی نشینند و صندلی را برای آنها خالی می گذارند؛ حتی زمانی که صندلی های دیگر پر است و جایی برای نشستن نیست. (۱)

ریچ کانادا

ریچ کانادا یک سازمان غیر انتفاعی واقع در اتاوا کانادا است که در یافتن وکیل مدافع برای معلولین این کشور فعالیت دارد. این سازمان از ۱۹۸۱ تأسیس شده است. همچنین در زمینه آگاهی رسانی در رابطه با حقوق معلولین به وکلا، مردم و خود معلولین از طریق سمینارها و کنفرانس ها نیز فعال است و نیز با بسیاری از پروژه های سیستم قضایی کانادا در ارتباط می باشد. (۲)

ص: ۱۱۶

۱- .سایت مؤسسه مهاجرتی گنجی (www.ganjico.com)

۲- .وبسایت این مؤسسه: www.reach.ca

مرکز جامعه جعفری در شهرک وان در کانادا، با تشکیل گروهی از داوطلبان با عنوان «شبکه حمایتی نیازهای خاص» به کمک معلولان ذهنی، مبتلایان به بیماری های سندرم داون و اوتیسم شتافت.

گروه ترجمه خبرگزاری «حوزه» به نقل از muslimlink، مرکز جامعه جعفری در شهرک وان در کانادا، هر هفته میزبان معلولان، کودکان مبتلا به ناتوانی های ذهنی و مبتلایان به سندرم داون می باشد.

هر سه شنبه، مدرسه اسلامی الصادق در این مرکز کلاس های آموزشی با حضور سه مدرس برای کودکان مبتلا به ناتوانی های ذهنی برگزار می کند.

علویه جعفر یک فارغ التحصیل دبیرستان و دختر جوانی است که به سندرم داون مبتلا شده، اما این بیماری سبب از بین رفتن اشتیاق او به یادگیری مهارت های مختلف نشده، سندرم داون یک بیماری ژنتیکی است که وجود یک کروموزوم اضافه در ژنتیک افراد منجر به مشکلات متعدد ظاهری، فکری، آموزشی و سلامتی در مبتلایان می گردد.

علویه که مداوم به مرکز جعفری، مسجد و مدرسه اسلامی الصادق سر زده و همراه با خانواده اش در فعالیت های معنوی اجتماعی شرکت داشته می گوید: من می خواهم به جامعه کمک کنم.

وی همیشه در نمازهای جمعه و دیگر نشست های مذهبی حضور دارد.

به گفته جامعه سندرم داون کانادا، ۴۵ هزار کانادایی در این کشور به این بیماری مبتلا بوده و از هر ۶۶ نفر، ۱ نفر به اوتیسم مبتلاست و این دو تنها دو مورد از ناتوانی های موجود در این کشور بوده و جوامع مسلمان نیز از این معضلات استثنا نیستند. در این میان جامعه جعفری کمیته ویژه ای با عنوان «شبکه حمایتی نیازهای خاص» تشکیل داده که به خانواده ها با نیازهای ویژه کمک رسانی می کند. این گروه برنامه های سالانه ای به ویژه در ایام محرم و رمضان برگزار می کند. برخی برنامه های این شبکه به صورت دسته جمعی و با حضور والدین برگزار شده و برخی دیگر از پروژه ها نیز مخصوص کودکان هستند.

میثم پدر علویه می گوید: بسیار عالی است که جامعه ما برای کمک و

یاری رسانی به این کودکان، جوانان و بزرگسالان برخاسته اند.

رکسانا که دخترش ثریا به بیماری اوتیسم مبتلاست می گوید: «از زمانی که داوطلبان شبکه به یاری ما آمده اند دیگر آن قدر احساس تنهایی نمی کنم و کمی آرامش به سراغم آمده است»^(۱).

بنیاد خیریه کهریزک کانادا

دکتر محمدرضا حکیم زاده در سال ۱۳۵۱ مرکز کهریزک را در جنوب تهران جهت نگهداری معلولان و سالمندان تأسیس کرد. در سال ۲۰۰۰ بعضی از نیکوکاران مقیم کانادا شعبه ای از این مرکز را در تورنتو کانادا تأسیس کردند.

محمد فتوت مدیرعامل کنونی این بنیاد در مصاحبه ای با سایت دادگر درباره فعالیت های اینجا گفت:

«بنیاد کهریزک کانادا»^(۲)

وابسته به هیچ ارگان سیاسی، مذهبی و غیره نیست، طبق قوانین کانادا به ثبت رسیده است و مورد تأیید خزانه داری کل کانادا و سفارت کانادا در تهران (در زمانی که سفارت باز بود) می باشد. ما موظف هستیم هرگونه کمک مالی که دریافت می کنیم، پس از کسر هزینه به حساب بنیاد خیریه کهریزک در ایران ارسال نماییم که رقمی حدود ۹۵ درصد اعانات دریافتی است. اینجا باید به اطلاع شما برسانم که هزینه های بالاسری ما در اینجا بسیار پایین و در حداقل ممکن است چون اعضای هیئت مدیره اکثر مخارج را شخصاً تقبل می کنند. حال شمه ای از انواع فعالیت هایمان در کانادا بگویم. ما در طول ۱۶ سال فعالیت با برپا نمودن بازارهای متعدد، گردهمایی خانم ها و کنسرت های مختلف از هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی و در نهایت با شرکت در مراسم و جشن های گوناگون جامعه ایرانی تورنتو، به

ص: ۱۱۸

۱- . خبرگزاری حوزه، ۱۰ دی ۱۳۹۷.

۲- . آدرس وب سایت بنیاد خیریه کهریزک کانادا (www.kahrizak.ca)

جمع آوری اعانه مشغول بوده ایم.

آخرین برنامه ما در مرکز هنری ریچموند هیل، کنسرت "نوای عشق" توسط گروه نیاز بود که با استقبال فوق العاده ای روبرو شد. ما با درآمد حاصله از این کنسرت در کنار کمک های نقدی خیرین، قادر خواهیم بود تعداد ۵ دستگاه، شوینده ضد عفونی کننده آسایشگاه کهریزک در تهران را که بسیار کهنه و فرسوده اند، تعویض کنیم» (۱).

ص: ۱۱۹

۱- . سایت دادگر (www.dadgar.ca)

آموزش و پرورش دانش آموزان استثنایی: تأکید بر آموزش و پرورش نابینایان در کانادا، عذرا دبیری اصفهانی و طیبه زندی پور، تهران، آبیژ، ۱۳۸۵.

تحریریه ویژنتو (www.visionto.online)

سایت ایرانیان کانادا (www.iraniancanada.com)

سایت اینترنتی (www.payment۲۴.ir)

سایت بانک جامع اطلاعات معلولان (www.datadisability.com)

سایت دفتر فرهنگ معلولین (www.handicapcenter.com)

سایت روزنامه (www.roozame.com)

سایت سازمان مهاجرتی حوری سلیمانی (www.hoori.ca)

سایت سلام تورنتو (www.salamtoronto.ca)

سایت شرکت پکتوس (www.pactos.net)

سایت شمعدانی (www.shamdani.com)

سایت کارومید (www.karomid.com)

سایت مرکز ضایعات نخاعی جانبازان

سایت مؤسسه ریچ (www.reach.ca)

سایت مؤسسه مهاجرتی گنجی (www.ganjico.com)

سایت مؤسسه مهاجرتی گنجی (www.ganjico.com)

سایت مؤسسه نابینایان بصیر (www.bassir.ir)

مجله اینترنتی پرنیان (نشریه آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ایرانیان مهاجر)

نشریه الکترونیک دادگر (ویژه ایرانیان ساکن در کانادا) (www.dadgar.ca)

نشریه اینترنتی پرژن میروور (ویژه جامعه فارسی زبان کانادا)، (www.persianmirror.ca)

وبلاگ روزنوشت های جانبازی

وبلاگ کار درمانی (www.ot.blogfa.com)

وبلاگ ماجراهای تحصیل در کانادا (www.studyincanada.persianblog.ir)

ص: ۱۲۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

